

بخش ۳

جنایت مومنانہ

نگاہی بہ دادگاہ بررسی جنایات حمید نوری،
دادیار سابق زندان رجایی شهر کرج، در سوئد

نیرہ انصاری



بخش ۳

جنایت مومنانه

نیره انصاری



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده آنلایین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

جنایت مومنانه (بخش ۳)

نیره انصاری

آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

© E-Collaborative for Civic Education 2023

e-collaborative for civic education

(E-Collaborative Civic Education) ECCE یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثرگرایی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارایه می‌شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و برساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

فهرست

پیش‌گفتار	۱۱
مقدمه نویسنده	۱۳
نگاهی به یک رویداد تاریخی	۱۷
فصل اول: دستگیری حمید نوری	۲۱
شکوائیه شاکیان که تسلیم دادستانی سوئد گردید	۲۲
تدوین و صدور کیفرخواست دادستان علیه حمید نوری	۲۶
اتهامات وارده بر حمید نوری	۳۱
روند دادرسی	۳۲
فصل دوم: آمار شکایت شاکیان و شهادت شاهدان مستقیم	۳۹
چرا «جنایت علیه بشریت» جزو اتهامات حمید نوری محاسبه نشد؟	۴۰
چرا جرم نسل‌کشی برای زندانیان چپ اعدام‌شده، در دادخواست اندراج نیافت؟	۴۳
فصل سوم: مبانی حقوق بین‌الملل	۴۷
اصل صلاحیت قضایی جهانی چیست؟	۵۲
فصل چهارم: اهمیت جرم	۶۴
اصل برائت	۶۷
حقوق متهم	۶۸
پاسخ به وارونه‌گویی و ادعاهای کاظم غریب‌آبادی	۷۲
برخورد کاردار سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم - سوئد با منتقدان خود	۷۴

فصل پنجم: استقلال قوه قضائیه	۷۶
پاسخ به ادعاهای مسئولان حکومت اسلامی از جمله کاظم غریب آبادی و معصومی فر.....	۷۶
مرور زمان	۸۶
تحقیق و آیین پیش از دادرسی	۸۹
آغاز تحقیق	۹۱
فصل ششم: جرایم حقوق بشری که در حوزه صلاحیت جهانی قرار می گیرند	۹۳
چهار گروه از جرایم بشری	۹۳
جرایم علیه بشریت	۹۳
جرایم جنگی	۹۴
شکنجه	۱۰۱
جرم نسل کشی / ژنوساید	۱۰۳
بررسی حقوقی	۱۰۵
دیوان کیفری بین المللی	۱۰۹
تاثیر حقوق بشر بر شکل گیری و توسعه مفهوم جرم جنگی	۱۱۳
نتیجه گیری	۱۱۴
فصل هفتم: شهود یا چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری	۱۱۶
تاریخچه	۱۱۶
فلسفه شهادت در قوانین داخلی و بین المللی	۱۱۸
تفاوت این دادگاه ها با دادگاه حمید نوری در استکهلم	۱۲۳
محدودیت های مهم قانونی در اصل صلاحیت قضایی جهانی	۱۲۶
جرم جنگی در محاکم بین المللی	۱۲۸
جایگاه قاضی در استانداردهای بین المللی	۱۳۴
پایان سخن	۱۳۸
بی کیفرمانی	۱۳۹
بشریت و عدالت	۱۴۰
تابعان حقوق	۱۴۰
محاكمه حمید نوری / عباسی	۱۴۱
جرم سیاسی در ایران	۱۴۳
پاسخ به مسئولان حکومت اسلامی از جمله کاظم غریب آبادی و معصومی فر.....	۱۴۴

۱۴۵	جمهوری اسلامی در ایران ناقض حقوق بنیادین
۱۴۷	احضار سفیر سوئد در تهران در روزهای پایانی محاکمه حمید نوری
۱۵۰	سوئد و اتحادیه اروپا خواستار آزادی فوری احمدرضا جلالی شدند
۱۵۲	فصل هشتم: تابعیت دوگانه
۱۵۲	گروگانگیری در حقوق داخلی و بین الملل
۱۷۴	فصل نهم: اصل صلاحیت و نظارت قضایی جهان
۱۷۴	دفاعیات حمید نوری
۲۱۸	فصل دهم: نظریه کارشناسان
۲۱۸	اوه برینگ
۲۲۰	پروفسور مارک کلمیری، شاهد نوبت بعدازظهر
۲۲۳	جان کلفنر، کارشناس - شاهد جلسه صبح
۲۲۶	سالی لانگورث، کارشناس - شاهد جلسه بعداز ظهر
۲۲۷	اریک داوید
۲۳۶	نظریه توماس ساندر، رئیس دادگاه
۲۳۷	نظریه بنکت هسلبری، وکیل مشاور
۲۳۷	نظریه محمد اولیایی فرد، وکیل دادگستری و حقوق دان به عنوان شاهد
۲۴۳	دستیابی دادستان ها به مدارک تازه علیه حمید نوری
۲۴۵	مروری بر این که حمید نوری کیست و چرا محاکمه می شود؟
۲۵۳	فصل یازدهم: اصدار حکم دادگاه بدوی
۲۵۳	اعلام حکم صادره توسط دادگاه بدوی استکهلم علیه حمید نوری / عباسی
۲۵۴	آیین تعیین مجازات
۲۵۵	استیناف و تجدیدنظر
۲۵۸	اهلیت حقوقی
۲۵۹	دادخواهی
۲۶۵	منابع

فصل نهم

اصل صلاحیت و نظارت قضایی جهان

دفاعیات حمید نوری

این پرونده در ۲۰۱۹ بر مبنای پذیرش اصل صلاحیت قضایی جهانی توسط سوئد ۲۰۱۴، گشوده شده است. اصل صلاحیت قضایی جهانی به دادگاه‌های داخلی کشورها اجازه می‌دهد فارغ از این‌که جرم در چه کشوری رخ داده و بدون در نظر گرفتن تابعیت مظنون و قربانی، مظنون را در دادگاه‌های داخلی تحت پیگرد قرار بدهند.^{۲۳۸}

آمارها

بنابر انتشار آمار و اطلاعات سازمان «محاكمه بین المللی»، در خصوص چنین پرونده‌ها، در سال ۲۰۱۹، ۲۰۷ مظنون یا متهم از ۲۲ کشور مختلف در ۱۶ کشور عمدتاً اروپایی در مراحل مختلف پیگرد قضایی (تحقیقات مقدماتی، منتظر محاکمه، در حال محاکمه، صدور حکم) قرار داشته‌اند، اتهام‌های وارده بر آن‌ها شامل: «جنایت علیه بشریت (۱۴۶)، شکنجه (۹۲)، نسل‌کشی (۲۱)، جرایم جنگی (۴۱) و سایر جرایم» می‌باشد (۳۷).

۲۳۸- اصل صلاحیت قضایی و نظارت جهانی و پیوستن سوئد به این اصل در (سال ۲۰۱۴).

غالباً در چنین پرونده‌هایی، بازداشت پیش از محاکمه مظنون-متهم طولانی است، زیرا که دادستان باید در مورد اعمال مجرمانه‌ای تحقیق کند که اکثر سنگین و گسترده هستند و در کشوری دیگر و احتمالاً در گذشته دور صورت گرفته‌اند. برای نمونه، دو مامور امنیتی سوری که محاکمه آن‌ها از ۲۳ آوریل ۲۰۲۰ در دادگاه عالی شهر «کوبلنتس» آلمان آغاز شد، هر دو از فوریه ۲۰۱۹ که دستگیر شدند در بازداشت بسر می‌برند. «عثمان سونکو» (وزیر کشور سابق گامبیا) که ۲۶ ژانویه سال ۲۰۱۷ به اتهام «جنایت علیه بشریت» در سوئیس دستگیر و اکنون چهارمین سال بازداشت پیش از محاکمه خود را پشت سر می‌گذارد. دادگاه فدرال سوئیس در حکمی که در رد اعتراض سونکو به مدت بازداشتش صادر کرد؛ اعلام نمود: «در سوئیس حداقل مجازات «جنایات علیه بشریت» پنج سال زندان است و سه سال از بازداشت سونکو سپری شده و همچنان کم‌تر از این حداقل است.^{۲۲۹}

یافته‌های سازمان محاکمه بین‌المللی درباره صلاحیت قضایی جهانی در سال ۲۰۱۹

در سوئد ضوابط بازداشت پیش از محاکمه و شرایط آن در فصل ۲۴ آیین دادرسی قضایی ۱۹۹۹ که به دستگیری و بازداشت اختصاص دارد و ماده قانونی در خصوص بازداشت (۲۰۱۰:۶۱۱) معین شده‌اند.^{۲۳۰} آیین دادرسی امکان بازداشت پیش از محاکمه هر مظنونی را که حداقل مجازات اتهامش دو سال است میسر ساخته است (ماده ۱). برای مظنونانی که مقیم سوئد نیستند و احتمال فرار آن‌ها جدی است، بازداشت در هر حال و بدون در نظر گرفتن میزان مجازات مجاز دانسته شده است (ماده ۲). دستور بازداشت را دادگاه صادر می‌کند (ماده ۵). دادستان ملزم است حداکثر سه روز پس از دستگیری، از دادگاه بر اساس شواهد و مستندات گردآوری شده، بازداشت مظنون را درخواست نماید (ماده ۱۲).

سقفی برای مدت بازداشت در قانون منظور نشده و تمدید آن به بررسی تناوبی دادگاه موکول گردیده است. این بررسی بایستی هر دو هفته یک بار صورت گیرد مگر آن‌که سنگینی پرونده زمان طولانی‌تری را برای تحقیقات ایجاب کند (ماده ۱۸). اگر پس از بازداشت متهم،

۲۲۹- آمارهای سازمان محاکمه بین‌المللی نسبت به جرائم بین‌المللی در کشورهای اروپایی.

۲۳۰- ضوابط بازداشت پیش از محاکمه در موادی از آیین دادرسی قضایی سوئد ۱۹۹۹.

دادستان نهایتاً تصمیم به عدم صدور کیفرخواست بگیرد و یا این‌که متهم نهایتاً محاکمه و تبرئه شود، «ماده قانونی مربوط به غرامت برای سلب آزادی (۷۱۴:۱۹۹۸) به مظنون-متهم اجازه می‌دهد که برای تمام مدت بازداشت‌اش درخواست غرامت مالی کند. در دو دهه گذشته دادگاه‌های سوئد به درخواست‌های متعدد دادستان برای بازداشت مظنونی مانند حمید نوری رسیدگی کرده‌اند. برخی پاسخ منفی گرفته‌اند، همچون مورد «عبدی حسن اول غیب دید»، رئیس پلیس موگادیشو در کشور سومالی. زمانی که غیب دید، برای شرکت در کنفرانسی از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر ۲۰۰۵ به شهر «لوند» سوئد سفر کرده بود، یک پناهنده سومالیایی حضور او را به پلیس گزارش می‌کند. غیب دید، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵ به دستور دادستان دستگیر می‌شود. سه روز بعد نیز دادستان با اتکا به شواهد و مستندات، از دادگاه ناحیه «یوتبوری» می‌خواهد که برای غیب دید، به «ظن ارتکاب جرم نسل‌کشی» قرار بازداشت صادر کند. دادگاه اما درخواست بازداشت را رد می‌کند، با این استدلال که «شواهد و مستندات» ارائه شده برای اثبات ظن به جرم انتسابی، یعنی نسل‌کشی، کافی نبوده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل، که این پرونده را در یکی از گزارش‌های خود مستند کرده، بر این نظر است که اگر دادستان جرم انتسابی به عبدی غیب دید را محدود به «نسل‌کشی» نکرده بود و جرایمی مانند «جرم عادی قتل عمد» که آسان‌تر ثابت می‌شود، را نیز به اتهامات او اضافه کرده بود، دادگاه یوتبوری به احتمال زیاد با درخواست بازداشت عبدی غیب دید موافقت می‌کرد.

اما در پرونده‌هایی چون حمید نوری که دادگاه‌های سوئد با بازداشت مظنون موافقت کرده‌اند، مدت بازداشت اکثراً طولانی بوده است و شرایط بازداشت نیز بیش‌ترین محدودیت را داشته است. اطلاعات موجود درباره ده پرونده که از سال ۲۰۱۱ تا کنون از دادگاه‌های سوئد حکم نهایی دریافت کرده‌اند نشان می‌دهند که طولانی‌ترین مدت بازداشت تا پیش از شروع محاکمه ۱۷ ماه (پرونده م. مارتینوویچ) بوده است. طولانی‌ترین مدت محاکمه ۹ ماه (پرونده ت. تابارو) و زمان بین حکم بدوی و تجدید نظر نیز اکثراً ۱۲ ماه بوده است. از این ده پرونده، پنج پرونده که در پیوند با درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نسبتاً اخیر در عراق و سوریه قرار داشتند، متهمان (نیروهای نظامی دولتی یا غیردولتی) از روال دادرسی سریعتری برخوردار بوده‌اند زیرا که اساساً با اتکا به همان مستنداتی (عکس و فیلم) که دستگیر شده بودند محاکمه و محکوم گردیدند. اما پنج پرونده دیگر که مربوط به جنایات

جنگی در بوسنی (۱۹۹۲) و کوزوو (۱۹۹۹) و همچنین نسل‌کشی در رواندا (۱۹۹۴) بوده‌اند به علت وقت‌گیر بودن تحقیقات مقدماتی، گسترده بودن اعمال مجرمانه و اتکا به شهادت شاهد‌های متعدد روال به مراتب طولانی‌تری داشته‌اند.^{۲۳۱}

در سوئد اساساً تمهیداتی برای گذاشتن وثیقه وجود ندارد. مظنونان یا بازداشت می‌شوند یا آزاد. آزادی می‌تواند نامشروط باشد یا همراه محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت مسافرت، الزام به معرفی منظم، و تحت نظر بودن. به استناد آمار موجود، نزدیک به ۲۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۸ در سوئد در بازداشت پیش از محاکمه بوده‌اند. ۶۵٪ از آنان نیز حداقل با یک محدودیت مواجه بودند. معمول‌ترین محدودیت‌ها نداشتن اجازه ملاقات، استفاده از امکانات الکترونیک ارتباط، دریافت پست و معاشرت با دیگر بازداشتی‌ها است. در سال‌های گذشته میزان بالای اعمال چنین محدودیت‌هایی موجب انتقادهای زیادی به دستگاه قضایی سوئد از سوی نهادهای حقوق بشر بین‌المللی شده است.

ازیرا، هم بازداشت حمید نوری، هم محدودیت‌های حداکثری که در بازداشت او اعمال می‌شود، و نیز طولانی بودن مدت بازداشتش نشأت یافته از مقررات و قوانین موجود در این کشور است. البته طولانی بودن بازداشت، بستگی به زمان صدور کیفرخواست، مدت محاکمه و مراحل تجدیدنظر دارد.

«یوران یالمارسون» وکیل ۱۳ تن از شاکیان حمید نوری که سابقه وکالت تعدادی از شاکیان چهار پرونده دیگر را نیز دارد بیان کرد: «با توجه به این‌که بیش از یک سال از بازداشت حمید نوری می‌گذرد، دادستان بایستی به پایان تحقیقات مقدماتی نزدیک شده باشد و تا چند ماه دیگر کیفرخواست او را به دادگاه بفرستد، البته به شرطی که به گناهکار بودن او یقین پیدا کرده باشد. دادگاه دو هفته یا کمی بیش‌تر پس از صدور کیفرخواست آغاز به کار خواهد کرد. مظنونان در چنین پرونده‌های سنگینی عموماً در دادگاه بدوی و در مراحل تجدیدنظر هم در بازداشت می‌مانند، مگر این‌که در دادگاه بدوی تبرئه شوند که در آن صورت فوراً آزاد خواهند شد.»^{۲۳۲}

۲۳۱- جنایات جنگی در بوسنی و کوزوو، نسل‌کشی / ژنوساید در رواندا.

۲۳۲- اظهارات یوران یالمارسون وکیل ۱۳ تن از شاکیان حمید نوری در خصوص روند حقوقی-کیفری پرونده حمید نوری / عباسی.

یارلمارشون در ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱ نیز اعلام کرده بود که دولت سوئد با پیگرد کیفری حمید نوری رسماً موافقت نموده است. اجازه رسمی دولت یکی از شروط پیگرد کیفری جرایم برون مرزی در دستگاه قضایی سوئد است. به موجب ماده ۵ فصل دوم قانون مجازات سوئد، موسوم به «دامنه اجرای قوانین کیفری»: «پیگرد کیفری جرایمی که در خارج صورت گرفته‌اند مستلزم اجازه دولت» است. تا کنون پنج پرونده مشابه پرونده نوری که شاکیان متعددی داشته‌اند در دادگاه‌های سوئد مورد پیگرد قرار گرفته‌اند.^{۲۳۳} متهمین از کشورهای بالکان و رواندا بوده‌اند. در یک مورد متهم محکوم به ۸ سال حبس گردید. چهار موردی که متهمین حکم حبس ابد گرفته‌اند یک مورد در دادگاه فرجام لغو شده است و پنج پرونده دیگر نیز که شاکای خصوصی نداشته پرونده مربوط به جنایات جنگی در عراق و سوریه بوده‌اند. در قوانین کیفری سوئد حداکثر مجازات برای جنایت جنگی فاحش و قتل عمد، حبس ابد است.

آغاز جلسات دفاعیه نوامبر ۲۰۲۱/آذر ۱۴۰۰

نخستین جلسه دفاعیه حمید نوری

احراز هویت

حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام‌های تابستان ۶۷، در نخستین جلسه دفاعیات خود به «اتهام قتل عمد و جنایت جنگی» در دادگاه استکهلم سوئد، شهادت شاهدان و شاکیان علیه خود در دادگاه سوئد را تایید کرد و گفت که او همان حمید عباسی است و ناصریان (محمد مقیسه) رئیس او بوده است.^{۲۳۴}

این مقام سابق قضایی گفت در سال ۱۳۷۰ به دلیل نداشتن حقوق خوب از زندان استعفا داد اما تا سال ۷۲ یا ۷۳ هفته‌ای دو روز به زندان می‌رفت و همه کارهای هفته را در دو روز انجام می‌داد: «در طول مدتی که اوین بودم کار مرخصی هزاران نفر را من انجام دادم، اما

۲۳۳- اظهارات یوران یالمارسون ۲۰۲۱/۱۲/۲۲ در باره موافقت دولت سوئد دائر بر پیگرد کیفری حمید نوری و استناد به ماده ۵ فصل دوم قانون مجازات سوئد.

۲۳۴- اقرار حمید نوری در نخستین جلسه دفاعیه خود نسبت به اتهامات «قتل عمد و جرایم جنگی» و تایید شهادت شاهدان و شکایت شاکیان.

رئیس امضای نهایی را می‌کرد. یکی از افرادی که من زیاد کار مرخصی‌اش را انجام می‌دادم، در این سالن است.» او مدعی شد که از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۲ در دادیاری زندان اوین کار می‌کرد و حدوداً ۱۰ تا ۱۵ بار به زندان‌های قزل‌حصار، زندان رجایی‌شهر و زندان قصر به عنوان ماموریت تردد داشته است.

این در حالی است که «دانیل مارکوس»، وکیل مدافع آقای نوری این اتهامات را رد کرده و حتی شاغل بودن او در زندان را تکذیب کرد! این اظهارات نشان از عدم هماهنگی و تعارض میان اظهارات «وکیل و موکل» دارد! با توجه به این‌که به موجب رویه قضایی «استراسبورگ» متهمی که شخصاً از خود دفاع می‌کند خود مسئول جریان دادرسی است.

او که بر اساس روایت شاکیان، در دوران اعدام‌ها، معاون دادیار سابق زندان گوهردشت بوده است، مدعی شد که از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۲ در زندان اوین بوده و گزارش‌ها درباره اعدام‌های تابستان سال ۱۳۶۷ را «داستانی سرتاسر خیالی، توهمی و پوشالی، جعلی و غیر مستند» خواند. این متهم سپس گفت که «دو سال است در اصل در زندان رجایی‌شهر است و با رجایی‌شهر زندگی می‌کند، تمام کتاب‌های ایرج مصداقی را خوانده و ۲۵ جلد کتاب او را حفظ است. پنج جلد کتاب محمود رویایی را خوانده و کتاب‌های «حسین فارسی، محمود خلیلی و مه‌ری حاجی‌نژاد» را هم خوانده است.»^{۲۳۵}

این یک پرونده مهم و در ارتباط با فردی است که مرتکب یکی از جنایات بین‌المللی شده و در کشوری چون سوئد مورد محاکمه قرار می‌گیرد. بنابراین در یک دولت قانون‌مدار یکی از اصل حقوقی؛ همان اصل محاکمات عادلانه است و یکی از اصول محاکمات عادلانه «اصل برائت» است. او در نخستین جلسه دفاعیات خود گفت که از «شخصیت حقوقی حمید نوری» دفاع می‌کند و این در حالی است که بر پایه اساسنامه دیوان، دادگاه نسبت به جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت. یعنی بر اساس «مسئولیت کیفری فردی». حمید نوری دوم آذر در دادگاه مدعی شد که در زمان اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ به دلیل تولد دخترش در هفتم مرداد همان سال در مرخصی به سر می‌برد. حال آن‌که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۲۶ دی ۱۳۹۵ مرخصی اجباری زایمان برای پدران را تصویب کردند. در جریان بررسی مواد لایحه برنامه ششم توسعه، ماده واحده مربوط به

مرخصی زایمان بررسی شد. در این ماده آمده بود: «کلیه مردان شاغل که صاحب فرزند می‌شوند، از دو هفته مرخصی اجباری برخوردار می‌گردند.»^{۲۳۶}

پیشینه تاریخی مرخصی زایمان

در ایران از سال ۱۳۹۱ موضوع مرخصی زایمان مردان مطرح شد. این تغییرات در پی تغییر سیاست ایران به دستور علی خامنه‌ای برای افزایش جمعیت روی داد. در اسفند ماه همان سال لایحه «اصلاح قوانین جمعیت و تنظیم خانواده» در مجلس مصوب شد و به موجب ماده واحده آن قرار شد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون همه محدودیت‌های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت (مصوب سال ۱۳۷۲) و سایر قوانینی که بر اساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آن‌ها ایجاد شده است، لغو شود.

در تبصره دوم ماده واحده این لایحه مصوب شد مرخصی زایمان مادران از شش ماه به نه ماه افزایش یابد و همسر آن‌ها نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار شود، اما این مصوبه به دلیل عدم پیش‌بینی محل تامین بار مالی اجرای آن، مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت و برای اصلاح به مجلس بازگردانده شد.

اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ معاونت امور زنان و خانواده وقت، لایحه‌ای با عنوان «لایحه اصلاح قانون ترویج تغذیه با شیر مادر» را تهیه کرد که در آن منبع تامین بار مالی افزایش مرخصی زایمان و مرخصی زایمان پدران پیش‌بینی شده بود. این لایحه، خرداد ماه سال ۹۲ در مجلس به تصویب رسید که به گفته رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بر اساس این لایحه دولت مجاز است مرخصی زایمان مادران را از شش ماه به نه ماه افزایش دهد و دو هفته «مرخصی اجباری» نیز برای پدران در نظر بگیرد. البته این مرخصی باید حتما در زمان آن استفاده شود و غیرقابل خرید و غیرقابل ذخیره است.

همچنین لایحه «ترویج تغذیه با شیر مادر» که دستگاه‌ها را مجاز (نه مکلف) به افزایش دوره مرخصی زایمان کرده بود، تیرماه سال ۹۲ ابلاغ شد، اما در دولت حسن روحانی به دستور اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهوری، مصوبه افزایش مرخصی زایمان و مرخصی

زایمان پدران رد شد تا مورد تصویب مجدد قرار بگیرد.^{۲۳۷} ماهانه ۱۲۰ هزار زاد و ولد در ایران ثبت می شود و با توجه به این که مرکز آمار ایران ۱۱٪ درصد زنان ایرانی را شاغل و بیش از ۸۰٪ درصد را خانه دار دانسته است، هر ماه کم تر از پنج هزار مادر ایرانی از مرخصی زایمان استفاده می کنند.

در مورد مردان باید گفت بیش از ۸۰٪ درصد از پدران شاغل هستند و به این ترتیب تقاضای مردان برای استفاده از مرخصی زایمان ماهانه بیش از ۱۰۰ هزار مورد است. زنان اما در صورت استفاده از مرخصی زایمان با نگرانی از دست دادن شغل خود روبه رو هستند. سازمان تامین اجتماعی پیش تر اعلام کرده بود که ۴۷ هزار نفر از ۱۴۵ هزار زنی که در یک دوره ۱۸ ماهه از مرخصی شش ماهه زایمان استفاده کردند پس از بازگشت به کار اخراج شدند. پیش از این وکیل حمید نوری هم مدعی شده بود که موکلش در زمان اعدام ها در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ به دلیل تولد فرزندش در مرخصی بوده است.

هزاران زندانی سیاسی در دهه ۱۳۶۰، به ویژه در تابستان ۱۳۶۷، در زندان های اوین و گوهردشت در تهران و زندان های مشهد، شیراز، اهواز و برخی دیگر از شهرهای ایران با دستور مستقیم روح الله خمینی، رهبر وقت جمهوری اسلامی، و با تصمیم اعضای که به هیئت های مرگ معروف شدند، اعدام شدند.

حمید نوری در این جلسه از دادگاه گفت: «که کشتار سال ۱۳۶۷ و قتل عام را تایید می کند که اتفاق افتاده اما نه در زندان ها بلکه به گفته او آن چه که اتفاق افتاده «کشتار مجاهدین خلق در استان کرمانشاه و در مرزهای ایران» بعد از پایان جنگ ایران و عراق بوده است. «دو قتل عام و کشتار در سال ۱۳۶۷ انجام شده یکی توسط گروهک منافقین که مردم ایران را قتل عام کرد. یک قتل عام هم توسط رزمندگان های ایرانی در استان کرمانشاه انجام شد که نسل منافقین را در آن استان برانداختند.»

او همچنین مدعی شد که سازمان مجاهدین خلق، اسامی اعدامی های قبلی و کشته شده های پایگاه اشرف در جریان حمله به ایران را ترکیب کرده و بعد اسامی چپ ها را هم به آن اضافه کرده است.

حال آن که آن چه حمید نوری فراموش نموده است، وجود قوانین جنگ و کنوانسیون های

ژنو (۱۹۴۹) درباره قوانین جنگ است که دولت ایران نیز آن را در (سال ۱۳۲۸) امضا نموده و با ماده واحده ای در (سال ۱۳۳۴) توسط مجلس شورای ملی به تصویب رسیده است و به طریق اولی جمهوری اسلامی نمی تواند آن را نادیده گیرد.^{۲۳۸}

حمید نوری مدعی شد که ایرج مصداقی از طرف مجاهدین و مهدی اصلانی از طرف کمونیست ها در تنظیم این لیست که به گفته او «اعدام های خیالی و داستان» است، با هم تقسیم کار کرده اند. او در دادگاه، خود را یک شهروند معمولی ایرانی معرفی کرد و اتهامات مطرح شده علیه خود را «تهوع آور و مسخره» خواند.

حمید نوری گفت که «نماینده رسمی جمهوری اسلامی نیست و خدا او را انتخاب کرده است که بعد از ۳۳ سال بتواند نماینده ملت ایران باشد و به دروغ و تهمت نسبت به ملت ایران پاسخگو باشد» و یا در بخشی دیگر از دفاعیات خود در تذکر قاضی به متهم - حمید نوری که سازمان مجاهدین خلق را «گروهک منافقین» خطاب می کرد، خواست که از اسم خود سازمان مجاهدین استفاده کند. حمید نوری تایید کرد که در زندان اوین تهران مشغول به کار بوده و وعده داد که «از همکاران عزیزش» در طول مدتی که در اوین کار می کرده دفاع خواهد کرد و این در حالی است که «نماینده» یک مفهوم حقوقی است که شخصی به نام و به حساب دیگری اعمالی را اعم از گفتار یا عمل انجام می دهد. بنابراین برای انجام هرگونه اقدامی به نام و به حساب دیگری باید نمایندگی یا سِمَت او احراز گردد که برحسب معمول این احراز سِمَت بطور کتبی صورت می گیرد. نیز بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند نافذ و از اعتبار و وجاهت قانونی برخوردار است.»^{۲۳۹}

حمید نوری همچنین حکومت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن را «مقدس» خواند و گفت: «از این که در جریان دادگاه به روح الله خمینی، ابراهیم رئیسی، قاسم سلیمانی و اسدالله لاجوردی توهین شده، ناراحت شده است.»

به گفته نوری، پس از بازگشت از جنگ در دادستان انقلاب اسلامی تهران کارش را

۲۳۸- امضا کنوانسیون های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹)، جرایم جنگی توسط دولت ایران (۱۳۲۸) و تصویب آن (۱۳۳۴) در مجلس شورای ملی.

۲۳۹- ماده ۱۰ قانون مدنی در خصوص قراردادهای خصوصی و اصل نمایندگی.

شروع کرد و «نگهبان بند آموزشگاه» بود و در این بند نام عباس را برای خود انتخاب کرد و وظیفه‌اش دستشویی و هواخوری بردن، فرستادن به بهداری و دادگاه و بازپرسی زندانیانی بود که به گفته او برخی از آن‌ها در دادگاه حضور دارند. زندانیانی که حمید نوری اشاره دارد، شاکیان و شاهدان پرونده باز شده علیه او هستند.

حمید نوری گفت: «در ایران زندانی به نام گوهردشت وجود ندارد و مجاهدین خلق به دلیل این‌که نمی‌خواهند اسم رجایی را که ترور کرده‌اند بیاورند اسم زندان رجایی شهر را جعل کرده‌اند.»

مقایسه اجرای قوانین وکالت در ایران و سوئد

نوری مدعی شد که «دادگاه‌های ایران جدا از دادگاه‌های سوئد هستند. آن‌جا می‌گویند حرف بز، این‌جا می‌گویند حرف نزن. من به سبک ایران جواب می‌دادم و تا سه ماه به من توضیح ندادند که تو می‌توانی سکوت کنی و حرف نزنی. آیین دادرسی خود سیستم قضایی سوئد را درباره من رعایت نکردند.» به گفته او، «پلیس سوئد عادلانه بازجویی نکرد.»

حمید نوری در عین حال اسامی ۱۴ پلیسی که از او بازجویی کرده‌اند را در دادگاه خواند و از آن‌ها تشکر کرد.^{۲۴۰} او همچنین گفت که قوانین سوئد در مورد بازجویی برای او اجرا نشده است و بازجوها او را راهنمایی نکردند که نباید «برخی نام‌ها» را بگوید.

وکالت دولتی

این در حالی است که: «از یک سو تبصره ماده ۴۸ و ابلاغ اسامی خاص» در حقیقت «نفی اعتبار» کانون وکلا و «اهانت به خیل عظیم وکلا» است. از دیگر فراز دخالت قوه قضاییه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت است.» در اردیبهشت ۱۳۹۷ / ۲۰۱۸ رئیس قوه قضاییه فهرست ۲۰ تن از «وکلائی مورد اعتماد» این قوه را به دادگاه‌ها ابلاغ و فهرست اسامی این وکلا در استان تهران در رسانه‌ها منتشر شده است. از

۲۴۰- اقرار و اذعان حمید نوری به برخورد های انسانی پلیس ها و بازجویان سوئدی در طی دوران بازجویی.

یک سو به این بیست وکیل «مورد اعتماد» این قوه حق دفاع از پرونده‌های سیاسی و امنیتی در تهران اعطا شده است و از دیگر فراز به برخی وکلا نیز اعلام گردیده که «مطلقاً حق پذیرش وکالت» در این پرونده‌ها را ندارند.^{۲۴۱}

البته انتشار فهرست وکلای «مورد اعتماد» قوه قضاییه موجبات اعتراض تعدادی از وکلا و اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری را فراهم آورده است و تنی چند از وکلا به فهرست «وکلائی مورد اعتماد» قوه قضاییه برای پرونده‌های سیاسی و امنیتی به این امر اعتراض نمودند. همچنین اظهارات تعدادی از وکلا را که ابتناء داشت بر این‌که اعلام این فهرست به معنای ممنوعیت حضور دیگر وکلا در پرونده‌های سیاسی و امنیتی است رد کرد. در همین حال رئیس قوه قضاییه فهرستی از «وکلائی مورد اعتماد» این قوه را به دادگاه‌ها ابلاغ کرده و فهرست ۲۰ تن از این وکلا در استان تهران در رسانه‌ها منتشر شده است. اگرچه بر اساس تبصره ماده ۴۸ قانون تازه آیین دادرسی کیفری در «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در مرحله تحقیق مقدماتی، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشند انتخاب می‌کنند».

در حقیقت قوه قضاییه افزون بر اعلام فهرست اسامی تعدادی از وکلای «مورد اعتماد» این قوه برای وکالت پرونده‌های سیاسی و امنیتی در تهران، به برخی وکلا اعلام کرده که «مطلقاً حق پذیرش وکالت» در این پرونده‌ها را ندارند. مانند در اویش گنابادی و بسیاری از زندانیان سیاسی عقیدتی که دادگاه انقلاب تهران در جلسه محاکمه شماری از درویشان بازداشت شده استناد به «اقرارنامه‌هایی» نموده که برخی از درویشان این اقرارنامه‌ها را «جعلی» خوانده و اعلام کرده‌اند که مقامات دادسرای امنیت و زندان بزرگ تهران «کاغذهای سفیدی» را به آن‌ها داده و «به بهانه تفهیم اتهام» و «به صورت اجباری» از آنان امضا گرفته‌اند. حتی به گفته وبسایت فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، مقامات قوه قضاییه این در اویش گنابادی را «از داشتن وکیل به انتخاب خود محروم کرده» و درخواست «وکلائی سرشناس و خوش‌نام» برای وکالت آنان را رد کرده‌اند.

در همین حال فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر از محاکمه «صدها» تن از

۲۴۱- تعارض قوانین نسبت به استقلال وکلا در سوئد و در ایران و اصلاح تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری اردیبهشت

درویش گنابادی بازداشت شده همراه با «پنهان‌کاری» خبر داد و این اقدام را «مضحکه عدالت» و «نقض آشکار موازین بین‌المللی» خواند. این گروه در وبسایت خود تاکید کرد که این اقدام «حتی بی‌اعتنایی به آیین دادرسی کیفری پرایراد جمهوری اسلامی» است. بر اساس این گزارش، محاکمه «صدها» درویش گنابادی از روز شنبه اردیبهشت ماه سال جاری در شعبه‌های ۱۵ و ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران آغاز شده است.

افزون بر موارد یادشده در بالا، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، از وکلای دادگستری خواست که «به سکوت خود پایان دهند و دست‌کم حق کلیه متهمان به داشتن وکیل مدافع انتخابی را به مسئولان یادآوری کنند».

«اجتماع و تبنانی علیه امنیت»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «اخلال در نظم» و «تمرد از دستور پلیس» اتهامات یکسانی است که درباره تعدادی از درویش مطرح شده است. در همین حال «موسی غضنفرآبادی»، رییس دادگاه انقلاب تهران، نیز از ارسال پرونده بیش از ۷۰ تن از درویش گنابادی به دادگاه انقلاب خبر داده و اتهام آنان را «امنیتی» اعلام کرده بود. «محمدرضا ثلاث»، یکی از درویش گنابادی نیز که بر اساس حکم دادگاه سه مامور پلیس را در جریان این درگیری‌ها با اتوبوس زیر گرفته، به اعدام محکوم شده است.

پیش از این فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر با اشاره به این‌که محمد ثلاث اتهام قتل عمد را رد کرده است، خواستار آن شد که حکم اعدام این درویش زندانی متوقف و او به صورت «عادلان» محاکمه شود.

شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند. با توجه به انتشار لیست غیررسمی که گفته می‌شود طی آن اسامی وکلای مورد تایید رییس قوه قضاییه برای وکالت در پرونده‌های امنیتی اعلام شده است می‌توان گفت که اساساً اصل تبصره ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اشکال اساسی دارد: «از منظر قضایی اجرای این تبصره برای رییس قوه قضاییه تکلیفی ایجاد می‌کند که بر اساس آن باید از میان تعداد کثیری از وکلا تعدادی را برای این لیست انتخاب کند. از منظر نهاد وکالت نیز، داشتن پروانه وکالت برای هر وکیل به منزله احراز صلاحیت او است. در نتیجه همه وکلا صلاحیت لازم را در امر وکالت دارا هستند و نباید هیچ استثنایی وجود داشته باشد».

البته در جرایمی مانند جرایم تروریستی و جرایمی که منافع کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شخصی که در مظان اتهام است می‌تواند به مدت ۲۴ ساعت به تنهایی بازجویی

شود و در سیستم‌های قضایی دیگری هم این امر وجود دارد. ولی این‌که میان وکلا تبعیض قائل شدند، نه در جایی سابقه دارد، نه با اصول حقوقی مطابقت دارد.

با توجه بر این‌که تبصره ۴۸ آیین دادرسی کیفری به حقوق اساسی شهروندان لطمه وارد می‌کند، تصریح کرد: «به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی، وکالت رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد است. شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند. اگر قرار باشد از بین تعداد معدودی از وکلا حق انتخاب داشته باشند، حق شهروندی‌شان به درستی استیفا نمی‌شود.»^{۲۴۲}

از این بیش برخی از وکلا پس از مراجعه به دادگاه‌ها با این ایراد مواجه شدند که نامشان در میان لیست مورد نظر قوه قضاییه قرار ندارد. در این لیست ۲۰ تن از استان تهران انتخاب شده‌اند که از میان آنها ۱۰ تن از وکلای کانون مرکز هستند که به نسبت وکلای موجود این تعداد بسیار کم است. این در حالی است که در کانون وکلا، وکلایی که جانبا ز هستند و نمی‌توان گفت این افراد مورد اعتماد برای وکالت در پرونده‌های امنیتی نیستند.

اگر این لیست صحت داشته باشد مشکل اساسی دارد و هزینه زیادی را به کشور متحمل می‌کند، از سوی دیگر با این لیست اعتبار دادگاه‌ها به دلیل محدودیت در انتخاب وکلای زیر سوال می‌رود. فهرست منتشر شده تنها مربوط به تهران است و دیگر استان‌ها نیز هر یک فهرست جداگانه‌ای خواهند داشت.

نقدی بر روند دادرسی اصلاح تبصره ۴۸ آیین دادرسی کیفری

ایرادها

بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی ایران، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند. این در حالی است که بر اساس یک روال معمول در کشور که وکلای آن را «غیرقانونی» می‌خوانند، فعالین سیاسی و مدنی و دیگر افرادی که توسط وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و دیگر نهادهای امنیتی بازداشت می‌شوند، در مدت بازداشت موقت و بازجویی به وکیل دسترسی ندارند.

پیش از این «غلامحسین اسماعیلی»، رئیس کل دادگستری استان تهران، گفته بود

که انتخاب وکلای «مورد اعتماد قوه قضاییه» تنها برای مراحل تحقیقات مقدماتی است، مرحله‌ای که پیش از این اصلا وکیل پذیرفته نمی‌شود.

ایراد دیگری که در خصوص تبصره ۴۸ آیین دادرسی کیفری وجود دارد این است که اگر واقعا این لیست صحت داشته باشد میان وکلا تبعیض ایجاد می‌شود و رانت بزرگی میان این افراد شکل می‌گیرد. البته بعضی از افراد این لیست به هیچ عنوان کار کیفری نمی‌پذیرند و هرگونه اطلاع از این لیست را نیز تکذیب کرده‌اند.

از این بیش این‌که تعدادی از وکلای معرفی شده در فهرست ۲۰ تن از وکلای «مورد اعتماد» قوه قضاییه در تهران، پیش از این قاضی بوده و پس از بازنشستگی وکیل شده‌اند. از فهرست وکلای اعلام شده در یکی از استان‌ها، ۷۰٪ پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی نهادهای حاکمیتی بوده‌اند.

«حسن تردست» از جمله وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه در دوره قضاوت خود در ۸۰۰ پرونده حکم قصاص صادر کرده که برخی از آن‌ها از جمله پرونده «ریحانه جباری» و صدور حکم اعدام وی بحث‌برانگیز شده است.

«عبدالرضا محبتی» یکی از دیگر وکلای این فهرست، سال ۸۸ نماینده سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، در دادگاه دسته‌جمعی فعالان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراض‌ها به انتخابات بود. با این حال برخی از وکلا اعلام کرده‌اند که قوه قضاییه این قانون را «به دادگاه‌های بدوی، دادگاه انقلاب و حتی دادگاه‌های تجدیدنظر تعمیم داده» است.

به باور این قلم افزون بر این می‌توان گفت که از یک سو تبصره ماده ۴۸ و ابلاغ اسامی خاص در حقیقت «نفی اعتبار» کانون وکلا و «اهانت به خیل عظیم وکلا» است. از دیگر فزاینده‌ها دخالت قوه قضاییه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت» است.

طرح جدید قانون وکالت اردی بهشت ۹۸

و یا طرح جدید هر کسی لیسانس حقوق دارد، وکیل شود

اعتراض وکلا به مجلس

برخی از وکلا به مجلس اعتراض دارند که با طرح جدیدی که قانون وکالت را تغییر می‌دهد،

رانت زیادی برای عده‌ای به وجود می‌آید، برخی از مشاغل مانند استادان دانشگاه و اعضای هیات علمی دو شغله می‌شوند و گروه زیادی از جوانان فارغ‌التحصیل حقوق بیکار خواهند ماند.

برخی از اعضای کانون وکلای دادگستری مرکز امروز میزگردی ترتیب داده بودند تا درباره طرح جدید مجلس برای تغییر در نحوه پذیرش وکیل در جامعه، نقد صورت گیرد. طرح جدید با عنوان طرح جامع وکالت می‌گوید ورود به حرفه وکالت با استفاده از معدل صورت گیرد و دیگر ظرفیت محدود در هر کانون برای پذیرفته‌شدگان در نظر گرفته نشود، بلکه هر کسی که آزمون داد و معدل خاصی را کسب کرد، وارد این حرفه شود.

همچنین به برخی افراد از جمله استادان دانشگاه و صاحبان مدرک تخصصی دکتری حقوق، پروانه بدون آزمون داده شود. اعضای کانون وکلای دادگستری مرکز به این طرح معترضند.

آن‌ها در نقد طرح جدید برای تغییر در قوانین مربوط به وکالت دادگستری می‌گویند این قانون باعث رانت برای برخی مشاغل می‌شود، مشکل اشتغال و درآمد جوانان فارغ‌التحصیل حقوق را حل نمی‌کند و در نهایت باعث تضعیف حقوق دفاعی مردم و متهمان می‌شود. تبصره یک ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می‌گوید سه نفر تعداد ظرفیت هر ساله کارآموزان هر کانون را مشخص می‌کنند که دو نفر از این افراد، مقامات قضایی هستند. چرا آن‌ها ظرفیت را افزایش نمی‌دهند؟ همچنین نمایندگان در قانون برنامه سوم توسعه ماده ۱۸۷ را گذاشتند که به مشاوران قوه قضاییه پروانه وکالت دادند. ماده ۸ قانون اخذ پروانه وکالت هم می‌گوید برخی مشاغل مانند قضات می‌توانند بدون پشت سر گذاشتن آزمون، پس از مدتی وکیل شوند.^{۲۴۳}

باید توجه داشت وقتی فردی متهم است و باید وکیلی داشته باشد، باید حق دفاع او را تضمین کرد. یک سمت این دفاع، دادستان و قاضی است و برای توازن، باید وکیل مستقل به این فرد متهم داد تا موازنه برقرار شود. با بیان این‌که ما (وکلا و حقوق دانان) اگر از حق دفاع صحبت می‌کنیم، از حق دفاع متهم حرف می‌زنیم. اگر قرار است وکیل مستقل نباشد، متهم در موازین دفاعی به مسلخ می‌رود. انگار بخشی از حاکمیت هدفی دارد که به دنبال

۲۴۳- قانون برنامه سوم توسعه ماده ۱۸۷ مربوط به مشاوران قوه قضاییه و ماده ۸ قانون اخذ پروانه وکالت.

آن کارهایی را می‌کند. بخشی از سیستم به دنبال تضعیف حق دفاع است. مثلاً تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری را داریم که برخی متهمان از داشتن وکیل مستقل محروم ماندند. ما به مردم عادی می‌گوییم یک مبیعه نامه عادی را نخوانده امضا نکنید ولی ۸۰ نماینده این طرح را امضا کردند. حداقل از ۲ تن از نمایندگان سؤال کردیم و گفتند ما طرح را نخوانده امضا کردیم و از ما عذرخواهی کردند. وقتی نماینده مجلس در مقام قانون‌گذار چنین خطبی می‌کند، نه تنها ۸۰ هزار وکیل بل، ۳۰ میلیون مردمی که در دادگستری ۱۵ میلیون پرونده دارند، دچار گرفتاری می‌شوند.

با تصویب طرح جدید وکالت، به سادگی هرچه تمام‌تر ما «حق دفاع را به مسلخ» می‌بریم. با این طرح غلط چه آسیبی به مصالح مردم زده می‌شود؟ طرح جدید تغییر قوانین وکالت، به حقوق ملت لطمه می‌زند و عده‌ای به صورت سازماندهی شده از این طرح حمایت می‌کنند. این طرح می‌گوید هر کسی ليسانس حقوق دارد بیاید پروانه وکالت بگیرد و کار کند. ما می‌گوییم حق دفاع مردم با این وضع به خطر می‌افتد چون آن فرد تخصص کافی ندارد و این موجب می‌شود حق دفاعی مردم که در فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است به خطر بیافتد. مجلس شورای اسلامی نباید قانونی را تصویب کند که به قانون اساسی تعرض کند. وجود وکیل مستقل، تضمین حق دفاع است. تمام افرادی که در دادگستری با آن مواجه می‌شویم، فقط متهم ما یک نفر دارد که به او کمک می‌کند، آن هم وکیل است.

چون این طرح اجازه می‌دهد افرادی بدون صلاحیت کافی تصدی امر وکالت را داشته باشند، حق دفاع ملی را به خطر می‌اندازد، بنابراین ما اعتراض خود را به این طرح اعلام می‌کنیم. این طرح به ساختار حق دفاع شهروندان کشور لطمه می‌زند. متأسفانه در مجلس، روندی دارد پیش می‌رود که برخی نمایندگان به دنبال منافع برای خود هستند تا با این شعارهای پوپولیستی فضا ایجاد کنند. آن‌ها می‌گویند تعداد زیادی دانشجوی حقوق داریم و قانون وکلانحصار ایجاد کرده است. جواب ما این است: «مگر شما مرکز مشاوران نداشتید؟ فراخوان بدهید امسال یک میلیون نفر مشاور دادگستری می‌گیریم.» چرا از انحصار در قضاوت و سردفتری حرف نمی‌زنیم؟ ما چرا فقط به کانون وکلا توجه داریم؟ این طرح یک برنامه سازماندهی شده برای لطمه به حق دفاع ملت است.

نمایندگان مجلس می‌گویند ما دنبال اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان رشته حقوق هستیم. اگر قرار است این ۶۰۰ هزار تن وارد حرفه وکالت شوند، امکان‌پذیر نخواهد بود. با

اشتغال‌زایی می‌توان در چهار گروه شاغل شد: «قضاوت، کارشناسان حقوقی سازمان‌ها، سردفتری و وکالت.» درباره سردفتری باید گفت ۱۰ سال است از سال ۸۷ تا ۹۷، قانون سردفتران هیچ پذیرش جدیدی نداشته و در سال گذشته هم برای ۱۰ هزار تن پذیرش گرفتند. طبق قانون ما باید برای هر ۱۵ تا ۲۰ هزار تن یک دفتر اسناد رسمی داشته باشیم ولی ما تنها ۷۳۰۰ دفتر اسناد رسمی داریم.

شغل دیگر برای ۶۰۰ هزار فارغ‌التحصیل حقوق، مسند قضاوت است که تا سال ۱۳۹۶ حدود ۱۱ هزار قاضی داشتیم و سال ۱۳۹۷ هم ۳۱۰۰ تن قاضی اضافه شده‌اند که حدود ۱۴ هزار قاضی تا کنون در کشور شاغل هستند. قوه قضاییه می‌گوید بیش از ۱۷ میلیون پرونده در کشور ثبت شده است و طبعاً این تعداد قاضی نمی‌توانند به این پرونده‌ها رسیدگی کنند طبعاً اگر پذیرش قاضی افزایش یابد، تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان می‌توانند وارد این شغل شوند.

ماده ۸ قانون استقلال کانون وکلا می‌گوید قضاوت و نمایندگان مجلس بدون آزمون می‌توانند وارد وکالت شوند. تا کنون ۴۰۶۸ قاضی از این طریق وارد حرفه وکالت شده‌اند. شغل دیگر، کارشناسی حقوقی ادارات و سازمان‌ها است. هر اداره، حدود ۵ تن کارشناس حقوقی دارد و می‌بینیم ادارات و سازمان‌ها هم بحث وکالت خود را به وکلای دادگستری خارج از دولت می‌دهند. چرا درباره قضاوت یا سردفتری قانون را عوض نمی‌کنند؟ کانون وکلا هر سال نیرو جذب می‌کند. تخریب کانون وکلا یعنی تخریب تمام زیرساخت‌ها. ما می‌خواهیم استقلال کانون وکلا را بگیریم و با این طرح تازه، وکالت را به قبل از دوره ۱۳۳۱ و به دوره رضاشاه برگردانیم.

واقعیت این است که ۹۰ درصد وکلای ما پول زندگی عادی را هم ندارند. ۲ تا ۳ درصد وکلا درآمد کلان دارند که اگر فساد دارند قطعاً باید با آن‌ها برخورد شود. ایراد دیگری که وکلا به طرح جدید مجلس دارند، از رانتی بودن آن سخن گفت و توضیح داد: «به نظر می‌رسد این طرح جدید می‌خواهد رانتی به برخی از افراد بدهد.» اصلاً بگیریم این طرح می‌خواهد اشتغال‌زایی کند، حقوق‌دان بیکار می‌شود وکیل بیکار. برخی می‌گویند بازار وکالت داریم، مگر ما بازار تربیت داریم؟ بازار پزشکی یا بازار روحانیت داریم؟ همه این اصناف با مردم ارتباط متقابل دارند. به نظر می‌رسد نمایندگان طراح، دغدغه اشتغال ندارند بلکه می‌خواهند برای برخی رانت ایجاد کنند. حال آن که دغدغه قوه قضاییه، باید ورود یک وکیل خوب

به دادگاه باشد.

درباره این‌که چرا وکلا با روند قانونی در تغییر یک قانون مخالفند، یکی از وکلای معترض به طرح گفت: «پارلمان نماینده ملت است.» ولی باید قبول کرد وقتی نظارت استصوابی شورای نگهبان را داریم، خیلی وقت‌ها نمایندگان واقعی هم داخل نمی‌روند. ما با کمال احترام با مجلس درباره این طرح رایزنی داریم. وقتی صحبت از این می‌شود که نمایندگان مردم اصل بر حکیم بودن آن‌ها است، باید این فرض را به چالش کشید. اصل بر حکمت قانون‌گذار است و ما هم به نمایندگان مجلس مشاوره می‌دهیم و کمک می‌کنیم.

وی با بیان این‌که ما بحث اقتصادی در مخالفت با طرح مجلس نداریم، گفت: «وکلا رایگان کار نمی‌کنند ولی در طول سال مشاوره رایگان در اداره معاضدت و سایر جاها می‌دهند و مکلفند سالی سه پرونده را رایگان دفاع می‌کنند. ما از مفهوم حق دفاع متهم صحبت می‌کنیم. ما بحث حمله به مجلس و چالش با نهاد قانون‌گذار را نداریم را ولی این طرح را نقد می‌کنیم.»

گرچه بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی ایران، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند. و این در حالی است که بر اساس یک روال معمول در کشور که وکلا آن را «غیرقانونی» می‌خوانند، فعالین سیاسی و مدنی و دیگر افرادی که توسط وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و دیگر نهادهای امنیتی بازداشت می‌شوند، در مدت بازداشت موقت و بازجویی به وکیل دسترسی ندارند.^{۲۴۴}

استقلال کانون وکلا در سوئد / Samfundet Advokat

کانون وکلا در این کشور از استقلال کامل برخوردار بوده و همانند دستگاه مستقل قضایی در این کشور اقدامات حقوقی خود را انجام می‌دهد، از این پیش جایگاه وکلا و حقوق دانان صالح در کشور سوئد برجسته است و نه تنها یک وکیل در دفاع از «حقوق موکل-متهم» از ابتدای تشکیل پرونده در اداره پلیس و به‌ویژه در مرحله بازجویی‌های مقدماتی او را همراهی

می‌کند، بل، در بازنگری، اصلاح و یا تغییر قوانین نیز نقش تاثیرگذاری ایفا می‌کنند. برای نمونه چندی پیش رئیس کانون وکلای در سوئد «آنه رامبری»، در خصوص قوانین پناهندگی در گفت‌وگو با «اکوت» بخش خبری رادیو سوئد گفت: «ما فکر می‌کنیم که سرعت بخشیدن به رسیدگی به پرونده پناهجویان سبب پایین آمدن کیفیت بررسی آن‌ها خواهد شد. احتمال بدتر شدن این وضعیت و بازگشت به سطحی که پیش از این معمول بود نیز، وجود دارد.»

این در حالی است که در حقیقت پس از بهمن ۱۳۵۷ به دلیل تصورات غیر اصولی و برخلاف قانون، کانون وکلا به صورت انتصابی [توسط قوه قضاییه] اداره می‌شد. از دیگر فراز جمهوری اسلامی تنها یک سال پس از استقرارش به مبارزه علنی با کانون وکلا پرداخت. زیرا که نمی‌خواست وکلای دادگستری در محاکمه‌ها و پرونده‌های سیاسی دخالت کنند. این نظام در سال ۱۳۵۹ ابتدا مانع از برگزاری انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا شد. «سید محمد بهشتی» به عنوان رئیس دیوان عالی کشور طی نامه‌ای رسمی به هیات مدیره کانون وکلا از این نهاد درخواست نمود تا از انجام انتخابات جلوگیری کند برای این‌که انتخابات هیات مدیره کانون هر دو سال یک بار بود و در سال ۱۳۵۹ دوره ماموریت هیات مدیره کانون وکلا منقضی شده بود.

در سال ۱۳۶۰ اکثریت اعضای هیات مدیره کانون وکلا را به دلیل مخالفت با تصویب لایحه قصاص دستگیر نموده و برای عده زیادی از وکلای پرونده سیاسی تشکیل دادند. بر این اساس کانون وکلای دادگستری از بدو مستقر شدن ج.ا. تا سال ۱۳۷۶ به نحو انتصابی اداره می‌شد. اما در سال ۱۳۷۶ اداره کانون به هیئت مدیره واگذار گردید. اگرچه از آن سال تا کنون چالش‌های فراوانی بین این کانون و نهادهای قانونی موجود است.

تازه‌ترین تجاوزات ج.ا. به ویژه قوه قضاییه، همانا اعلام اسامی ۲۰ تن از وکلای گزینشی این قوه یعنی تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری است با استناد به این ماده که تصریح می‌دارد: «در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و... در مرحله تحقیق مقدماتی، طرفین دعوی وکیل یا وکلای خود را از میان وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید قوه قضاییه باشند انتخاب می‌کنند.»

افزون بر اعلام فهرست اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه برای وکالت در پرونده‌های سیاسی و امنیتی در تهران، به برخی از وکلا اعلام شده که «مطلقاً حق پذیرش

وکالت و ورود به چنین پرونده‌ها را ندارند.» مانند دراویش گنابادی و بسیار از زندانیان سیاسی عقیدتی که دادگاه انقلاب تهران در جلسه محاکمه شماری از درویشان بازداشت شده، استناد به «اقرار نامه‌هایی نموده که برخی از این دراویش آن‌ها را «جعلی» خوانده و اعلام کرده‌اند که مقامات دادرسی امنیت و زندان بزرگ تهران «برگه‌های سفیدی» در اختیار آن‌ها قرار داده و به بهانه تفهیم اتهام و به صورت «اجباری» از آنان امضا گرفته‌اند.

حال آن‌که پرونده‌های امنیتی و سیاسی پرونده‌های مهمی هستند. در این پرونده‌ها شاکی یا نیروهای امنیتی است یا نیروهای اطلاعاتی و یا خود دادستان. بنابراین اگر قرار باشد که هم شاکی آن‌ها باشند، هم رسیدگی به پرونده توسط این نهاد صورت گیرد و وکیل هم منتخب خود آن‌ها باشد، عملاً هیچ مفری برای متهم نمی‌ماند و جایگاه حق دفاع هم متزلزل شده و از بین می‌رود.

در پرونده‌های امنیتی و سیاسی خواست بر این است که افراد را به هر نحوی که می‌خواهند مورد محاکمه قرار دهند و علاقه‌مند نیستند که اطلاعاتی از محتویات پرونده یا مدافعات متهم به بیرون درز کند و مسئولان نگران بوده‌اند که اگر این اطلاعات به بیرون منتقل شود با اقدامات خودسرانه‌شان منافات خواهد داشت.

بنابراین ترتیبی داده شد تا تنها وکلای مورد اعتمادی که بر اساس خواست و دیدگاه حاکمیت عمل می‌کنند اجازه دسترسی به این قبیل پرونده‌ها و محاکمات را داشته باشند. بدین اعتبار با توجه به انتشار لیست غیررسمی، اسامی ۲۰ تن از وکلای مورد وثوق رئیس قوه قضاییه، می‌توان بیان داشت که اساساً اصل تبصره ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اشکال اساسی و بنیادی دارد:

- از منظر قضایی اجرای این تبصره برای رئیس قوه قضاییه تکلیفی ایجاد می‌کند که بر اساس آن باید از میان تعداد کثیری از وکلای تعدادی را برای این لیست انتخاب نماید.

- از منظر نهاد وکالت نیز داشتن پروانه وکالت برای هر وکیلی به منزله احراز صلاحیت اوست. در نتیجه همه وکلا صلاحیت لازم را در امر وکالت دارا هستند و هیچ استثنایی بر این قاعده وجود ندارد.

البته در جرایمی مانند جرایم تروریستی و جرایمی که منافع کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد، شخصی که در مظان اتهام است می‌تواند به مدت ۲۴ ساعت به تنهایی

مورد بازجویی قرار گیرد و در برخی سیستم‌های قضایی دیگر کشورها وجود دارد که البته در بسیاری از کشورها متهم از همان ابتدای بازجویی حق داشتن وکیل را داراست به نحوی که در زمان غیبت وکیل می‌تواند از پاسخ به پرسش‌های بازجو سرباز زند. اما این‌که بین وکلا تبعیض قائل شوند نه در جایی سابقه دارد و نه با اصول حقوقی سازگار است. از این بیش تقسیم وکلا به خودی و غیر خودی یکی از بزرگترین ستم‌ها در حوزه وکالت در ایران شمرده می‌گردد.

- این تبصره به حقوق اساسی شهروندان نیز لطمه وارد می‌کند زیرا به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها، طرفین و اصحاب دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند.» بدین اساس وکالت رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد است و شهروندان باید در انتخاب وکیل آزاد باشند. که این مهم یکی از نشانه‌ها در امر انتخاب و آزادی در حق انتخاب است و انتخاب زمانی آزادانه خواهد بود که موکل بتواند از میان وکلای موجود، وکیل مورد نظر خود را برحسب شناخت، تخصص، تعهد و تبحر برگزیند.

فراتر از این اگر قرار باشد شهروندان از میان وکلا تنها تعداد معدودی حق انتخاب داشته باشند، حق شهروندی آنان به درستی استیفا نمی‌شود.

- از دیگر ایرادها تبعیض ایجاد شده میان وکلا است که این امر خود موجب ایجاد رانت بزرگی بین این افراد خواهد گشت.

افزون بر موارد یادشده درصد بالایی از وکلای معرفی شده برگزیده توسط قوه قضاییه، پیش از این سابقه مسئولیت قضایی داشته یا کارمند حقوقی در «نهادهای حکومتی» بوده‌اند. بنابر آن چه پیش‌تر گفته شد از یک سو تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری و ابلاغ اسامی ویژه، در حقیقت «نفی اعتبار کانون وکلا» و نیز «اهانت به خیل عظیم وکلا» است و از دیگر فراز این قانون بنا به دلایل گوناگون از جمله تعارض با مفاد اصل‌های مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۳۵ و حتی موازین شرعی نقطه عطف منفی در کارنامه شورای نگهبان خواهد بود.

همچنین دخالت قوه قضاییه در تعیین وکیل «خلاف اصول دادرسی منصفانه و اصل بی‌طرفی و استقلال وکالت» است.

در واقع بدون حاکمیت قانون متکی بر رعایت حقوق شهروندی نه امکان جامعه‌ای عادلانه و نه امکان اعتلای آن خواهد بود. از این بیش بر اساس اصل معتبر حقوقی «اصل برائت» اساسا وکیل دادگستری با توجه به دارا بودن پروانه وکالت، حق وکالت و ورود به هر پرونده‌ای را بر اساس قانون دارد و گزینش وکلانمی تواند به دلیل «فقدان معیار، مبنا و مرجع» قانونی و شرعی باشد.

به دیگر سخن سیاست نهادینه شده در قوه قضاییه از ابتدا تا کنون بر اساسی پایه‌ریزی شده است که به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی، حداقل امکانات را در اختیار متهمان قرار دهد. مورد اخیر اما هم شوک‌آور و هم نگران‌کننده است. در تاریخ قضایی ایران و حتی دیگر کشورها که دیکتاتوری حاکم است، چنین رویکردی وجود نداشته است. اما این شیوه رایج سرکوبگران برای تثبیت این موضوع در افکار عمومی است.

حمید نوری در بخش دیگری از دفاعیات خود با اشاره به «ترورهای دهه ۱۳۶۰»، سازمان مجاهدین خلق را با «داعش» مقایسه کرد و گفت که «داعش فرزند نامشروع همین سازمان است.»

اتهامات وی مربوط به جنایاتی است که در زندان گوهردشت کرج صورت گرفته است. وی در بخشی دیگر از اظهارات خود گفت که در مدت ۸ سال کار در زندان اوین، وی «۱۰ یا ۱۵» بار در مأموریت به «سه زندان قزلحصار، رجایی شهر و قصر» تردد کرده است. وی تاکید کرد که در ایران چیزی به نام زندان «گوهردشت» وجود ندارد و آن را «جعل تاریخی» خواند و گفت که نام حقیقی این زندان «رجایی شهر» است. او به کشته شدن «محمد علی رجایی»، رئیس جمهوری ایران، در سال ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری اشاره کرد و شاکیان را متهم کرد که به خاطر «دست داشتن در این بمب‌گذاری» نام واقعی زندان را به کار نمی‌برند. نوری گفت: «به دادستان عزیز ایران «اسدالله لاجوردی» توهین شد.» حال آن‌که فعالان حقوق بشر اسدالله لاجوردی را یکی از ناقضان حقوق بشر و از بنیان اصلی شکنجه زندانیان سیاسی دهه ۱۳۶۰ نام می‌برند.

کیفرخواست او در سال جاری صادر، وی رسماً به ارتکاب جنایت جنگی و قتل عمد زندانیان متهم شد. او که از مخالفان حکومت به عنوان «ضد انقلاب» یاد می‌کرد گفت: «آن‌ها به کردستان حمله کرده بودند.» او گفت با درخواست خودش به کردستان رفته بود. او می‌گوید با وجود پایان سربازی اش دو ماه اضافه برای مقابله با مخالفان حکومت در

کردستان مانند.

حمید نوری در انتقاد از اتهام علیه ابراهیم رئیسی گفت: «او منتخب ملت ایران است.» حال آن‌که در جامعه ایران نظام رهبری؛ نظامی است که رهبریت می‌کند. بخشی از این رهبریت عناصری مانند شورای نگهبان است دیگر عنصر مجلس خبرگان و دیگری شخص رهبر است. در حقیقت می‌توان گفت که شورای نگهبان از منصوبین رهبری است. مجلس خبرگان هم از مویدین شورای نگهبان است و بر این اساس قوه مقننه دیگر نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد.

از این بیش اصل رهبری ولی فقیه به دلیل استعمال از وجه خاص از قانون اساسی صورت گرفته و طی این بیش از چهار دهه، دوبار این موضوع اختیارات رهبری مورد بازنگری قرار گرفت. اما قانون اساسی در کل مورد بازنگری واقع نشد و هیچگاه هم به همه‌پرسی مردم گذاشته نشد.

مصوبه شورای نگهبان در خصوص احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری به معنی رسمیت دادن به تبعیض فراگیر علیه شهروندان ایرانی است زیرا که هیچ فردی خارج از دایره قدرت حتی قادر به ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری نخواهد بود. به بیان دیگر، شورای نگهبان این پست را به طور ابدی بین افراد حلقه اول نظام جمهوری اسلامی که اصطلاحاً به آن‌ها «خودی» گفته می‌شود، به انحصار درآورده است. بنابراین ادعای حمید نوری در مورد ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم ایران، اساساً دور از واقعیت و عقلانیت حقوقی است.

افزون بر این ابراهیم رئیسی (عضو هیئت مرگ) از مقام‌های قضایی در دوره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ و از متهمان اصلی این پرونده است. ابراهیم رئیسی در یک کنفرانس خبری پس از انتصاب -انتخابش به عنوان رئیس جمهور نظام اسلامی گفت که بابت این اعدام‌ها «باید تشویق» هم بشود.^{۲۴۵}

ایرج مصداقی، نویسنده، فعال سیاسی و از نخستین شاکیان این پرونده، حمید نوری را معاون قاضی محمد مقیسه‌ای و ایفاگر «نقشی فعال» در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ معرفی کرد.

۲۴۵- اعتراف و خرسندی ابراهیم رئیسی، عضو هیئت مرگ در کشتار زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ از اعدام‌ها در کنفرانس خبری پس از انتصابش ۱۴۰۰.

از آن جا که اتهام‌های مشابهی متوجه ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری انتصابی نظام اسلامی در ایران است، شاکیان پرونده بر این باورند که به سرانجام رسیدن پرونده حمید نوری، راه را برای اقدام حقوقی علیه او که از اعضای هیئت مشهور به هیئت مرگ بوده، هموار خواهد کرد.

در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ شمار زیادی از زندانیان سیاسی با دستور روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مخفیانه اعدام و در گورهای دسته جمعی دفن شدند.

جلسه دوم دفاعیه حمید نوری

حمید نوری / عباسی، دادیار سابق قوه قضاییه در دهه شصت و متهم به دست داشتن در اعدام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در چهل و سومین جلسه دادگاه و دومین جلسه دفاع خود گفت که آیت‌الله خمینی در فروردین ۱۳۶۸ از دست منتظری خسته شده بود و به همین دلیل «منتظری فینیش شد». این مقام سابق قوه قضاییه آقای منتظری را «چهره غیرعلنی مجاهدین خلق» خواند.

او در ۹۰ دقیقه ابتدای جلسه دادگاه اظهارات شاهدان درباره فتوای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در ارتباط با اعدام زندانیان سیاسی را «جعلی» خواند و گفت این ادعاها در این موضوع تنها مربوط به یک برگه است که در خاطرات حسینعلی منتظری منتشر شده است. حمید نوری با انکار فتوای آیت‌الله خمینی مبنی بر اعدام زندانیان سیاسی مدعی شد که این کلمه هم مثل اسم سازمان (مجاهدین خلق) و زندان رجایی شهر «جعل شده» است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که نامه‌ای به تاریخ فروردین ۱۳۶۷ از آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، به جا مانده که به صراحت در آن آمده است: «کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری (حاکم شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد.»^{۲۴۶}

او در این حکم به زندان‌های مراکز استان‌ها هم اشاره کرده و نوشته که «در این مراکز رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشد اعلی‌الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد.»

بسیاری از شاهدان و شاکیان پرونده حمید نوری شهادت داده‌اند که در سال ۱۳۶۷ با فرمان روح‌الله خمینی و تصمیم اعضای هیات مرگ بر اساس فرمان او هزاران تن از زندانیان سیاسی و عقیدتی در زندان‌های جمهوری اسلامی مخفیانه اعدام و در گورهای جمعی دفن شدند.

حمید نوری همچنین درباره رابطه خود با زندانیان گفت که زندانیان برای او مانند اعضای خانواده‌اش بودند. او گفت که عاشق زندانیان بوده و اگر باز هم از او بخواهند حاضر است در زندان کار کند. او مدعی شد که اساساً در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد و در ادامه جلسه دفاع خود گفت اگر اسم سازمان مجاهدین یا زندان گوهردشت را ببرد می‌ترسد «به محض بازگشت به ایران» به دلیل جعل عنوان او را بازداشت کنند.

حال آن‌که جرم سیاسی در درون تحولات مدنی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بحثی است درون حکومتی زیرا که «جرم سیاسی در بحث‌های حقوقی جایگاهی» ندارد. بل، یک بحث حاکمیتی است و هنگامی سخن از حاکمیت است، در واقع نحوه مدیریت حاکمیت مطمح نظر قرار می‌گیرد.

در این مسیر، اصل ۱۶۸ قانون اساسی از دو بخش تشکیل یافته است. یک بخش مربوط به «جرایم سیاسی» است و بخش دیگر آن در رابطه با «جرایم مطبوعاتی» می‌باشد و در این اصل حضور هیئت منصفه و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی به صورت علنی مشاهده می‌شود.^{۲۴۷} ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در خصوص جرایم سیاسی بیان می‌کند: «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلاف در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها

گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در سطح وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»^{۲۴۸}

تحلیل، بررسی و نقد ماده ۲۸۸ قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)

بنابراین و به موجب ماده ۲۸۸ قانون یاد شده، تشخیص نوع جرم سیاسی توسط قاضی و دادگاه صورت می‌گیرد (حتی بدون آن‌که تعریف دقیقی نسبت به این جرم وجود داشته باشد!) اما پرسش این جاست که کدام قاضی؟

۱. آیا منظور آن قاضی‌ای است که وابسته به قوه‌ای «مستقل» و به دور از شعاع و محدوده قدرت حاکمان و دولت مردان می‌باشد؟

یا منظور آن قاضی‌ای است که اگر این‌گونه نباشد به نوعی تداخل قوا پیش می‌آید و قاضی را مقید به رعایت مصالح و نظرات حکومتی می‌کند و در چنین مواردی قطعاً تشخیص درست و اصولی از جرم و نوع آن صورت نمی‌گیرد (مصادق بارز دادگاه‌ها و عملکرد بسیاری از قضات در دستگاه قضایی کنونی ایران)!

۲. نباید این تصور به وجود آید که هر گروهی که دارای دو ویژگی یعنی منافع گروهی و طرفیت با حکومت باشد بالطبع واجد «معنا و مفهوم سیاسی» است.

زیرا ما در جرم سیاسی با یک شرط اساسی و مهم مواجه هستیم و آن مقابله و ضدیت جرم با اهداف و منافع عالیه است. اهدافی که دربردارنده منافع کلی جامعه است و نه منافع و اهدافی که می‌تواند موجبات ایراد خسارت و ضرر و زیان به جامعه را فراهم آورد. اگرچه به نظر نگارنده در نظام حقوقی ایران نباید به تعریف جرم سیاسی پرداخت، بلکه باید به تشخیص مصداق آن پردازیم.

۳. در این ماده مجازات معاونت در برخی از جرایم در حد مباشرت در آن جرم دانسته شده و مجازات اعدام برای آن در نظر گرفته شده است. در حالی‌که اصل مسلم در حقوق این است که مجازات شخصی که جرمی را مستقیماً انجام می‌دهد (مباشر) بیش‌تر از فردی است که صرفاً وقوع جرم را تسهیل نموده و یا وسایل ارتکاب جرم را

۲۴۸- ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در خصوص جرائم سیاسی.

- فراهم کرده است یا به هر نحو دیگر در ارتکاب آن معاونت داشته است.
۴. عدم تعیین و تمییز قطعی و مشخص مفهوم «بطور گسترده» در ماده است. زیرا ممکن است عملی با یک حد و گستردگی از نظر یک قاضی مشمول این ماده قرار گیرد، در حالی که از نظر قاضی دیگر مورد مشمول ماده نباشد. پس، قانونگذار باید تا حد امکان از تصویب واژه‌ها و مفاهیم مبهم و مجمل خودداری ورزد تا جایی برای خودسری قضات و تفسیر شخصی قانون توسط آن‌ها باقی نگذارد. به ویژه در جرایمی که مجازات آن‌ها به سنگینی اعدام است. زیرا کوچک‌ترین اهمال و مسامحه غیرقابل جبران است.
۵. جرم تخریب را نیز از مصادیق جرم سیاسی و افسادفی الارض دانسته است. در صورتی که به نظر نگارنده، جرم تخریب در زمره جرایم علیه اموال و مالکیت است. پس اگر منظور قانون از جرم سیاسی صور خاص آن باشد باید به طور منجز و خاص، ویژگی‌های آن ذکر گردد و نه به صورت مطلق «تخریب» را جرم سیاسی بداند.
۶. جنایت علیه تمامیت جسمانی...، عنوان جنایت بسیار وسیع است و مشخص نیست که منظور قانونگذار از جنایت قتل است و یا صرف ضرب و جرح نیز مشمول ماده می‌شود و یا خیر و نیز اختلاط جرم سیاسی با جرایم علیه اشخاص کاری است اشتباه و قابل نقد. چون در شرع و قانون بطور معین کیفر مرتکبین جرایم علیه اشخاص بیان شده است و شخص قربانی یا خانواده‌اش می‌توانند با «قصاص» یا دیه یا ارش به حق از دست رفته خود نائل آیند.
۷. گستردگی وسعت مفهوم «اخلال در نظام اقتصادی» بسیار است و همچنین تعداد فراوان «جرایم اقتصادی». بنابراین باید افزودن قیدهای بیش‌تر به این مفهوم را احصاء نمود.
۸. دایرکردن مراکز فساد و فحشا، در صورتی که سبب اشاعه فساد و فحشا شود. این جرم قبلاً در بند الف ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی «جرم‌انگاری» شده و نیز مشخص نگردیده که منظور از فساد و فحشا صرفاً فساد اخلاقی و جنسی است یا مفهوم دیگری دارد.^{۲۴۹}

شایان یادآوری است که اشاره‌ای به مفهوم «افساد فی الارض» و «محاربه» داشته باشیم که تا کنون بحث‌های فراوانی پیرامون این دو عنوان مطرح شده است. قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ این دو مفهوم را مترادف دانسته و در اکثر موارد این دو کلمه را در کنار یکدیگر آورده و نیز مجازات یکسانی را برای آن قائل گردیده. «مواد ۱۸۳، ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی».^{۲۵۰} نظر به آن چه پیش‌تر گفته شد؛ مساله جرم سیاسی مختص به جامعه‌های بسته و یا در حال گذار است که نخست آنکه: قوانین آن دموکراتیک نیست، یعنی اموری را جرم دانسته که در یک جامعه باز «فعالیت متعارف سیاسی» محسوب می‌شود. دوم این‌که: از آن‌جا که حاکمیت متکی به «رای و نظر مردم» نیست، از تحمل مخالف قانونی عاجز است و عملاً از قوانین درست یا قوانین مبهم و دو پهلو تفسیر مُصَيِّق می‌کند.

اصالت سند، در برابر ادعای جعل، انکار و تردید

نافی را نفی کافی نیست

راه‌های اثبات جرم و دفاع از موضوع مورد ادعا در امور کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری با آخرین اصلاحات (۱۳۹۲) و مواد ۱۶۰ تا ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مشخص شده است. بر اساس این قانون، راه‌های اثبات جرم و ادله اثبات دعوی در امور کیفری، عبارتند از:^{۲۵۱}

اقرار: اقرار، از جمله ادله اثبات دعوی در امور حقوقی و کیفری است. اقرار یکی از راه‌های اثبات جرم است که در آن، متهم یا مرتکب جرم، ارتکاب جرم توسط خودش را اعلام می‌دارد.

شهادت: شهادت نیز در دعوی کیفری، بدین معنی است که کسی غیر از دو طرف دعوی، رخ دادن یا ندادن جرم توسط متهم یا هر موضوع دیگر مرتبط با جرم را، در دادگاه بیان می‌دارد. شهادت، از جمله ادله اثبات دعوی در امور حقوقی و کیفری است و یکی از راه‌های اثبات جرم در امور جزایی محسوب می‌شود.

۲۵۰- مواد ۱۸۳، ۱۸۷ و ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص مفهوم «افساد فی الارض» و «محاربه».

۲۵۱- راه‌های اثبات جرم در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

سوگند: قسم در امور کیفری، ادای سوگند در دعاوی کیفری شرایطی دارد که باید رعایت گردد.

آیین دادرسی کیفری؛ در بحث «ادله اثبات دعوا»، قاعده ارائه دلیل یا بار اثبات دلیل را به دو قاعده جزئی تر تحلیل می‌کند:

۱. تکلیف ارائه دلیل برای ارکان دعوا؛

۲. تکلیف قانع کردن دادگاه و تحمل خطر ناشی از عدم قناعت او بر وجود حق (!).

بر این مبنا برابر با عبارت حقوقی «نافی را نفی کافی نیست»، نه تنها مدعی جعلی بودن اسناد و مدارک دعوا «حمید نوری» باید بار اقامه دلیل را بر عهده گیرد، خطر قانع نشدن دادگاه و قاضی رسیدگی کننده به عهده اوست و این او یعنی مدعی نگران از این که قناعت و رضایت قاضی را به دست نیآورد و در دعوا شکست بخورد، زیرا که «امری خلاف اصل و ظاهر را ادعا دارد!» حال آن که یکی از مواردی که قانون اصالت سند-اسناد را معتبر می‌داند حالتی است که دادگاه پس از ادعای «انکار و جعلی» بودن اسناد از سوی متهم، «صحت و اصالت سند و اسناد را احراز» می‌کند و به همین جهت هم ادعای «جعل، انکار و تردید» در برابر اسناد اصیل پذیرفته نیست و با اعتبار امر قضاوت شده منافات دارد.

بر این اساس یافته‌ها و مستندات از جمله کتاب‌های ایرج مصداقی و اسناد و مدارک ایران تریبونال، شهادت مکتوب و حضوری شاهدان و صدها شاکی در این پرونده و بسیاری از خانواده‌هایی که در سالیان به خاوران می‌روند همگی نشان از اصالت اسنادی دارد که به موجب قانون غیرقابل انکار و تردید است.^{۲۵۲}

فراتر از این بر اساس اساسنامه رم و قوانین داخلی و بین‌المللی و نیز به موجب نظام دادرسی تحقیقی، تحقیق پرونده را با جمع‌آوری ادله و مقابله شهود که غالباً متهم از آن بی‌خبر است تدارک می‌بینند. قاضی تحقیق یک مقام قضایی است که با بی‌طرفی کامل ملزم به انجام وظایفش است و می‌باید ادله و اسناد و مدارک مبنی بر مجرمیت و یا ادله احتمالی حاکی از عدم مجرمیت را جمع‌آوری و ضبط نماید تا مورد استناد در جلسات

۲۵۲- اسناد از جمله کتاب‌های ایرج مصداقی، مدارک ایران تریبونال.

دادرسی باشد. افزون بر این موارد، اسنادی چون کتاب‌های ایرج مصداقی به عنوان [مرجع و رفرنس] توسط کارشناسان رسمی و متخصص امور جنایی پیش از آغاز محاکمات مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

او در پاسخ به پرسش دادستان در خصوص استفاده زندانیان از چشم‌بند در سلول گفت که «این بخشی از قواعد آن زمان بوده و آن‌ها انسان‌هایی که مثل او ریش داشتند را کشته بودند.»

جلسه سوم دفاعیه حمید نوری

چهل‌وششمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری ۵ آبان‌ماه ۱۴۰۰ در استکهلم سوئد برگزار شد. این جلسه سومین جلسه از دفاعیات این مقام سابق قوه قضاییه و متهم به مشارکت در شکنجه، رفتار غیرانسانی و اعدام اعضا و هواداران زندانی سازمان مجاهدین خلق ایران و احزاب سیاسی چپ در جریان اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت است. حمید نوری که زندانیان جان‌به‌دربرده از اعدام، او را به نام حمید عباسی می‌شناسند مدعی شد که او تنها یک کارمند بوده و دستورات رئیسش را اجرا می‌کرده است.

بی‌اعتباری حقوقی استناد به عبارت «مامورم و معذور»

یکی از مواردی که در دادگاه نورنبرگ از اعتبار قانونی ساقط شد همانا عبارت «مامور و معذور بودن» و صرفاً دستور مافوق را اجرا کردن است و ماده ۲۷ اساسنامه رم نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به‌طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده دولت به هیچ وجه یک شخص را از «مسئولیت کیفری» معاف نخواهد کرد و نیز ماده ۲۸ همان اساسنامه در چند بند، در خصوص مسئولیت فرماندهان نظامی و سایر مقامات مافوق و مسئولیت کیفریشان به میزان مشارکت و اجرای دستورات مافوق خود، تصریح می‌دارد.^{۲۵۳}

۲۵۳- سومین جلسه دفاعیه حمید نوری ۵ آبان ۱۴۰۰ / نوامبر ۲۰۲۱، ماده ۲۷ اساسنامه رم در خصوص مسئولیت کیفری.

مسئولیت مدنی در حقوق مدنی ایران

یکی از ارکان مسئولیت مدنی «فعل زیان بار» است، که در حقوق مدنی در ایران تحت عنوان مسئولیت مدنی به تفصیل مطرح شده است. فعل زیان بار در جهت تعیین متعهد جبران خسارت ضروری است. مسئول جبران در زنجیره اسباب، شخصی است که «فعل زیان بار» را انجام داده است که به طور سنتی این فعل باید تقصیرآمیز باشد. در کنار این مبنای سنتی، یعنی تقصیر، مبنای دیگری مانند نظریه خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین و نظریه تعهد ایمنی نیز ارائه شده است. با وجود این، نظرات در یک نکته اشتراک دارند و آن این است که مسئولیت مدنی، «نیازمند فعل زیان بار» است و بنابراین در تعیین شخص مسئول، قاعده این است که اساساً شخصی به عنوان مسئول جبران خسارت تعیین می‌گردد که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده باشد. بنابراین به استناد مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹):

«هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارات مادی یا معنوی زیان دیده باشد دادگاه او را به جبران خسارات مورد نظر محکوم می‌نماید.»

این دو ماده بر اساس و مبنای «تقصیر» استوار شده است.^{۲۵۴}

مسئولیت کیفری در قوانین کیفری ایران

همچنین به موجب مواد ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۴۴ قانون مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد. مسئولیت کیفری، شخصی است و در تحقق جرایم عمدی افزون بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد.^{۲۵۵}

۲۵۴- قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، مواد ۱ و ۲.

۲۵۵- مواد ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۴۴ قانون مسئولیت کیفری.

بدین اعتبار و بر مبنای موادی از قوانین مدنی و کیفری در ایران، نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی که طی سه روز در سال ۱۳۹۶ از فراز بام‌های سازمان‌ها به اعتراض‌کنندگان در شهرها شلیک کرده‌اند که تا کنون منتج به جان باختن تعدادی از معترضان شده است و این در حالی است که به موجب ماده ۲۷ قانون اساسی حکومت اسلامی: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون... آزاد است.»^{۲۵۶}

بر این حملات مسلحانه به مردم عادی و غیرنظامی که فاقد هرگونه سلاحی (اعم از گرم و سرد) بوده و بطور مسالمت‌آمیز و شیوه «خشونت پرهیز» اجتماع نموده‌اند مسئولیت مدنی و کیفری مترتب بوده و به موجب قانون، مسئولیت جبران خسارات وارده به آسیب دیدگان (در صورت مصدومیت) و یا به بازماندگان‌شان (در صورت فوت) بر عهده فاعلان جرم و واردکنندگان خسارات است.

زیرا استناد به «مامورم و معذورم» بر اساس قوانین کیفری و مدنی داخلی (اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها) و نیز قوانین و مقررات بین‌المللی «فاقد اعتبار حقوقی و وجهه قانونی» است.

او همچنین گفت که در زندان گوهردشت (رجایی شهر) یک حمید عباسی دیگر حضور داشته است. حمید نوری در این جلسه دفاع از خود مدعی شد که آیت‌الله خمینی، در سال ۱۳۶۷ به مناسبت ۱۰ سالگی پیروزی انقلاب، عفو عمومی اعلام کرد و اغلب زندانیان را عفو داد. او در جلسه پیشین دفاعیات خود گفت آنچه درباره فتوای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و دستور به قتل عام زندانیان سیاسی گفته می‌شود «جعل شده است» و این در حالی است که از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی - روح‌الله خمینی در سال ۱۳۶۷ نامه‌ای - سندی وجود دارد که در آن صراحتی آمده آن دسته از زندانیان سیاسی در سراسر کشور که «بر سر موضع نفاق خود مانده و پافشاری می‌کنند محارب و محکوم به اعدام هستند». او تشخیص را در تهران به رای اکثریت «نیری (حاکم شرع) و اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد» قرار داده است.

در این نامه همچنین در مورد زندانیان مراکز استان‌ها نیز آمده «رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات» است. در این حکم به

صراحت بیان شده که «رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، آقایی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشد اعلی‌الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد.»^{۲۵۷}

در این جلسه حمید نوری در خصوص «شلاق» در مجازات‌ها گفته است: «در قوانین جزایی نظام مقدس، شلاق وجود دارد.» در این جلسه این موضوع مطرح است؛ نخست: اقرار به اعمال شکنجه نسبت به زندانیان سیاسی آن هم بیش‌تر برای کسب اطلاعات و اعترافات اجباری و دیگر شکستن روح و روان زندانی به منظور خوارانگاری و زائل نمودن شخصیت زندانی و دوم: تاییدی بر به رسمیت شناختن یک آیین مانند اسلام و ورود آن در نخستین اصل قانون اساسی این نظام و بطور تأکیدی در اصل ۴ همان قانون و به تبع آن جزء به جزء کردن آن اصول به صورت مواد قانونی در دیگر قوانین عادی چون قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی که تازیانه یا شلاق یکی از ابزار موثر به حساب می‌آید حال آن‌که در قوانین کیفری بین‌المللی بوده و در قانون اساسی سوئد (۱۹۸۹) ماده ۵ فصل دوم مجازات بدنی ممنوع است: (Punishment Corporal Against Protected be Shall Citizens All). در این تعبیرات همواره از کلمه Punishment استفاده شده است. بر این مبنا با این سابقه استعمال و کاربرد کلمه یاد شده در بالا، مشکل بتوان آن را تنها به تشبیه بدنی خارج از حکم قانون تعبیر کرد. همچنین قانون جزایی سوئد هرگونه اعمال شکنجه علیه زندانی ممنوع است.^{۲۵۸}

افزون بر این موارد حمید نوری برخاسته از همین نظام اسلامی است و هدف از تایید این نظام به منظور دریافت حمایت و پشتیبانی نظام از اوست.

حمید نوری و پرسش در خصوص وضعیت وثیقه

خبرنگاری جرم نیست!

«بازجو به من گفته بود اگر با دستگاه امنیتی همکاری کنم، با قرار کفالت آزاد خواهم شد

۲۵۷- فتوای روح‌الله خمینی (۱۳۶۷).

۲۵۸- قانون اساسی سوئد (۱۹۸۹)، فصل دوم ماده ۵ در خصوص ممنوعیت مجازات بدنی.

اما اگر به درخواست‌شان جواب مثبت ندهم، قرار وثیقه بسیار سنگینی برایم صادر می‌شود تا توان تودیع آن را نداشته باشم و بازداشتم ادامه‌دار شود. در نهایت وقتی جواب رد دادم، قاضی وثیقه سنگین پنج میلیارد تومانی صادر کرد و یک ماه طول کشید تا خانواده‌ام آن را تامین کنند و آزاد شوم.»

این جملات را یکی از روزنامه‌نگاران با سابقه ایرانی که درخواست نامش فاش شود، در گفت‌وگو با «خبرنگاری جرم نیست» به زبان آورده است؛ معضلی که در سال‌های اخیر از سوی بسیاری از روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی اجتماعی مطرح شده است و آن‌ها از صدور وثیقه‌های سنگین بابت آزادی موقت کله‌مند بودند.

دلیل صدور وثیقه‌های سنگین، مبنای قانونی آن

در پرونده‌های زیادی در رابطه با بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر که با عنوان «زندانی سیاسی» شناخته می‌شوند، مشاهده شده است که مبالغ اعلام شده برای تودیع وثیقه جهت آزادی موقت با اتهام انتسابی هم‌خوانی ندارند.

در حالی که قرار وثیقه برای برخی افراد به اتهام «نشر اکاذیب» یا «توهین» و «افترا»، فیش حقوقی یا کفالت خانواده صادر شده است، برای برخی از بازداشت‌شدگان با همان عناوین اتهامی، قرارهای چند میلیارد تومانی اعلام می‌شود تا متهمان در صورت عدم توان برای تودیع، مدت زیادی را در بازداشت بمانند.

از این بیش می‌توان از بازداشت موقت، سلول انفرادی و وثیقه غیرمنطقی به عنوان سه اشکال عمده دستگاه قضایی در ایران در حوزه حقوق بشر نام برد که قضات باید از قانون تمکین نمایند.

در خصوص بازداشت موقت، در جرایم غیر از ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، متهم حداکثر تا دو ماه می‌تواند بازداشت موقت باشد و اگر اتهام منطبق با مواد ماده ۳۰۲ باشد نیز نهایتاً تا چهار ماه می‌تواند بازداشت موقت را تمدید کند. اما عملاً در واقعیت این امر رخ نمی‌دهد. همچنین درباره سلول انفرادی، به‌رغم ادعای مدیران قوه قضائیه که می‌گویند سلول انفرادی نداریم، همچنان متهمان زیادی را در سلول نگه می‌دارند که اندازه آن اتاق یا سلول هم تأثیری در کاهش شکنجه ندارد. سومین اشکال نیز به همین موضوع وثیقه

مربوط می‌شود؛ قانونی که دست قضات یا ضابطین امنیتی را برای طولانی‌تر کردن مدت بازداشت باز نگه می‌دارد و رویه واحدی نیز در دستگاه قضایی برای تعیین مبلغ و کیفیت وثیقه وجود ندارد.^{۲۵۹}

اگرچه در قانون پیش‌بینی شده است که تعیین مبلغ باید متناسب با اتهام باشد اما گاهی وثیقه‌هایی برای متهمان مطبوعاتی، سیاسی و حقوق‌بشری صادر شده است که موجب تحقیر و تعجب متهم و وکیل می‌شود و مبلغ آن بسیار بیش‌تر از وثیقه‌های زندانیان دیگر جرایم است. کم‌تر پرونده‌ای در چندسال اخیر وجود داشته که مبلغ وثیقه از ۵۰۰ میلیون تومان پایین‌تر باشد و عددها اکنون به دو میلیارد و سه میلیارد تومان و حتی بیش‌تر رسیده‌اند. به همین جهت، در دوران مدیریت تمام روسای قوه قضاییه در دهه‌های گذشته، حقوق‌دانان و فعالان مدنی نسبت به مبالغ تعیین شده برای تودیع وثیقه اعتراض کرده‌اند. اگر قوه قضاییه می‌خواهد در دستگاه خود اصلاحات درستی انجام دهد، ابتدا باید تبعیض و اجحاف‌های شکل گرفته علیه جامعه مطبوعاتی و فعالان حقوق‌بشری، سیاسی و اجتماعی را از بین ببرد. تاثیر گزارش‌های بازجوهای امنیتی در تعیین مبلغ وثیقه را نیز می‌توان غیر قابل انکار توصیف کرد و در دهه‌ها پرونده سیاسی امنیتی که طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، مشخصاً توصیه‌های ضابطین خاص اطلاعاتی، در بازداشت، محل نگهداری و سپس تعیین مبلغ وثیقه تاثیرگذار بوده و در گزارش کارشان به قاضی قید کرده‌اند که مثلاً نیاز به برخورد تند و حاد است. در حالی که انتظار می‌رود دستگاه قضایی مستقل عمل کند و تحت تاثیر گزارش‌های خاص امنیتی نباشد.

نفوذ ضابطین امنیتی بر تصمیمات قضات و میزان مبلغ وثیقه

دادگاه‌های انقلاب در ۵ اسفند ۱۳۵۷ و براساس ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از چهار دادگاه کیفری در قوانین جمهوری اسلامی تاسیس شد. به موجب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه انقلاب در مرکز هر استان و اگر رئیس قوه قضاییه تشخیص دهد، در حوزه قضایی شهرستان‌ها قابل تشکیل است و صلاحیت رسیدگی به طیف مشخصی از جرایم را دارا می‌باشد.

۲۵۹- ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد وثیقه.

بازجوها و امنیتی‌ها قدرت دارند و به عنوان نمونه به زندانی می‌گویند اگر فلان کار را بکنی، به قاضی می‌گویم وثیقه‌ای سبک برای تو صادر کند یا برعکس، اگر حرف گوش نکنی، وثیقه‌ات سنگین می‌شود. برای نمونه در پرونده‌ای، پیش از صدور حکم زندان، بازجو عدد سال‌های حبس را به متهم اعلام کرده است. قضات باید مستقل باشند و میزان وثیقه، متناسب با جرم و اتهام باشد. در قانون آمده است که وثیقه باید با توجه به مواردی همچون سابقه متهم، تمکن مالی، میزان تحصیلات، پشیمانی و یا شرایط جامعه صادر شود. اما برخی از قضات تخلف می‌کنند و قرارهای سنگین برای آزادی موقت اعلام می‌شود. قرار وثیقه به موجب آیین دادرسی کیفری، باید پلکانی باشد و قضات می‌توانند با اخذ قول شرف یا قول برای عدم خروج از حوزه قضایی هم، متهم را آزاد کنند.^{۲۶۰}

فساد قضات

گاهی به دلیل وجود فساد قضات پیش می‌آید، متهمی که به اتهام اختلاس مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی بازداشت شده است، با وثیقه پنج میلیاردی آزاد شود و فرار کند و از آن طرف، برای روزنامه‌نگاران یا فعالان فضای مجازی که توان مالی پایینی دارند، وثیقه‌های چند میلیارد تومانی صادر شود که ضابط امنیتی حتی عدد دقیق وثیقه را برای قاضی نوشته یا پیشنهاد برای صدور چند سال زندان داده‌اند که همان توصیه توسط قاضی اجرا شده است. بازداشت موقت باید تنها برای جرایم سنگین مانند قتل، تجاوز یا اختلاس روی دهد که ظن فرار متهم وجود دارد. مشکل اساسی، عدم استقلال قوه قضاییه، کثرت پرونده‌ها به دلیل ظرفیت پایین نظام در شنیدن انتقاد و همچنین نامشخص بودن حقوق متهم در قانون است که اختیارات دستگاه امنیتی برای اعمال قدرت را باز نگه می‌دارد.

جلسه چهارم دفاعیه حمید نوری

در این جلسه نیز حمید نوری مدعی جعلی بودن اسناد و مدارک موجود در دادگاه شد و گفت تمام شهادات شاهدان و شاکیان دروغ است!

تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر

نخستین راهی که برای تشخیص اصالت سند مورد تعرض باید مورد توجه قرار گیرد تطبیق مفاد سند این سند با اسناد و دلایل دیگر است. . متهم به اصالت اسناد تعرض می نماید (انکار یا ادعای جعل).

دومین راه تشخیص اصالت سند، اسناد و ادله ای است که شاهدان و شاکیان طی دو سال گذشته با ارائه مدارک و اسناد به دادگاه و به ویژه در زمان ادای شهادت استناد به آن اسناد نموده اند. افزون بر این موارد کلیه اسناد از قبیل کتابها و دیگر مدارک توسط کارشناسان رسمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. از این بیش قضات برای ادله و اسناد و مدارک ارائه شده در پیش از دادرسی اعتبار ویژه ای قائل اند. برای نمونه دادگاه کیفری بین المللی رواندا به ریاست یک قاضی در قضیه «آکایزو» مدارک دادستان را به عنوان بخشی از اسناد دادرسی ضروری دانست.^{۲۶۱}

فراتر از این از یک سو حمید نوری بر اساس مندرجات کتابهای «ایرج مصداقی، نویسنده، فعال سیاسی و نخستین فرد تشکیل دهنده این پرونده» در خصوص نقشه و کروکی ساختمانهای زندان، آن معماری و نقشه فیزیکی زندان را تایید و در جایی دیگر آن اسناد را جعلی عنوان کرده و منکر آن می شود. اما در خصوص ادعای جعل حمید نوری نسبت به اسناد و به ویژه کتابهای ایرج مصداقی (به عنوان مرجع)، بر پایه علم حقوق: «نافی را نفی کافی نیست» و «مدعی» کسی است که ادعا می کند و از همین رو بار اثبات ادعا بر عهده مدعی است. حمید نوری ادعای جعلی بودن اسناد را دارد، بر این اساس بار اثبات دلیل بر عهده اوست.»

فراتر از این بر اساس اساسنامه رم و قوانین داخلی و بین المللی و نیز به موجب نظام دادرسی تحقیقی، تحقیق پرونده را با جمع آوری ادله و مقابله شهود که غالباً متهم از آن بی خبر است تدارک می بینند. قاضی تحقیق یک مقام قضایی است که با بی طرفی کامل ملزم به انجام وظایفش است و می باید ادله و اسناد و مدارک مبنی بر مجرمیت و یا ادله احتمالی حاکی از عدم مجرمیت را جمع آوری و ضبط نماید تا مورد استناد در جلسات دادرسی باشد. افزون بر این موارد، اسنادی چون کتابهای ایرج مصداقی به عنوان [مرجع و

۲۶۱- جلسه چهارم دفاعیه حمید نوری، در خصوص اصالت و یا جعل اسناد.

رفرنس] و دیگر اسناد یاد شده در بالا توسط کارشناسان رسمی و متخصص امور جنایی پیش از آغاز محاکمات مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

پنجمین جلسه دفاعیه حمید نوری

حمید نوری در این جلسه نیز همچون جلسات پیشین، شهادت شاهدان، کتاب‌ها و فایل‌های صوتی [منتظری و ناصریان] را فاقد اعتبار دانست و تاریخ‌های اعلامی در این اسناد را دوباره مورد مناقشه قرار داد، او مانند جلسات پیش گفت: «این‌جا دادگاه بین‌المللی است و همه چیز باید مستند باشد. او افزود که باید از ایران استعلام بشود.» و این در حالی است که پیش از این استعلام‌های مورد نیاز توسط دستگاه قضایی و سازمان جرایم بین‌المللی در سوئد از حکومت اسلامی در خصوص این جنایات انجام یافته است. همچنین بر پایه اظهارات وکیل نوری، جمهوری اسلامی به درخواست‌های وکلای نوری برای فرستادن مدارک کاری و فیش‌های حقوقی وی توجهی نکرده و نیز تقاضای آن‌ها برای سفر به ایران و دیدار از زندان گوهردشت را بدون پاسخ گذاشته است و افزودند که این دادگاه نباید این عدم همکاری رژیم را مرتبط با موکل آن‌ها قلمداد نماید. زیرا که در واقع موکل آن‌ها بدون این همکاری‌ها نمی‌تواند دفاع درستی از خود کند. در حقیقت رژیم با این بی‌توجهی نقشه وکلای نوری برای این‌که او را یک کارمند جز معرفی کنند که کاره‌ای نبوده، بی‌اثر کردند. وکلای نوری همچنین مایل بودند با ملاقات از زندان گوهردشت و تهیه عکس و فیلم از پنجره‌های این زندان و نحوه قرارگرفتن ساختمان‌ها ثابت کنند که زندانی‌ها امکان دیدن آن‌چه که در حسینیه زندان (محل اعدام زندانی‌ها) و حیاط زندان می‌رفته را نداشته‌اند و «راهروی مرگ» و اتافی که «هیئت مرگ» در آن مستقر بوده با آن‌چه که شاهدین و شاکیان توصیف می‌کنند تفاوت دارد. اما این بار هم نظام پلیسی در ایران با بی‌مبالاتی و بی‌کفایتی چنین امکانی را از آن‌ها دریغ کرد و اکنون، دولت سوئد را تهدید کرده و سفیر خود را به تهران فرا می‌خواند. اگرچه: نظام اسلامی در ایران بر اساس سیاست انکار و تهدید امنیت خود را در این بیش از چهار دهه به شدت مدیریت می‌نماید. نظام قضایی اسلامی فاقد استقلال و شفافیت و به‌ویژه قضات مستقل و متخصص است و هیچگاه با دادگاه حمید نوری در سوئد همکاری نکرد. در حقیقت هدف و استراتژی حمید نوری این است که بگوید: «همه دروغ می‌گویند»

و حقیقت تنها نزد اوست!

بر مبنای اساسنامه رم موارد دفاع قابل قبول در مواد ۳۱، ۳۲ و ۳۳ تدوین شده است و همچنین موارد دفاع غیرقابل پذیرش تدوین شده است از جمله: «غیبت هنگام وقوع جرم، ضرورت نظامی، سوء استفاده از جریان دادرسی، رضایت و تلافی» به جز دفاع‌های مندرج در مواد یادشده، سایر دفاع‌ها یا به موجب خود اساسنامه مانند «سمت رسمی، فقدان آگاهی در خصوص مسئولیت‌ها و...» و یا اجبار در اجرای دستور مقامات مافوق در خصوص جنایات علیه بشریت ممنوع شده است. در حقیقت عبارت «مامور و معذوربودن» در حال حاضر فاقد اعتبار و وجاهت حقوقی است.^{۲۶۲}

افزون بر این رویه قضایی تعقیب مربوط به تعقیب جنایات جنگی [یکی از اتهامات حمید نوری] حاکی از آن است که متهمین در دفاع از خود علاوه بر اجرای دستورات مافوق یا فرماندهان، عمدتاً به اشتباه حکمی یا موضوعی، تلافی، دفاع از خود، ضرورت نظامی، اجبار و یا اقدام به عنوان مقام رسمی استناد می‌کنند. در حقیقت اساسنامه رم در خصوص جنایات جنگی پذیرش دفاع به عنوان جنون بسیار نادر است.

مورد دیگری که در اساسنامه به عنوان دفاع مطرح گردیده، بندی در ماده ۳۱ یعنی دفاع از خود است که باید به طور معقول از خود یا شخص دیگر و متناسب با میزان خطر دفاع کرده باشد. اصطلاحات بطور معقول و مناسب در نظام‌های داخلی و ملی هم به‌کار رفته است. در این باره دفاع از مال که تنها در جنایات جنگی می‌تواند مصداق داشته باشد می‌باید برای حیات شخص یا حیات دیگری ضروری باشد. البته اساسنامه شناسایی دفاع از مال به عنوان یک دفاع را بعید و در مواردی نادر به رسمیت شناخته است. حال آن‌که کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، باطل و بلااثر است.

از دیگر موارد، اجبار و ضرورت را به عنوان یک دفاع مطرح کردن توسط متهم است که غالباً با اجرای دستور مافوق اشتباه می‌شود. حال آن‌که اجبار به عنوان یک دفاع در برابر «جنایات علیه بشریت» قابل قبول نیست.

یکی دیگر از موارد اشتباه حکمی است که به عنوان یک دفاع قابل پذیرش نیست و اساسنامه رم در خصوص ژنوساید یا جنایات علیه بشریت توسل به اطاعت از «مافوق»

قابل قبول نیست زیرا دستور به این جنایات آشکارا غیرقانونی است. این اساسنامه همچنین اعلام می‌دارد که سِمَت رسمی رئیس دولت یا حکومت یا سایر مقامات رسمی، تأثیری بر مسئولیت کیفری آن‌ها نخواهد داشت و بدین پایه، این سِمَت‌ها موجبی برای تخفیف مجازات نخواهند بود.

بر اساس اصول کلی حقوق کیفری، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اصل صلاحیت و نظارت قضایی جهانی، هیچ‌کس مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر این‌که عمل وی در زمان وقوع جرم منطبق با یکی از جرایم (بین‌المللی) باشد که در صلاحیت دیوان است. جرایم داخل در صلاحیت دیوان، قدرت اعمال صلاحیت بر اشخاص منحصر به خطرترین جرایم مورد اهتمام جامعه بین‌المللی است.

جرایم فاحش بین‌المللی

جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، جنایت تجاوز
 اکنون با توجه به نهاده شدن اصل صلاحیت و نظارت قضایی رئیس‌جمهور نظام فقهاتی، اعضای مجلس، اعضای قوه قضاییه، سپاه پاسداران، شکنجه‌گران و... فاقد هرگونه امنیت قضایی در خارج از کشور هستند. بر این پایه کشورهایی که عضویت دیوان کیفری بین‌المللی را داشته باشند و یا کشورهایی که اصل نظارت قضایی را پذیرفته‌اند می‌توانند اقدامات حقوقی را علیه این جنایتکاران به‌کار گیرند. بنابراین چه پیشتر گفته شد و با توجه به این‌که فرایند دادگاه تاکنون شایسته بوده و دادستان‌ها اقداماتشان به نحوی سزاوار انجام یافته و بارها طی جلسات دادرسی به نقش حمید نوری در کشتارها پرداخته‌اند و به همین جهت روند محاکمه به‌درستی و به موجب آیین دادرسی کیفری سوئد انجام شده است، فراتر از این دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم ارتكابی و اتهامات حمید نوری، یک دادگاه نمادین نیست و واجد «ضمانت اجرایی» است و حکمی که علیه حمید نوری صادر خواهد شد به وسیله یک دستگاه قضایی مستقل و صالح به‌رسیدگی به جرایم بین‌المللی انجام خواهد یافت. این حکم که می‌تواند حبس ابد باشد به موجب یک رویه قضاییه (وحدت رویه قضایی) برای دیگر کشورها در موارد مشابه همچون محاکمه ابراهیم رئیسی و دیگر جنایتکاران اسلامی در ایران قابل استناد خواهد بود.

افزون بر این اهمیت دستگیری، بازداشت و محاکمه حمید نوری این پیام را برای اپوزیسیون دارد که در خارج از ایران، حاکمیت قانون است و فراتر از آن اثر قانون است که موجب عدم امنیت برای سردمداران جنایتکار اسلامی می‌شود. در همین رابطه ماده ۱۳۰ معاهده تاسیس اتحادیه جامعه اروپا هم بر حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر تاکید می‌نماید.

پرونده حمید نوری نمونه‌ای از اعمال «اصل صلاحیت قضایی جهانی» در خصوص کشتاری است که از ابتدای دهه ۱۳۶۰ و به‌ویژه در تابستان ۱۳۶۷ تا کنون انجام گرفته است. حمید نوری / عباسی و حکومت جنایتکارش به خوبی آگاهند که در سوئد، نه اعدام و قصاص در کار است، نه آزار و شلاق و شکنجه و تجاوز، نه اعترافات تلویزیونی، بلکه دادگاه علنی در جریان است و با حوصله و بدون سوگیری هفته‌ها به همه گوش می‌دهد و حتی به این ماجرا توجه دارد که نکند اهانتی به متهم تحمیل شود. متهم از آزادی بیان و نظر و انتخاب وکیل منتخب خود برخوردار است و....

در ایران تجربه دادگاه‌های انقلاب اسلامی پس از بهمن ۱۳۵۷، حتی یک نمونه نداریم که زندانی سیاسی از حق دفاع از خود و از حق داشتن وکیل و رویه قضایی قانونی و مطلوب، برخوردار بوده باشد.

نحوه کارکرد دادگاه‌های انقلاب در ماه‌ها و سال‌های پس از بهمن ۱۳۵۷ نشان داد که حاکمیت بیش‌تر قصد انتقام‌جویی و نابودکردن مخالفان را داشته است. کشتار سیستماتیک زندانیان در سال‌های پس از ۱۳۶۰ و به‌ویژه اعدام‌های جمعی سال ۱۳۶۷ بربریت و ضدانسانی بودن جمهوری اسلامی را به‌نمایش گذاشت.

حمید نوری، ابراهیم رئیسی، مصطفی پورمحمدی و دیگر سران جمهوری اسلامی و مقامات و نهادهایی هستند که در کشتن، آزار و تحقیر مخالف از هیچ کوششی فروگذار نبوده‌اند.

در حقیقت دادگاه حمید نوری یک رخداد تاریخی و حقوقی است که جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی به چالش کشیده است. در چنین وضعیتی، باید با بی‌عدالتی قضایی، خشونت و اعدام در زندان‌های جمهوری اسلامی به مبارزه همه‌جانبه برخاست. بنابراین باید با صدای رسا و بلند به جامعه ایران گفت که زندگی انسان والاترین ارزش جمعی ما، احترام به زندگی انسانی جهان‌شمول است.

هم‌زمان با دادگاه حمید نوری، بالغ بر ۱۰۰ تن از نمایندگان پارلمان اروپا، از جمله ۱۴ وزیر سابق - شامل وزیران خارجه - طی انتشار بیانیه‌ای از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو خواستند ضمن اتخاذ سیاستی قاطع در مذاکرات هسته‌ای با حکومت جمهوری اسلامی، کشتار سال ۱۳۶۷ در ایران را رسماً به عنوان «نسل‌کشی» و «جنایت علیه بشریت» شناسایی کنند.

بیش از ۱۰۰ عضو پارلمان اروپا روز سه‌شنبه ۲۰۲۱/۱۲/۰۷ طی بیانیه‌ای خطاب به رهبران اتحادیه اروپا، از جمله «جوژپ بورل»، معاون رئیس و نماینده عالی این اتحادیه در امور خارجی و سیاست امنیتی، از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن خواستند که «کشتار ۱۳۶۷ در ایران را رسماً به عنوان نسل‌کشی و جنایتی علیه بشریت شناسایی کنند».^{۲۶۳}

در این بیانیه که به ابتکار گروه «دوستان ایران آزاد» پارلمان اروپا صادر شده و به امضای شماری از نمایندگان پارلمان اروپا از گروه‌های سیاسی مختلف رسیده، از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن خواسته شده است که در قبال حکومت ایران، به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، سیاست قاطعی را اتخاذ کنند و «رعایت حقوق بشر و لغو مجازات اعدام را پیش شرط روابط خود» با جمهوری اسلامی قرار دهند.

در این بیانیه با اشاره به فتوای خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، درباره «اعدام زندانیان سیاسی، به‌ویژه افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران» و متعاقب آن کشتار هزاران زندانی سیاسی «پس از محاکمه‌های ساختگی» چند دقیقه‌ای آمده است که بسیاری از برجسته‌ترین حقوق‌دانان بین‌المللی کشتار ۱۳۶۷ را «مصادق آشکار جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی» توصیف کرده و خواستار «اجرای عدالت و آغاز روند رسیدگی قضایی علیه عاملان آن» شده‌اند.

این بیانیه نیز از ابراهیم رئیسی، رییس دولت نظام اسلامی در ایران، به عنوان یکی از اعضای «هیات مرگ» یاد کرده و به دستگیری، شکنجه، و ناپدید شدن (ناپدید شدن قهری) هزاران تن در آبان ۱۳۹۸ و در دوران ریاست او بر قوه قضاییه اشاره کرده است.^{۲۶۴}

افزون بر این، کمپین هواداران ابراهیم رئیسی، تبلیغات گسترده‌ای را به منظور ارائه یک

۲۶۳- بیانیه اعضای پارلمان اروپا ۲۰۲۱/۱۲/۰۷ مبنی بر رسمیت شناختن کشتار زندانیان سیاسی ۱۳۶۷.

۲۶۴- اعتراضات مدنی مردم ایران در آبان ۱۳۹۸.

تصویر توجیه‌پذیر از اعدام‌های سال ۱۳۶۷ آغاز نموده‌اند. محوریت اساسی این تبلیغات آن است که با ارائه تصاویر یا گزارش‌هایی از جنایات تروریستی سازمان مجاهدین خلق، افکار عمومی را متقاعد نمایند که اعدام اعضای آن گروه کاملاً «به حق» صورت گرفته است! هیچ‌کس در تنفر و انزجار از جنایت‌های تروریستی تردیدی ندارد. مواضع و عملکردهای سازمان مجاهدین خلق برای مردم ایران رسواتر و منفورتر از آن است که بخواهیم کسی را متقاعد نماییم. اما انتقادی اگر بود و هست، انتقاد بر رعایت نکردن «نص صریح» قانون اساسی و روح پیمان‌نامه‌هایی است که پس از بهمن ۱۳۵۷ تنظیم و تدوین گردید.

نخست: مسئله کشتار سال ۱۳۶۷ تنها به اعضای سازمان مجاهدین محدود نمی‌گردد و بسیاری از چپ‌گرایان را نیز شامل می‌شود.

دوم: انتقاد آن نیست که چرا فردی به جرم قتل و جنایت، محاکمه و محکوم به اعدام شده است؛ بحث بر سر این است که چرا عده‌ای اساساً محاکمه نشدند؟ و یا حتی بدتر، گروهی محاکمه و در سطح چند سال محکومیت و حبس در زندان را دریافت نمودند؛ اما به ناگاه و ای بسا پس از اتمام دوره محکومیت به جوخه‌های اعدام سپرده شدند؟!

در این بیانیه همچنین به گزارش «آنتونیو گوترش»، دبیرکل سازمان ملل متحد، درباره «نقض شدید حقوق بشر در ایران» و متهم کردن حکومت اسلامی در ایران به «ازبین بردن شواهد اعدام ناراضیان سیاسی» در سال ۱۳۶۷ و «آزار و پیگرد کیفی خانواده‌های قربانیان» و نیز به برگزاری دادگاه حمید نوری، از متهمان پرونده کشتارهای سال ۱۳۶۷ اشاره شده است.

نظر به پیچیدگی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ به حیث حقوقی و... به موجب این اساسنامه، کشورهایی که «اساسنامه رم ۱۹۹۸» مصوب ۲۰۰۲ را پذیرفته و به آن ملحق شده باشند، می‌توانند در موارد مشخصی در کشور خود اقدام به گشایش چنین پرونده‌هایی نمایند به شرط آن‌که جرم مورد نظر بعد از تاریخ تصویب قرارداد رم به وقوع پیوسته باشد. عطف به ماسبق نشدن قوانین و اثر قانون که نسبت به آینده است.

سوئد در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۱ این اساسنامه را امضا و به آن پیوسته است. از آن‌جا که کشتار زندانیان سیاسی در ایران در تابستان ۱۳۶۷/۱۹۸۸ انجام شد، واضح است که هر اقدامی از

طریق استناد به اساسنامه رم و تحت عنوان جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی از سوی قاضی پذیرفته نشد.^{۲۶۵}

در مورد قانون سوئد در ارتباط با رسیدگی به جرایم مرتبط با جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایت جنگی: «از سال ۲۰۱۴ با تصویب «ماده قانونی ۴۰۶ رسیدگی به جرایم مرتبط با نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی» در این کشور میسر شد. این قانون «جنایت علیه بشریت» را با تفاوت‌های کوچکی معادل اساسنامه رم تعریف کرده است. مهم آن است که چگونه بتوان از ظرفیت‌های حقوقی در کشورهای مختلف استفاده کرد تا امکان محاکمه یکی از آمرین یا عاملین آن جنایت را محقق کرد.

هوشیاری تخصصی دادستان سوئد در این است که برای اعلام جرم علیه حمید نوری به یک مبنای حقوقی در قوانین کشور سوئد استناد کرده که در آن رسیدگی به جرایمی که جنایت جنگی محسوب می‌شوند، جدا از آن‌که در چه مکان یا در چه تاریخی خارج از سوئد انجام شده باشد، امکان‌پذیر است.

آیا می‌توان آن را بخشی از یک درگیری بین‌المللی یا غیر بین‌المللی دانست، حتما موضوع مهمی در دفاعیه آخر حمید نوری وکلای او خواهد بود. روز سوم ماه می قرار است آخرین جلسه برگزار و احتمالاً یک‌ونیم تا دو ماه پس از آن قرار است دادگاه حکم خود را صادر کند.

۲۶۵- پذیرش و الحاق کشور سوئد به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۲۰۰۱).

فصل دهم

نظریه کارشناسان

هشتاد و دومین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت روز سه شنبه شانزدهم فروردین ۱۴۰۱ پنجم آوریل ۲۰۲۲ با شهادت دو کارشناس - شاهد در استکهلم سوئد برگزار شد.

اوه برینگ

«اوه برینگ»، پروفیسور بازنشسته و متخصص حقوق عرف بین الملل، حقوق جنگ و اسیران جنگی است. شاهد در پرونده حمید نوری درباره مواردی مانند قوانین جزایی سوئد در سال ۱۳۶۷، حقوق اسیران جنگی و بررسی امکان مجازات مسئولان و افراد درگیر در اعدام زندانیان در تابستان ۱۳۶۷، بر مبنای قوانین سوئد، نظر خود را به دادگاه ارائه داد. نظرات او عمدتاً حاصل تحقیق او بر روی دو گزارش جفری رابرتسون و سازمان عفو بین الملل بوده که پلیس سوئد آن‌ها را در اختیار وی قرار داده است.

اوه برینگ درگیری میان مجاهدین و جمهوری اسلامی را ادامه جنگ بین المللی میان ایران و عراق دانست؛ جنگی که حاصل آرزو و تصمیم صدام حسین برای تصرف بخشی از خاک ایران قبل از انجام آتش بس بین دو کشور بود. شاهد توضیح داد که به نظر او

صدام حسین از سازمان مجاهدین خلق سوء استفاده کرد و قصد داشت پس از موفقیت این سازمان در عملیاتش، پشت سر آن‌ها وارد ایران شود

بنا بر شهادت او برینگ، فتوای روح‌الله خمینی و اعدام‌های ۱۳۶۷ بخشی از درگیری مسلحانه بین طرفین بود. شاهد گفت که «برای حکومت ایران، صدام حسین، سازمان مجاهدین خلق و زندانیان سیاسی هوادار و عضو آن سازمان در داخل ایران، همگی دشمن به حساب می‌آمدند.»

او برینگ درباره ارتباط میان فتوا و درگیری مسلحانه گفت که رژیم ایران مدعی شد که مجاهدین داخل و خارج از ایران همگی متعلق به یک گروه هستند و سودای سرنگونی رژیم را در سر می‌پروراند. حکومت ایران زندانیان داخل ایران را با آن‌هایی که در عراق بودند، مرتبط می‌دانست و فکر کرد که در چارچوب قانون [ایران]، هرکاری که می‌خواهد، می‌تواند انجام دهد.

او برینگ تاکید کرد که اتفاقات تابستان ۱۳۶۷ در زندان‌های ایران در چارچوب درگیری مسلحانه بین‌المللی بود. شاهد، تحلیل کارشناسی خود را در مورد زندانیان اعدام‌شده با توضیح کنوانسیون ژنو در سال (۱۹۴۹) آغاز کرد. او گفت بر اساس این کنوانسیون اسیر جنگی کسی است که به اسارت دشمن درآمده است باید تحت حفاظت قرار می‌گرفت. این تعریف شامل فردی که اسیر نیروهای خودی شده نمی‌شد. بر اساس این تعریف شخص اسیر شده توسط خودی، فردی غیرنظامی تلقی می‌شد و [به‌خاطر کمبود قوانین] آسیب‌پذیرتر بود.

او برینگ توضیح داد که بعدها با تغییر نگرش نسبت به جنگ، «پاراگراف ۷۵» به کنوانسیون ژنو اضافه شد که رابط میان قانون عرف و قوانین بین‌الملل و شامل حق و حقوق انسانی است. بر اساس پاراگراف ۷۵ تابعیت افراد اهمیت ندارد و اگر شخصی [در درگیری‌های داخلی] حتی در کشور خود دستگیر شود، اسیر جنگی محسوب می‌شود.

او برینگ گفت مهم نیست که ایران پاراگراف ۷۵ را امضا کرده باشد یا نه و یا این‌که این قانون، قانون عرف نیز محسوب می‌شود یا خیر. مهم آن است که عملکرد ایران در این رخداد بر اساس مجموعه قوانین جزایی سوئد ماده ۶-۲۲ سنجیده می‌شود و کاملاً با مفاد آن همخوانی دارد. شاهد گفت مهم در این جا قوانین کیفری بین‌المللی هستند، نه امضا یا قبول این قوانین از طرف حکومت ایران. در قوانین ۶-۲۲ برای آن‌هایی که انسان‌ها را زندانی و

شکنبه کرده و حکم اعدام و مرگشان را صادر کنند، مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده است.

شاهد گفت سوئد و بسیاری از کشورهای دیگر همزمان با پیشرفت قوانین عرفی و ادغام با قوانین کیفری بین‌المللی و اضافه کردن بار مجازات کیفری، قوانین داخلی خود را به تدریج کامل‌تر و با قوانین بین‌المللی سازگارتر کردند. یکی از آخرین نمونه‌های چنین اقداماتی، قوانینی مانند قانون ۶/۲۲ است.

اوه برینگ زندانیان سیاسی اعدام شده مرتبط با این پرونده را افراد غیرنظامی و مردم عادی خواند. آن‌ها در زمان بازداشت هیچ ربطی به عملیات نظامی نداشتند و به هیچ عنوان اسیر جنگی به حساب نمی‌آمدند. این کارشناس شهادت داد که با توجه به قوانین کیفری بین‌المللی و عرفی و مقایسه و تطبیق آن با قوانین داخلی سوئد، این کشور می‌تواند افراد با تابعیت کشورهای دیگر را پای میز محاکمه کشانده و محکوم کند.^{۲۶۶}

پروفسور مارک کلمبری، شاهد نوبت بعد از ظهر

هشتادوسومین جلسه دادگاه حمید نوری، متهم به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت روز چهارشنبه هفدهم فروردین ۱۴۰۱ برابر با ششم آوریل ۲۰۲۲ با حضور دو کارشناس-شاهد؛ اوه برینگ در نوبت صبح و «مارک کلمبری» در نوبت بعد از ظهر در استکهلم سوئد برگزار شد.

دادگاه در نوبت بعد از ظهر با حضور پروفسور مارک کلمبری، یکی دیگر از کارشناسان این پرونده برگزار شد. این شاهد در معرفی خود توضیح داد که دکترای دانشگاه خود را در حوزه حقوق بشر گرفته است و در حال حاضر استاد دانشگاه است.

پلیس سوئد از مارک کلمبری خواسته بود تا با تحقیقات خود به این پرسش پاسخ دهد که آیا اعدام زندانیان در سال ۱۳۶۷ می‌تواند مصداقی از «جنایت علیه بشریت» باشد یا خیر. شاهد در آغاز توضیح داد که در کنار دو گزارش «اسرار آغشته به خون» سازمان عفو بین‌الملل و «جفری رابرتسون» که از سوی پلیس سوئد در اختیار او قرار داده شد، خود او نیز

شخصا به تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه دست زده است. مارک کلمبری گفت که حقوق افراد عادی و غیرمسلح در حالت درگیری مسلحانه بین‌المللی بر اساس قوانین بین‌الملل، به‌ویژه قوانین مربوط به سال ۱۹۴۹ و قوانین داخلی سوئد تعیین شده است. این قوانین در حوزه‌هایی مانند جنگ‌های [زمینی و هوایی] بین کشورها، جنگ‌های دریایی، اسیران جنگی و شهروندان غیرنظامی تدوین شده است. شاهد گفت به این قوانین، قوانین عرف یا قوانین «سابقه قضایی دولتی» گفته می‌شود که در ارتباط با دولت‌ها اعمال می‌شوند. شاهد اضافه کرد اگرچه ایران [از ابتدا] جزو امضاکنندگان پروتکل الحاقی یک نبوده، اما همچنان می‌توان به آن قوانین [در دادگاه سوئد] استناد کرد. مارک کلمبری گفت: «نکته مهم این است که مشخص کنیم آیا این در شمار جنگ مسلحانه محسوب می‌شود و اگر هست آیا این افراد اسرای جنگی محسوب می‌شوند یا نه. در کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد اسرای جنگی تعریفی وجود دارد و باید با آن‌ها با شیوه مناسب و محترمانه‌ای رفتار بشود و پس از پایان جنگ نیز آزاد شوند. بر این اساس افرادی که سرباز نبودند، اما در جنگ شرکت کرده‌اند هم اسیر جنگی محسوب می‌شوند.»

مارک کلمبری در مورد زندانیان اعدام شده در سال ۱۳۶۷ تشریح کرد که با آن‌ها به نادرستی رفتار شده است و شیوه غلط رفتار با آن‌ها به حدی بوده که حتی این افراد اعدام شده‌اند. او گفت که «این افراد ربطی به جنگ ایران و عراق نداشتند. آن‌ها سال‌ها زندانی بودند و قوانین حقوقی موضوعه شامل حال آن‌ها بوده است. شاهد اعلام کرد که بر اساس استنتاج او، این افراد «اسیر جنگی» تلقی می‌شوند.»

مارک کلمبری گفت: «حتی زندانیان جنگی هم حق و حقوقی دارند و باید با آن‌ها رفتار شایسته‌ای صورت گیرد. این حتی اگر مشخص شود که این افراد متعلق به طرف مقابل درگیری هستند، کارآیی دارد و به‌نظر من یک حفاظت و امنیت حداقلی برای همه زندانیان الزامی است. آن‌ها اگر دادگاهی می‌شوند باید پرونده‌های دادگاهی منصفانه و دقیق شامل حال آن‌ها شود. این بخشی از قوانین حقوقی عرفی است.»

مارک کلمبری گفت که «بر اساس قوانین حتی در صورت درگیری غیربین‌المللی هم همچنان باید حداقل محافظت [از زندانیان] به‌عمل آید. یعنی شکنجه، آزار و اعدام آن‌ها ممنوع است. او گفت در بحث قوانین بین‌المللی بین درگیری‌های بین‌المللی و غیربین‌المللی شکاف و فاصله‌ای وجود دارد که این فاصله می‌تواند با قواعد موضوعه و عرف پر شود.»

مارک کلمبری به توضیح روند قضایی در جنگ و تغییرات آن در کشورها و نقش صلیب سرخ در تغییر قوانین حدودا هفتاد کشور جهان پرداخت. او گفت که «روند قضایی، اولین روند قضایی بود که نوع رفتار کشورها در جنگ‌ها مخصوصا در جنگ‌های داخلی را مشخص می‌کرد.» او افزود که روند قضایی اما مداخلت ندارند چون دولت آن‌ها را تبیین می‌کنند.

به گفته این کارشناس و شاهد دادگاه «جنایت علیه بشریت» در قوانین سوئد در سال ۱۹۹۵ شامل مرور زمان می‌شود و زودترین زمانی که می‌توان به آن استناد کرد همان سال است، اما برداشت کارشناسی او آن است که به هر حال پیش‌تر نیز این نوع رفتار با زندانیان و اعدام آن‌ها، جرم محسوب می‌شده است.»

مارک کلمبری توضیح داد که در مجموع با توجه به تغییر قوانین داخلی بسیاری از کشورها و امتزاج بسیاری از قوانین عرفی به حوزه قوانین بین‌المللی و کامل‌تر شدن آن‌ها، «امکان محاکمه متخلفین و صدور حکم علیه آن‌ها بیش‌تر شده است.»^{۲۶۷}

از دیگر کارشناسان «محمد اولیایی فرد، حقوق‌دان در امور حقوقی که به عنوان کارشناس در این پرونده شهادت داده، در رابطه با مواردی که در این کیفرخواست مطرح شده است، می‌گوید: «تقریبا در همه پرونده‌های کیفری، مواردی که در کیفرخواست ارائه می‌شوند، شامل همین موارد هستند؛ اثبات وقوع جرم، تایید هویت متهم، اثبات ارتکاب جرم توسط متهم، بررسی روند حقوقی و مجازات پیشنهادی. چیزی که در این دادگاه اهمیت دارد، این است که هیات دادستانی از همان بدو امر قانع شده بود که این فرد همان کسی است که این جرایم را مرتکب شده است.» این وکیل دادگستری با اشاره به این‌که بازداشت موقت طولانی مدت، آن‌هم نزدیک به دو سال در سیستم قضایی کشور سوئد کار ساده‌ای نیست، می‌گوید: «اگر غیر از این بود که دادستان‌ها در مورد گناهکاری حمید نوری مطمئن باشند، اساسا بازداشتی صورت نمی‌گرفت و یا تمدید نمی‌شد. بنابراین، صدور این کیفرخواست و درخواست اشد مجازات از سوی تیم دادستانی به باور من موضوع قابل پیش‌بینی بود.» محمد اولیایی فرد در پاسخ به این پرسش که آیا درخواست‌های هیات دادستانی پذیرفته خواهند شد یا نه، می‌گوید: «واقعیت این است که قضات الزامی برای پذیرش این کیفرخواست ندارند. به

همین سبب، شادمانی برای این کیفرخواست کمی زود هنگام است. نکته مهم در این مقطع، رای قضات است. به باور من، اگر وثیقه پذیرفته بشود، شاید بتوان گفت توافقات پشت پرده سیاسی در این پرونده رخ داده که در نهایت منجر به آزادی و فرار حمید نوری می‌شود.» برای خانواده‌های دادخواه و شاهدان این پرونده، این‌که گفته‌های آن‌ها از سوی دادستان قابل اعتماد و باور توصیف شد و او تایید کرد که حمید نوری همواره در تماس‌ها و پیام‌هایش خود را حمید عباسی معرفی می‌کرده، همچنین این‌که تایید شده پیش از سفر به سوئد، بخشی از اطلاعات تلفن همراه خود را «آگاهانه» حذف کرده است، شادی‌آور بود. بیش از ۳۰ سال بود که در انتظار چنین روزهایی بودند. محمد اولیایی فرد، کارشناس حقوقی این پرونده با ابراز امیدواری از این‌که تقاضای حبس ابد برای حمید نوری پذیرفته شود، می‌گوید: «اگرچه هر حکمی که صادر شود، چه اشد مجازات و چه ۱۵ یا ۲۰ سال حبس، گام بلندی برای جنبش دادخواهی است مهم این است که چنین پرونده‌ای به محکومیت برسد. اما باید توجه داشته باشیم که پیچیدگی‌های مناسبات سیاسی دولت‌ها و توافقات پشت پرده در خصوص چنین پرونده‌هایی اگر از خود پرونده پیچیدگی بیشتری نداشته باشند، کم‌ترهم نیستند. بنابراین همه چیز به حکم نهایی بستگی دارد و باید منتظر بود.»^{۲۶۸}

۱- که منجر به آزادی و فرار حمید نوری خواهد شد

۲- کارشناس - شاهد این جلسه، پروفیسور جان کلفنر، در نوبت صبح و «سالی لانگورث»، در نوبت بعد از ظهر در برابر دادگاه شهادت دادند.

جان کلفنر، کارشناس - شاهد جلسه صبح

بنا به اعلام توماس ساندر، قاضی دادگاه در آغاز جلسه، پروفیسور جان کلفنر به درخواست دادستان‌ها برای تحلیل و طبقه‌بندی نوع درگیری میان حکومت جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق در عملیات فروغ جاودان و مرصاد در دادگاه حضور یافت. نظریه حقوقی این کارشناس در بیست و چهارم آوریل ۲۰۲۰ در اختیار دادستان‌های پرونده قرار گرفته بود.

۲۶۸- ادامه نظریه حقوقی محمد اولیایی فرد در خصوص قانون مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری و دیه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و [مواد ۴۴۸ و ۴۴۹] تفاوت بین دیه و ارش در کتاب چهارم دیات، بخش اول/ مواد عمومی.

پروفسور جان کلفنر با معرفی خود توضیح داد که ده سالی است در مدرسه عالی دفاع سوئد در زمینه حقوق بین الملل مشغول به کار است. طی بیست سال گذشته مقالاتی را در زمینه درگیری های مسلحانه منتشر کرده و در همین زمینه تدریس هم می کند.

پروفسور جان کلفنر از سوی پلیس سوئد مامور شده است تا اطلاعات دریافتی به پلیس سوئد در ارتباط با این پرونده را بررسی کند. اطلاعات دریافتی او شامل این موارد است: «گزارش جفری رابرتسون گزارش عفو بین الملل به نام «اسرار به خون آغشته» یک مجموعه پاورپوینت شامل فایل ها و اسلایدهای دیجیتال. اطلاعات دریافت شده از دایره المعارف روی وب معروف به ویکی پدیا.»

از پروفسور جان کلفنر خواسته شد تا نظر کارشناسی خود را در دو حوزه به دادگاه ارائه دهد: «راستی آزمایی در مورد تحقق یا عدم وقوع درگیری مسلحانه میان جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق در بازه زمانی اعدام های دسته جمعی در زندان های ایران و تحلیل و قضاوت در مورد نوع درگیری احتمالی بین این دو طرف و تشخیص نوع آن اعم از این که مسلحانه بین المللی یا مسلحانه غیر بین المللی است.»

جان کلفنر در این جلسه شهادت داد با توجه به مدارک و ارزیابی طرفین درگیری به این نتایج رسیده است که: «درگیری مسلحانه بین دو کشور یا بیشتر، درگیری مسلحانه بین المللی است. درگیری بین گروه های مسلح سازمان یافته با هم یا با دولت، درگیری مسلحانه غیر بین المللی است. درگیری مسلحانه غیر بین المللی حتی می تواند در خاک دیگری غیر از خاک دولت درگیر مخاصمه صورت بگیرد. البته باید ویژگی های چنین درگیری کاملاً روشن و قابل لمس باشد و به دقت بررسی شود.»

جان کلفنر ضمن تاکید به این که نظر طرفین در تعیین نوع درگیری مهم نیست، گفت نکته بسیار مهم، توجه به قوانین بین الملل در زمان وقوع درگیری های مسلحانه است که بر اساس آن ها باید از جان مردم عادی و غیر نظامیان و اسرا - حتی پس از پایان درگیری ها - محافظت شود و صدمه به قربانیان ممنوع و قابل پیگرد خواهد بود. شاهد گفت که با وجود این که درگیری مسلحانه بین دو طرف هنوز تمام نشده بود، اما باید در مورد زندانیان اعدام شده نیز این حقوق رعایت می شد. جان کلفنر شهادت داد که بر اساس تحقیقات او، سازمان مجاهدین یک سازمان نظامی است و عملیات فروغ جاویدان (مرصاد)، عملیاتی مشخص، روشن، سازماندهی شده و بزرگ بود. سازمان مجاهدین در عملیات خود از حمایت

نیروی هوایی و توپخانه عراق برخوردار بوده است و عراق به اعضا سازمان مجاهدین خلق تمرین نظامی داده است.^{۲۶۹} بر اساس «بخشنامه ۴۰ سازمان اطلاعات عراق»، بین سازمان مجاهدین و عراق همکاری دو جانبه و هماهنگی های مشترکی در زمان حمله به ایران وجود داشته است. شاهد گفت که این هماهنگی ها به اصطلاح در سطح حداقل «کنترل کلی» صورت گرفته است و در این مورد بخصوص با «کنترل موثر» فرق دارد.^{۲۷۰} جان کلفنر شهادت داد که این عملیات را می توان درگیری میان یک گروه سازمان یافته مسلح و دولت دانست و آن را درگیری مسلحانه غیربین المللی تلقی کرد؛ درگیری که در آن خشونت از هر دو طرف اعمال شده است. این کارشناس - شاهد گفت که این را هم باید در نظر گرفت که اگر در یک درگیری نشانه های هر دو نوع درگیری - بین المللی و غیربین المللی - شناسایی شود، می توان گفت که یک درگیری مسلحانه بین المللی همزمان می تواند یک درگیری مسلحانه غیربین المللی نیز تلقی شود یا برعکس. جان کلفنر تاکید کرد که همکاری اطلاعات عراق با مجاهدین در «بخشنامه ۱۴» درج شده، اما او نمی تواند صحت آن اطلاعات را تایید کند. شاهد گفت قضاوت در مورد نوع درگیری یا صحت نظریه اش در این پرونده مستقیماً به موثق بودن مدارکی بستگی دارد که در اختیارش قرار داده شده است.

کنت لوییس، وکیل مشاور شاکیان عضو سازمان مجاهدین خلق با مورد پرسش قرارداد صحت اطلاعات و مدارکی که در اختیار این کارشناس قرار گرفته و در نهایت قضاوت وی در مورد آموزش نظامی عراقی ها به مجاهدین خلق، از او خواست در مورد وقوع جنایت جنگی در این پرونده نیز نظر بدهد. شاهد گفت که بر اساس قانون در هر نوع درگیری مسلحانه، اعم از بین المللی یا غیربین المللی، باید موضوع کشته شدن قربانیان به موجب (چارچوب الگوی) «کشتار جمعی» مورد بررسی قرار گیرد.^{۲۷۱}

۲۶۹- معرفی پروفسور جان کلفنر کارشناس حقوق بین الملل.

۲۷۰- استناد جان کلفنر به بخشنامه شماره ۴۰ سازمان اطلاعات عراق در خصوص کنترل کلی و کنترل موثر.

۲۷۱- کنت لوییس، وکیل مشاور شاکیان عضو سازمان مجاهدین خلق و ارائه نظریه کارشناسی خود در خصوص درگیری مسلحانه، اعم از بین المللی یا غیربین المللی.

سالی لانگورث، کارشناس - شاهد جلسه بعد از ظهر

سالی لانگورث، کارشناس بعدی دادگاه در نوبت بعد از ظهر بود. پلیس سوئد پیشتر با در اختیار قراردادن مدارک پرونده از او خواسته بود تا ضمن بررسی شواهد، نظر مثبت یا منفی خود را نسبت به نظریه جان کلفتر، شاهد نوبت صبح دادگاه ابراز دارد. این کارشناس با معرفی خود به عنوان دانشجوی دکترا در دانشگاه استکهلم در حوزه حقوق بشر بین‌المللی خاطر نشان کرد که با تمرکز بر روی حقوق بین‌الملل و درگیری‌های مسلحانه تحقیق می‌کند. سالی لانگورث گفت که با توجه به مدارک و اسناد و همچنین میزان و عمق درگیری [دو طرف] در سال ۱۳۶۷ به آن حد از شرایط درگیری مسلحانه رسیده بودند که بتوان گفت درگیری آن‌ها بین‌المللی بوده است. او گفت شرایط درگیری مثلا در «چلچراغ» با «فروغ جاودان» متفاوت بوده و هرکدام باید جداگانه مورد کنترل و ارزیابی قرار گیرند. او گفت مجاهدین در عملیات حمایت هوایی شده‌اند، اما در فروغ جاودان نوع پشتیبانی، مخصوصا پوشش هوایی تغییر کرده است. بر اساس برخی مدارک عراق و مجاهدین نیروهای مشترک استفاده کردند و بنظر می‌رسد در عملیات فروغ جاودان ضمن درگیری نیروهای زمینی، نیروهای هوایی از آن‌ها پشتیبانی به عمل آورده‌اند. او گفت که به طور کلی، در نوع پشتیبانی به عمل آمده در عملیات مختلف، تفاوت وجود دارد. سالی لانگورث با اشاره به وجود منازعه میان ایران و عراق در آن وقت، نتیجه گرفت که هر دو نوع درگیری بین‌المللی و غیربین‌المللی [به صورت همزمان] در جریان بوده است.

در این قسمت نیز کنت لوییس، وکیل مشاور شاکیان عضو سازمان مجاهدین خلق ضمن تاکید بر این‌که نماینده حقوقی مجاهدین است، صحت و میزان اطلاعات داده شده به کارشناس را زیر سوال برد و گفت مجاهدین قبول دارند که به خاطر ضرورت و اجبارشان برای حضور در خاک عراق، هماهنگی‌هایی بین آن‌ها و نیروهای نظامی عراق وجود داشته، اما هیچ نیروی نظامی زمینی عراقی در عملیات چلچراغ حضور نداشته است. کنت لوییس در مورد عملیات فروغ جاودان نیز توضیح داد که مجاهدین می‌گویند نیروهای هوایی عراق شاید اوایل عملیات آن‌ها را زیر نظر داشته‌اند اما حمایت‌شان نکرده‌اند. مجاهدین می‌گویند نیروهای عراقی حتی یک گلوله هم شلیک نکردند. او با طرح این مطالب، تحلیل نظریه این کارشناس در مورد هماهنگی‌های بین دو طرف و «کنترل کلی» عراق در عملیات را نیز رد کرد. سالی لانگورث تاکید کرد که تحلیل‌هایش بر اساس مستندات استوار بوده که در اختیارش

قرار گرفته و خود او نیز امیدوار بود تا مطالب و منابع بیشتری را برای بررسی در اختیار داشته باشد. شاهد با بیان این‌که در نهایت قضاوت بر عهده دادگاه خواهد بود، به رفتار با افراد غیرنظامی یا کسانی که از منازعه مسلحانه در دوران درگیری دست کشیده‌اند اشاره کرد و گفت که ماده سه کنوانسیون ژنو مشخص کرده که باید با این افراد بر پایه قوانین حقوق بشر برخورد شود. او گفت برخی چیزها مجاز و برخی چیزها ممنوع هستند. لانگورث با اشاره به این‌که حتی بر اساس پروتکل الحاقی شماره دو باید کسانی که در جریان درگیری‌ها زندانی و اسیر شده‌اند نیز مورد حمایت قرار بگیرند، گفت که در هر صورت و به استناد قانون حق و حقوق مردم و افرادی که سلاح‌های خود را زمین گذاشته‌اند باید در هر نوع درگیری کاملاً مورد محافظت قرار بگیرند.^{۲۷۲}

اریک داوید

در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۲۲ / ۴ فروردین ۱۴۰۱ جلسه‌ای تشکیل و «اریک داوید»، پروفیسور حقوق کیفری بین‌المللی برای ارائه نظریات کارشناسی از سوی کنت لوییس، وکیل مشاور شاکیان عضو سازمان مجاهدین خلق به دادگاه دعوت شد. کنت لوییس در جلسه قبلی دادگاه گفت که این فرد فرانسه زبان است و به زبان فرانسوی شهادت و اظهاراتش را بیان خواهد کرد. در پایان جلسه قبلی (۳ فروردین) اعلام شد در جلسه امروز بخشی به ادامه پرسش‌های وکلای حمید نوری از «شادی صدر»، از مدیران سازمان عدالت برای ایران اختصاص خواهد داشت که به عنوان شاهد به اسنادی استناد نمود که بنابر اظهار دادستان آن اسناد ادعایی شاهد، جزو ادله، مدارک و اسناد موجود در پرونده نبوده و با اعلام قاضی دادگاه وکیلان مدافع حمید نوری اعلام کردند که پرسش بیشتری از شادی صدر ندارند (!) و به همین دلیل او امروز در دادگاه حاضر نخواهد شد. دادگاه امروز رسیدگی به اتهام‌های حمید نوری در نوبت صبح اما با استماع اظهارات و شهادت اریک داوید آغاز شد. او برابر اعلام قبلی، شهادت و اظهاراتش را به زبان فرانسه ادا کرد. پیش از آغاز شهادت این حقوق‌دان

۲۷۲- سالی لانگورث، دانشجوی دکترا در حوزه حقوق بشر بین‌المللی کارشناس حقوقی، و تحلیل وی در مورد تفکیک نوع درگیری.

به عنوان فرد مطلع و صاحب نظر درباره وقایع سال ۱۳۶۷ از منظر حقوقی، رئیس دادگاه، توماس ساندر توضیحاتی درباره این شهادت و نحوه ترجمه آن به سوئدی و فارسی داد. او سپس به شاهد خوش آمد گفت و اعلام کرد این شاهد به دعوت و فراخوان کنت لوییس در دادگاه حاضر شده است. او خودش را به شاهد معرفی کرد و پس از رفع مشکلات فنی مربوط به مترجم‌ها، درباره نظریه اریک داوید درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ توضیحی مقدماتی داد و گفت که این نظریه حقوقی است و به نظر او در اسناد دادگاه استناد شده و کنت لوییس درباره آن پرسش‌هایی دارد.

رئیس دادگاه پس از این توضیحات اولیه و معرفی طرفین دعوی حاضر در دادگاه، از کارشناس-شاهد خواست تا سوگند شهادت یاد کند. بعد از ادای سوگند شهادت از سوی اریک داوید، قاضی ساندر برای او توضیح داد که در پی این سوگند چه بار حقوقی‌ای بر عهده خواهد داشت. او گفت که شاهد بر اساس شهادتش زیر بار مسئولیت کیفری خواهد بود و ملزم است حقیقت را بگوید. در ادامه جلسه و پس از آغاز ضبط صدا و تصویر، کنت لوییس طرح پرسش‌های خود از اریک داوید را آغاز کرد. او پس از طرح مقدمات از اریک داوید به عنوان پروفیسور نام برد و از او خواست تا به طور مختصر خودش را معرفی کند و از تحصیلات عالی و دانشگاهی‌اش بگوید. اریک داوید در پاسخ به این پرسش چنین گفت:

«من پروفیسور بازنشسته هستم در زمینه حقوق. ولی در اصل من هم مانند خیلی از بازنشسته‌های دیگر هنوز فعالیت دارم و کار می‌کنم. تدریس می‌کنم در زمینه درگیری‌های مسلحانه و هنوز هم از من دعوت می‌شود - از طرف کسی که بعد از من آمده و جانشینم شده - تا بروم و سمینار بگذارم. افزون بر این من مرتب خودم را به روز می‌کنم و اطلاعات جدید یاد می‌گیرم در این مورد و در زمینه حقوق عمومی بین‌المللی و مجازات‌های قانون کیفری بین‌المللی. این را هم باید بگویم که خیلی موجب افتخار بوده است که دعوت شده‌ام به اینجا. در چارچوب روند حقوقی اروپایی، من که به واسطه شغلم از موضوع آگاه هستم (بر اساس قانون و بخشنامه‌ای که از سال ۲۰۱۴ در اروپا لازم‌اجرا شده)، برای من خیلی کار و تجربه مهم و بزرگی ست که به این جا آمده‌ام. من نمی‌دانم که با چه شروع کنم. آیا توضیح کوتاهی بدهم درباره نظریه‌ام که برای شما فرستاده‌ام؟»

کنت لوییس: «آن را من می‌پرسم. ما نظریه و شهادت شما را در کل به سه قسمت تقسیم بندی می‌کنیم. در قسمت اول من می‌خواهم شما خلاصه آنچه در نظریه خودتان بیان کرده‌اید، بگویید. در مورد قضاوت مدرن و همین‌طور این پرونده که آیا می‌توان آن را به عنوان اختلاف بین‌المللی به حساب آورد یا درگیری ای غیر بین‌المللی است. بعد از آن سوال‌های خاصی می‌کنم درباره نظر خودت که چه قوانینی در این مورد صدق می‌کند. آیا این برای شما مناسب است؟ پس به این ترتیب شروع می‌کنیم. لطفا اول خلاصه و چکیده حرف‌های خودتان (قسمت‌های مهم آن) را بگویید.

اریک داوید در پاسخ به پرسش کنت لوییس خواست تا تصویری بر روی پرده نمایش نشان داده شود. پس از ظاهر شدن تصویر مورد نظر بر روی پرده‌های نمایش دادگاه، این کارشناس - شاهد اظهاراتش را به این ترتیب ادامه داد:

«من اول با نوع درگیری بین مجاهدین خلق و رژیم ایران شروع کنم. این درگیری کاملاً آشکار است و از نظر من درگیری غیر بین‌المللی حساب می‌شود. درگیری باید به صورت باز باشد و این دشمنی‌ها باید در مورد دو طرف باشد که هر دو طرف اعلام جنگ کرده باشند. طرفینی که مسئولیت دارند و نمی‌شود شناسایی‌شان کرد. در مورد شرط اول، این دشمنی باید به شکل آشکار باشد. بر اساس آنچه روشن شده و به گوش ما رسیده، در ماه مارس و ژوئن سال ۱۹۸۹ جنگ بود [به نظر می‌رسد ترجمه دقیق نباشد و سال مورد نظر، ۱۹۸۸ باشد] و مجاهدین در عراق با رژیم ایران در جنگ بودند. این وضعیت معمول و رایج بوده است و اگر به پروتکل یک / چهار کنوانسیون ژنو نگاه کنیم - پروتکل الحاقی که در (سال ۱۹۷۷) تصویب شده - و کنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) و پروتکلی که در مورد درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی به آن استناد می‌شود، ... منطقه حذف می‌شود و این‌ها اقدامات خشونت‌آمیزی هستند که ایزوله هستند و تنها برای خودشان هستند [ترجمه یا گفته‌ها چندان مفهوم نیست]. آن حقایقی که من به آن‌ها اشاره می‌کنم و در سال ۱۹۸۸ اتفاق افتادند، واجد شرایط تمام آن شروطی

هستند که برای درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی در نظر گرفته شده‌اند. درست همان‌طور که در آن پروتکل الحاقی (سال ۱۹۷۷) توضیح داده شده است. این شروط تحقق در مورد این است که دشمنی آشکار از هر دو طرف نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد. شرط تحقق دوم این است که این دشمنی‌ها باید از طرفین مسئول قابل شناسایی باشد. این شرط دوم بود و در این مورد این بود که نیروهای دولت ایران در این طرف و مجاهدین خلق در آن طرف بودند. از لحاظ حقوقی این سازمان (سازمان مجاهدین خلق) شناخته شده بود و شخصیتی حقوقی داشت. این سازمان به عنوان یک سازمان رسمی پذیرفته شده بود؛ از جمله از طرف یونسکو (سازمان ملل). ...»^{۲۷۳}

اریک داوید در نهایت تأکید کرد که به نظر او درگیری میان جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق، یک درگیری مسلحانه و غیربین‌المللی بوده است. او در ادامه در پاسخ به پرسش بعدی کنت لوییس که درباره سابقه درگیری جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق پیش از سال ۱۹۸۸ پرسید، گفت:

«اختلافاتی بوده و این درگیری‌ها و اختلاف‌ها از زمان سرنگونی شاه آغاز شده بود. مجاهدین از هر دو طرف سرکوب شدند...»

اریک داوید در بخش دیگری از اظهاراتش در پاسخ به سوالات کنت لوییس گفت: «برای لحظه‌ای ما رفتیم به این‌که جنگ و درگیری مسلحانه غیربین‌المللی وجود داشته است. می‌توان گفت یک مینی‌کنوانسیون هم در این مورد وجود دارد و چهار قانون هم در این مورد صدق می‌کند: یکی این‌که کشتن ممنوع است. دیگری ممنوعیت رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده است. بعد ممنوعیت صدور حکم از طرف دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارد. همین‌طور گرفتن اسیر (گروگان‌گیری). این قوانین خیلی

۲۷۳- اریک داوید، کارشناس، پروفیسور حقوق کیفری بین‌المللی و نظریه وی در خصوص مواردی چون.

قاطع و مصمم درباره درگیری های مسلحانه غیرین المللی صحبت می کنند.
 این موارد از سال ۱۹۸۹ هم صدق می کردند.»
 کنت لوییس: «اما ما درباره سال ۱۹۸۸ صحبت می کنیم.»
 اریک داوید: «بله!»
 کنت لوییس: «اما شما مدام می گوئید ۱۹۸۹.»
 اریک داوید: «بله. اگر سوال این بود که از چه زمانی صدق می کرد، از ۱۹۸۹.»
 کنت لوییس: «۸۹ یا ۴۹؟ (سوال و تأکید مترجم درباره ۸۹ یا ۴۹)»
 اریک داوید: «۴۹... ۱۹۴۹.»
 کنت لوییس: «بله! درست است. اگر از ۴۹ صادر شده، ۸۸ هم صدق می کرده
 است.»

اریک داوید در ادامه اظهارات خود گفت:

«پرسش این است که اگر آن ها از قبل با هم درگیر بوده اند [جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق]، این را باید بدانیم تصمیمات و قوانینی که از کنوانسیون (۱۹۴۹) وجود داشته، صدق می کرده و این قوانین مجازات در مورد ماده ۳ هم صدق می کند و مسلما این چنین بوده است.»

اریک داوید از دادگاه خواست تا به مصوبات کنوانسیون ژنو رجوع شود و همین طور مواردی مربوط به سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱: «من دیگر وارد جزئیات نمی شوم اما آنچه مسلم است این است که می خواستند جرایم سنگین را مجازات کنند...» این کارشناس - شاهد سپس به عبارت جرایم جنگی اشاره کرد و گفت: «واضح و آشکار است و تایید شده است که - اگر ما نگاه کنیم به کدگذاری حقوق عرفی ملی که سال ۲۰۰۵ انجام شده - یعنی از همان زمان هم ماده ۱۴۱ و مقررات تایید شده از سوی صلیب سرخ بین المللی، نشان می دهند که قوانین هم مربوط به درگیری های مسلحانه بین المللی هستند و هم درگیری های مسلحانه غیرین المللی. یک رویه و سابقه قضایی هم وجود دارد که من می توانم از کتابی از سال ۱۹۵۶ نقل قول کنم که مربوط به ارتش آمریکا است و همین طور یک مورد مربوط به سال ۱۹۵۸ از ارتش بریتانیا، که نشان می دهند، آشکار و واضح، کدام جرایم به عنوان جرایم جنگی

در درگیری‌های بین‌المللی شناخته می‌شوند. از همه مشخص‌تر این نمونه است که [ترجمه واضح نیست] مربوط به سال ۱۸۳۰ است و درباره درگیری مسلحانه است در جریان جنگ داخلی آمریکا.^{۲۷۴}

پروفسور اریک داوید در بخش دیگری از اظهاراتش به دادگاه تشکیل شده برای جرایم و جنایت‌ها در جنگ یوگسلاوی اشاره کرد و گفت: «بر اساس حکمی که در سال ۱۹۹۵ صادر شده و از نظر من به اندازه حکم دادگاه نورنبرگ مهم است، بسیار واضح و آشکار بیان شده که اگر در حین جنگ (درگیری مسلحانه غیربین‌المللی) نقض قانون اتفاق بیفتد، این جرایم به عنوان جرایم جنگی در نظر گرفته می‌شوند. می‌توانم نمونه‌های دیگری بیان کنم اما نمی‌دانم ضرورتی داشته باشد یا نه. به هر حال بر اساس مواردی که گفتم، حقوق مربوط به درگیری‌های مسلحانه روشن است و جرایم مربوط به آن نقض حقوق بشر و جنایت جنگی است. همین موارد در زمان صلح ممکن است به عنوان جرم عادی تلقی شوند.»^{۲۷۵}

اریک داوید در ادامه گفت: «واضح و روشن است که آنچه در سال ۱۹۸۸ در ایران اتفاق افتاده، مشمول همین تفسیری است که من الان ارائه کردم. یعنی جرایم جنگی محسوب می‌شوند.»^{۲۷۶}

کنت لوییس: «ما بحثی در این زمینه در سوئد داریم که الان برایتان می‌گویم. یک پروفسور در حقوق بین‌الملل، عقیده دارد که وقتی اول صلیب سرخ بین‌المللی مطالعات گسترده خودش را درباره حقوق متعارف بین‌المللی انجام داد، آن وقت آدم می‌توانست بگوید که این تبدیل به حقوق متعارف بین‌المللی شده است [ترجمه نامفهوم]. شما الان دارید به کتاب‌های راهنمای عملیات نظامی اشاره می‌کنید، به ماجرای تادیچ در سال ۱۹۸۸

۲۷۴- کنوانسیون ژنو ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱، حقوق عرفی ملی (۲۰۰۵) و ماده ۱۴۱ مقررات صلیب سرخ بین‌المللی، کتاب ۱۹۵۶ در خصوص رویه و سابقه قضایی. این کتاب در باره وضعیت ارتش آمریکا است.

۲۷۵- همچنین تحلیل و نظریه کارشناسی اریک داوید در خصوص اهمیت دادگاه نورنبرگ و حکم صادره (۱۹۹۵) درباره جرایم و جنایات در جنگ یوگسلاوی.

۲۷۶- نظریه کارشناسی اریک داوید، مبنی بر جرایم جنگی در رخداد‌های ۱۳۶۷/۱۹۸۸.

اشاره می‌کنید... دیگر چه وجود دارد که بتواند به ما نشان بدهد در نبردهای مسلحانه غیربین‌المللی هم بایستی قوانین جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی رعایت شود؟ می‌توانید در این مورد مثالی بزنید؟^{۲۷۷}

اریک داوید پاسخ داد: «از یک طرف در مورد تادیب موضوع مهمی وجود دارد. در دادگاه استیناف مربوط به جرایم بین‌المللی مرتبط با تادیب، نوشته شده است که مقرراتی در این مورد وجود ندارد و در واقع دادگاه در این مورد سکوت کرده است. اگر به مقررات مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی هم نگاه کنیم، ممکن است مقررات آشکاری به چشم نیاید که بشود درباره وقایع سال ۱۹۸۸ در ایران واضح به آن‌ها استناد کرد. نه این‌که وجود نداشته باشد. نه! این‌طور نیست... یک مثال خیلی مهمی در این مورد وجود دارد. اگر به جنگ دوم جهانی فکر می‌کنیم، می‌دانیم که آن یک جنگ و نزاع مسلحانه بین‌المللی بود. اما اگر به جرایم جنگی رخ داده در آن جنگ فکر کنیم که بعد از آن جنگ مورد قضاوت قرار گرفتند، از دادگاه‌های متحدین یا به عنوان مثال دادگاه‌های نزدیک سوئد - دانمارک یا نروژ - را اگر نگاه کنیم، آن‌جا می‌بینیم آدم‌هایی محاکمه و محکوم شده‌اند که جرایم جنگی انجام داده‌اند. با وجود این‌که در قوانین جزایی این کشورها کلمه‌ای در مورد جرایم جنگی وجود نداشت اما متهمان را دادگاهی و محکوم کردند. فقط جرایم معمولی در این کشورها تعریف شده بودند اما دوباره از آن‌ها استفاده شد [ترجمه نامفهوم]... این الان مثال مهمی بود که برای شما زدم. سکوت یک متن حقوقی؛ این‌که در متنی گفته نشده، معنایش این نیست که مقررات وجود ندارد. یک ارتباطی میان حقوق ملت‌ها و حقوق بین‌الملل وجود داشته. یا به عبارت دیگر این‌طور برای شما بگویم که قوانین بین‌المللی بر اساس واقعیت‌ها شکل گرفته بود و گرچه در قوانین داخلی نبود اما مورد استناد و قضاوت قرار گرفت. این دادگاه‌ها اصلاً درباره استفاده از اصطلاح «جنایت جنگی»

تردید نکردند و با وجود این که یک کلمه هم در مورد آن وجود نداشت [احتمالاً منظور در قوانین داخلی خودشان است]، آن را به کار بردند.^{۲۷۸} فکر می‌کنم که مثال خیلی واضحی برایتان زدم. حتی اگر ادعا شود که آن موقع مقرراتی برای استناد به آن وجود نداشته، در جریان درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی در سال ۱۹۸۸ مقرراتی که جاری و ساری هستند، برقرارند و بر قوانین عادی تفوق دارند...»

کنت لوییس: «بیباید گفته‌های شما را خلاصه کنیم. آیا منظور شما این است که اگر ماده مشترک شماره ۳ مربوط به کنوانسیون ژنو - تمام کنوانسیون‌ها - در جریان منازعات نظامی غیر بین‌المللی زیر پا گذاشته شود، می‌توان بر اساس همان کنوانسیون ژنو، خاطیان را محاکمه و مجازات کرد؟»^{۲۷۹} اریک داوید: «دقیقا!»

کنت لوییس: «من سوالاتم تمام شد. اگر نکته‌ای هست که می‌خواهید به نظر کارشناسی قضایی‌تان اضافه کنید، بگویید لطفا.»

اریک داوید: «تنها چیزی که می‌خواهم اضافه کنم این است که اسناد موجود مربوط به وقایع سال ۱۹۸۸ در ایران، فقط در ارتباط با جرایم جنگی نیستند. یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم که این‌ها تنها جرایم جنگی بوده‌اند. علاوه بر جنایت جنگی باید از این جرایم به عنوان جنایت علیه بشریت نام برد و همین‌طور نسل‌کشی. من نمی‌خواهم وقت دادگاه را بگیرم و خسته‌تان کنم ولی الان نمی‌خواهم جلسه بگذارم و تدریس کنم، اما اگر دوست داشته باشید، می‌توانم برایتان بگویم که این معیارها برای تعیین جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی چه هستند. البته نمی‌خواهم شما را با حرف‌های آکادمیک خسته کنم اما چیزی که می‌خواهم بگویم این است؛ واقعیت‌هایی که در این‌جا وجود دارد... من الان یک جمع‌بندی ایده‌آلیستی از جرایم به شما ارائه کردم. دیگر نکته‌ای ندارم.»

۲۷۸- جرایم جنگی، دادگاه‌های متحدین سوئد، دانمارک و نروژ در جنگ دوم جهانی.

۲۷۹- ماده مشترک شماره ۳ (در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹).

با پایان صحبت‌های اریک داوید، قاضی توماس ساندر، رئیس دادگاه، از دیگر طرفین دعوا پرسید که آیا کسی از این کارشناس-شاهد پرسش دارد یا نه. دادستان‌ها اعلام کردند که چند پرسش دارند اما قاضی گفت که پیش از دادن فرصت برای طرح پرسش‌های آن‌ها، تنفس اعلام می‌کند تا مترجمان قدری استراحت کنند. پیش از آغاز وقت تنفس اما قاضی ساندر گفت که می‌خواهد نکته‌ای را به اطلاع حاضران در سالن و طرفین دعوا برساند:

«وکیلان مدافع حمید نوری اعلام کردند که پرسش‌های بیشتری از شادی صدر ندارند و به همین دلیل او امروز در دادگاه حاضر نخواهد شد. به این ترتیب این تنها بازپرسی ما در نوبت صبح جلسه امروز است تا نوبت بعدازظهر.»

پس از این توضیح قاضی توماس ساندر، دادگاه وارد تنفس ۱۵ دقیقه‌ای شد. با پایان زمان تنفس و آغاز دوباره جلسه هفتاد و هشتم دادگاه رسیدگی به اتهام‌های حمید نوری، دادستان‌ها اعلام کردند از پرسیدن سوال از اریک داوید، کارشناس-شاهد جلسه امروز منصرف شده‌اند. به این ترتیب قاضی توماس ساندر با اعلام ختم پرسش و پاسخ از اریک داوید و پایان ضبط صدا و تصویر، از او بابت حضور در این جلسه تشکر کرد. این پروفیسور حقوق کیفری بین‌المللی هم از دادگاه بابت دادن فرصت حضور به او، متقابل تشکر کرد. قاضی ساندر سپس به اریک داوید گفت که اگر بابت حضور در جلسه دادگاه طلب دستمزدی دارد، باید درباره آن با کنت لوییس صحبت کند: «سفر خوبی برایتان آرزو می‌کنم و روز خوبی داشته باشید.»

جبران خسارت قربانیان

اساسنامه رم به دیوان اجازه رسیدگی به موضوع جبران خسارت قربانیان را داده است.^{۲۸۰} دادگاه به موجب اساسنامه اختیار دارد تا به درخواست ذینفع و یا تحت شرایطی خاص «راسا»، حدود و میزان هر آسیب یا لطمات وارده بر قربانی و یا در ارتباط با آن را تعیین نماید.

۲۸۰- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بخش جبران خسارت قربانیان و اختیار دادگاه.

به نظر می‌رسد که هدف از «تعیین»، امکان اجرای حقوق قربانیان نزد محاکم ملی باشد. قاعده ۹۷ قواعد دادرسی و ادله، بررسی دستورالعمل‌ها را مقرر می‌کند که به موجب آن دادگاه باید در ارزیابی میزان غرامت را در نظر گیرد:

۱. در نظر گرفتن وسعت و قلمرو هر صدمه، دادگاه می‌تواند در صورت اقتضا بر مبنای غرامت شخصی یا غرامت جمعی و یا هر دو مبنا حکم صادر نماید.
۲. دادگاه می‌تواند به درخواست قربانیان-بازماندگان یا نمایندگان قانونی ایشان و یا به درخواست محکوم علیه و یا به تمایل خود، کارشناسان مناسبی را برای همکاری در خصوص تعیین وسعت و میزان هر خسارت، ضرر یا آسیب وارده اشکال و ابعاد غرامت را تعیین کند. حکم دادگاه در خصوص جبران خسارت باید صریح و دقیق باشد.^{۲۸۱}

توماس ساندر، رئیس دادگاه

با آغاز دیواره دادگاه حمید نوری در روز پنج‌شنبه ۳ مارس / ۴ فروردین، توماس ساندر، رئیس دادگاه پس از صحبت‌های مقدماتی، به محمد اولیایی فرد، حقوق دان و وکیل دادگستری به عنوان کارشناس-شاهد خوش‌آمد گفت. آقای اولیایی فرد که مقیم کاناداست به شکل آنلاین در دادگاه حاضر شد. قاضی پس از ارائه توضیحاتی درباره نحوه عملکرد دادگاه، از این کارشناس-شاهد خواست تا پیش از ارائه گزارش خود درباره نظریه محمد نیری درباره تعیین خسارت در ایران، سوگند شهادت یاد کند. بعد از ادای سوگند شهادت، قاضی ساندر برای اولیایی فرد توضیح داد که به دنبال این سوگند چه بار حقوقی‌ای بر دوش خواهد داشت. در ادامه جلسه و پس از آغاز ضبط صدا و تصویر، پرسش‌های وکیلان مشاور درخواست‌کننده گزارش این وکیل دادگستری، با او در میان گذاشته شد.^{۲۸۲} البته پیش از آن، وکیل مشاور،

۲۸۱- همچنین تعیین میزان خسارت قربانیان بر پایه قاعده ۹۴ قواعد دادرسی و ادله در اساسنامه رم، ماده ۵۰ همچنین ماده ۱۷۵، قواعد دادرسی و ادله، قواعد ۹۴ تا ۹۹. این ایده که دیوان بتواند به ابتکار خود اقدام نماید که البته در آن زمان چالش برانگیز بود. طرفداران این ایده استدلال می‌کردند که قربانیان در بخش‌های توسعه نیافته جهان احتمالاً قادر به اعمال این حق خود نخواهند بود.

۲۸۲- نظریه محمد اولیایی فرد در مورد نظر محمد نیری در خصوص تعیین خسارت در قانون مجازات اسلامی.

«بنکت هسلبری»، درباره قوانین مربوط به درخواست خسارت (دیه و ...) توضیحاتی داد و گفت که این قوانین تغییراتی داشته‌اند. او گفت که در نهایت به سه پرونده مربوط به دادگاه‌های سوئد هم استناد خواهد شد که دادگاه با آن‌ها آشناست. او در ادامه نشانی این پرونده‌ها را در اسناد مربوط به دادگاه نوری داد و در ضمن این توضیحات، گفت که اگر قوانین مورد بحث در ایران مخالف قوانین اروپا و میانی حقوق بشر باشند، آن وقت قانون مورد اشاره او اجازه می‌دهد که به قوانین سوئد استناد شود.

بنکت هسلبری، وکیل مشاور

بنکت هسلبری: «حالا لطفا اول به ما درباره نظریه محمد نیری بگویید که البته به دادگاه تحویل داده شده و آن را خوانده‌اند... ما با تو تماس گرفتیم چون تو می‌دانی این پرونده درباره چیست. می‌دانی که این پرونده [بخش مربوط به دریافت خسارت و غرامت] درباره حال روحی موکلان ماست. در مورد خویشاوندان افرادی که از طرفداران مجاهدین هستند... جان به‌درتردگان و خویشاوندان و نزدیکان این افراد و همچنین افرادی که از گروه‌های چپ‌گرا هستند. کسانی که در زندان گوهردشت بوده‌اند و ما تقاضای درخواست ۴.۸ میلیارد ریال غرامت و خسارت کرده‌ایم؛ به عبارت دیگر و به سوئدی، حدود یک میلیون کرون سوئد. ما تصمیم گرفتیم این درخواست خودمان را بر مبنای دو ماده قانونی بیان کنیم: «یکی قانون دیه و دو ماده قانون مسئولیت مدنی.» شما تا این جا نقطه نظری دارید که بخواهید به ما بگویید؟ می‌توانید قانون مربوط به سال (۱۳۳۹ / ۱۹۶۰) را برای ما توضیح بدهید؟ یعنی آن دو ماده که عنوان کردم چطور در کنار قانون دیه استفاده می‌شود؟»^{۲۸۳}

محمد اولیایی فرد، وکیل دادگستری و حقوق دان به عنوان شاهد

محمد اولیایی فرد: «بله! قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹ / ۱۹۶۰)

است. در تاریخ ۲۷ آپریل تصویب شده. ۲۷ آپریل ۱۹۶۰. این قانون در ۱۶ ماده تصویب شده و زمان تصویب آن مربوط به پیش از انقلاب ایران است اما از آنجا که این قانون بسیار خوب بوده، بعد از انقلاب این را نقض نکردند و تا امروز هم این قانون اجرا می‌شود. همان‌طور که ایشان هم گفتند، ماده یک، دو و سه این قانون، در واقع کامل‌کننده موضوعات درباره ضررهایی است که به یک انسان وارد می‌شود. این یک قانون مترقی است که می‌گوید هر کسی - چه به عمد، چه غیرعمد، چه در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامت کسی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگر انسانی ضرر وارد کند - چه مادی و چه معنوی مسئول جبران خسارت است.^{۲۸۴} «این قانون ضرر مادی و معنوی را در بر می‌گیرد و ضرر معنوی چیزی نیست جز همان آسیب‌های روحی و روانی که به افراد وارد شده است. امروزه - حدود شش سال پیش - در قانون ۲۰۱۴، پس از ۶۰ سال از تصویب این قانون، قانون ۲۰۱۴ آمده و به این ماده قانونی توجه کرده و گفته منظور از ضرر معنوی همان صدمات روحی است. این قانون مورد تایید شریعت اسلام است؛ در قاعده «لا ضرر...» یعنی این‌که...»

بنکت هسلبری: «محمد! سوال این بود که چرا از دو قانون استفاده می‌شود؟»

محمد اولیایی فرد: «اوکی!»

بنکت هسلبری: «و چگونه این دو قانون [دیه و مسئولیت مدنی] را در کنار هم استفاده می‌کنند؟»

محمد اولیایی فرد: «اوکی! این قانون یک قانون عام است. یعنی دربردارنده زیان‌های ناشی از جرم و زیان‌های ناشی از قراردادهاست. قوانین بعدی که می‌آیند در واقع [موضوع] تفکیک می‌شود. این‌جا این قانون می‌خواهد مسئولیت را به عنوان یک موضوع پذیرفته شده کلی مطرح کند...»

بنکت هسلبری: «حالا برویم سراغ قانون دیه. می‌توانید توضیح بدهید که

آن چطور کار می‌کند و چگونه در کنار این قانون قرار می‌گیرد؟»
 محمد اولیایی فرد: «قانون دیه در واقع بیانگر بخش کیفری این قانون
 مسئولیت مدنی است. یعنی آن چیزی که مربوط به جنایت و دیه باشد
 و همچنین مربوط به غیر جنایت و تعهدات، زیر قانون مسئولیت مدنی
 است. این طور می‌خواهم بگویم که قانون دیه با توجه به پذیرش این قانون،
 می‌آید اجرای آن را بر عهده می‌گیرد. یعنی قانون دیه یک بال دیگر جزایی
 قانون مسئولیت مدنی است.»^{۲۸۵}

محمد اولیایی فرد در ادامه در پاسخ به سوال‌های بعدی بنکت هسلبری، وکیل مشاور که
 درباره «دیه مرد مسلمان» سوال کرد و پرسید که آیا این مورد شامل افراد چپ‌گرا هم می‌شود
 یا نه، گفت:

«دقیقا صدق می‌کند. در قانون مجازات اسلامی آمده است هر جنایتی که
 نسبت به فرد غیرمسلمان به وجود بیاید، باید به او دیه پرداخت شود...»
 بنکت هسلبری: «ما برای خویشاوندان قربانیان [موکلانمان] مجاهد و
 چپ‌گرا تقاضای دیه کرده‌ایم. آیا کار درستی انجام داده‌ایم؟»
 محمد اولیایی فرد: «بله! از نظر قانون ایران کاری که شما کرده‌اید کار
 درست و قانونی‌ای بوده و از نظر قانون ایران اعتبار دارد.»

وکیل مشاور، بنکت هسلبری سپس گفت: «[محمد] نیری هم در نظریه خودش در ماده
 شماره ۷۰ به همین صورت نوشته است. شما هم پس این را تایید می‌کنید؟»
 محمد اولیایی فرد: «بله! کاملا.»

بنکت هسلبری: «حالا ما می‌رویم سراغ گروه بعدی. کسانی که از زندان
 گوهردشت جان سالم به در بردند. ما در مورد این افراد به ماده اول قانون
 مربوط به (سال ۱۹۶۰) استناد کرده‌ایم و خواهان اعمال آن شده‌ایم...»
 محمد اولیایی فرد: «کاملا درست است.»

بنکت هسلبری: «و بعد در مورد خود مبلغ، این‌که آیا معقول است یا نه؛ این‌جا نیری در بند شماره ۶۸ می‌گوید می‌توان بیش‌تر از یک دیه درخواست کرد اما ما همان یک دیه را دریافت کرده‌ایم. آیا شما در این مورد نظری دارید؟»

محمد اولیایی‌فرد: «من با نظر آقای نیری موافقم که در این جور مواقع که آرش می‌خواهد تعیین بشود به عنوان یک خسارت نامعلوم قانونی، می‌تواند بیش‌تر از یک دیه هم باشد.»^{۲۸۶}

بنکت هسلبری: «سوالی دیگری که من دارم در مورد نظریه نیری درباره موقعیت‌های پیچیده است (بند شماره ۳۰ نظریه نیری). او گفته در چنین مواردی می‌شود از یک پزشک، گواهی پزشکی دریافت کرد. سوال من از شما این است که آیا این پرونده پیچیده است؟»

توضیح؛ به استناد ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، کتاب چهارم، دیات، بخش اول، مواد عمومی، فصل اول: «ارش، دیه غیرمقدور است که میزان آن در شرع معین نشده است و دادگاه به لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تاثیر آن...»

بنکت هسلبری: «حالا لطفا اول به ما درباره نظریه محمد نیری بگویید که البته به دادگاه تحویل داده شده و آن را خوانده‌اند... ما با تو تماس گرفتیم چون تو می‌دانی این پرونده درباره چیست. می‌دانی که این پرونده [بخش مربوط به دریافت خسارت و غرامت] درباره حال روحی موکلان ماست. در مورد خویشاوندان افرادی که از طرفداران مجاهدین هستند... جان‌به‌دردرندگان و خویشاوندان و نزدیکان این افراد و همچنین افرادی که از گروه‌های چپ‌گرا هستند. کسانی که در زندان گوهردشت بوده‌اند و ما تقاضای درخواست ۴.۸ میلیارد ریال غرامت و خسارت کرده‌ایم؛ به عبارت دیگر و به سوئدی، حدود یک میلیون کرون سوئد. ما تصمیم

گرفتیم این درخواست خودمان را بر مبنای دو ماده قانونی بیان کنیم: یکی قانون دیه و دو ماده قانون مسئولیت مدنی. شما تا این جا نقطه نظری دارید که بخواهید به ما بگویید؟^{۲۸۷}

محمد اولیایی فرد: «سوال را شفاف تر مطرح کنید! آیا منظور شما این است که در این پرونده ضرورت دارد دادگاه خودش تصمیم بگیرد یا این که برای پرونده نظر کارشناسی بگیرد؟ آیا منظور شما این است؟»
بنکت هسلبری: «بله! دقیقا!»

محمد اولیایی فرد در ادامه توضیحات خود در پاسخ به این پرسش گفت: «خیر، گواهی دکتر در این مورد ضرورتی ندارد به این دلیل که مستند قانونی داریم: یکی ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که می گوید در مورد ضرر و زیان مادی و معنوی خود قاضی تصمیم می گیرد. دوم، ماده ۲۱۰ قانون مجازات (۱۹۸۲) که در این مورد می گوید اگر خسارت در قانون مبهم بود، قاضی تشخیص می دهد. من اجازه می خواهم در یک دقیقه دلایل این موضوع را بگویم. آیا می خواهید بشنوید؟»^{۲۸۸}
بنکت هسلبری: «بله! بفرمایید.»

محمد اولیایی فرد: «این که قاضی در مواردی که خسارت در قانون مبهم است، خودش باید تصمیم بگیرد، به سه دلیل است: یکی طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران، تحت عنوان وظیفه قاضی. این اصل می گوید اگر قاضی با موردی مواجه شد که قانون سکوت کرده است، او (قاضی) نمی تواند بهانه کند که چون قانون ساکت است رای صادر نمی کنم! قاضی وظیفه اش این است که رای بدهد و خودش در واقع پیدا بکند آن جریان خسارت را در رای خودش. این وظیفه به عهده کارشناس گذاشته نشده است.^{۲۸۹} دلیل دوم موضوع عدالت و وجدان قاضی است. زمانی که در مورد

۲۸۷- همان منبع.

۲۸۸- همان منبع.

۲۸۹- همان منبع.

خسارت قانون ساکت یا مبهم است، قاضی ترجیح می‌دهد که خودش با نظر خودش رای بدهد تا وجدانش راحت باشد که عدالت برگزار شده است و این ریسک را نمی‌کند که بخواهد موضوع را دست کارشناس بدهد و دلیل سومش قدرت درک و فهم قاضی و تجربه‌اش در طول سالیان است. مسلم است که در یک موضوع مبهم، قاضی قدرت بیشتری دارد که زوایای موضوع را روشن بکند در حالی که کارشناس این قدرت را ندارد و حالا در آخر می‌خواهم به شما بگویم که کارشناسی در ایران یک نهاد کیفری نیست. یعنی جایگاه سازمانی رسمی در نهاد عدالت کیفری ندارد و همچنین جزو دلایل اثبات جرم نیست. به همین دلیل در ماده ۲۶۵ آمده است که حتی در موارد مشخص هم قاضی می‌تواند پرونده را به کارشناس ندهد و شخصا تصمیم بگیرد.»

بنکت هسلبری: «و در خاتمه، آیا نرخ دیه در این چند ساله - از زمانی که ما درخواست داده‌ایم - عوض شده است، نه؟ آیا شما مبلغ و نرخ اخیر دیه را می‌دانید که به چه میزان تعیین شده است؟»

محمد اولیایی فرد: «مبلغ دیه هر سال در روز ۲۱ ماه مارس عوض می‌شود. الان این رقم نزدیک شده است به مبلغ ۹۰۰ میلیون تومان معادل ۹ میلیارد ریال و اگر جنایت در ماه حرام باشد، به اندازه یک-سوم هم به آن اضافه می‌شود، یعنی ماه‌های ممنوع...»

بنکت هسلبری: «دقیقا! این در نظریه نیری هم بود (هست) اما ما [سه وکیل مشاور] تصمیم گرفتیم از آن استفاده نکنیم... من از شما بابت حضورتان ممنونم و دیگر سوالی از شما ندارم.»

قاضی توماس ساندر، رئیس دادگاه: «متشکرم. حالا ببینیم بقیه دست‌اندرکاران و طرفین دیگر دعوا آیا سوالی دارند؟»

کسی سوالی مطرح نکرد و وکیل مدافع متهم، حمید نوری، هم گفت سوالی ندارد اما خواست تا با موکلش مشورت کند. در ادامه جلسه و پس از آغاز ضبط صدا و تصویر، پرسش‌های وکیلان مشاور درخواست‌کننده گزارش این وکیل دادگستری، با او در میان گذاشته شد. البته

پیش از آن، وکیل مشاور، بنکت هسلبری، درباره قوانین مربوط به درخواست خسارت (دیه و ...) توضیحاتی داد و گفت که این قوانین تغییراتی داشته‌اند. او گفت که در نهایت به سه پرونده مربوط به دادگاه‌های سوئد هم استناد خواهد شد که دادگاه با آن‌ها آشناست. او در ادامه نشانی این پرونده‌ها را در اسناد مربوط به دادگاه نوری داد و در ضمن این توضیحات، گفت که اگر قوانین مورد بحث در ایران مخالف قوانین اروپا و مبانی حقوق بشر باشند، آن وقت قانون مورد اشاره او اجازه می‌دهد که به قوانین سوئد استناد شود. اساسنامه رم به دیوان اجازه رسیدگی به موضوع جبران خسارت قربانیان را داده است. دادگاه به موجب اساسنامه اختیار دارد تا به درخواست ذینفع و یا تحت شرایطی خاص «راسا»، حدود و میزان هر آسیب یا لطمات وارده بر قربانی و یا در ارتباط با آن را تعیین نماید. به نظر می‌رسد که هدف از «تعیین»، امکان اجرای حقوق قربانیان نزد محاکم ملی باشد. قاعده ۹۷ قواعد دادرسی و ادله، بررسی دستورالعمل‌ها را مقرر می‌کند که به موجب آن دادگاه باید در ارزیابی میزان غرامت را در نظر گیرد:

۱. در نظر گرفتن وسعت و قلمرو هر صدمه، دادگاه می‌تواند در صورت اقتضا بر مبنای غرامت شخصی یا غرامت جمعی و یا هر دو مبنا حکم صادر نماید.
۲. دادگاه می‌تواند به درخواست قربانیان-بازماندگان یا نمایندگان قانونی ایشان و یا به درخواست محکوم علیه و یا به تمایل خود، کارشناسان مناسبی را برای همکاری در خصوص تعیین وسعت و میزان هر خسارت، ضرر یا آسیب وارده اشکال و ابعاد غرامت را تعیین کند. حکم دادگاه در خصوص جبران خسارت باید صریح و دقیق باشد.^{۲۹۰}

دستیابی دادستان‌ها به مدارک تازه علیه حمید نوری

هشتادوششمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام‌های حمید نوری، به بازپرسی مجدد دادستان‌ها از این متهم بر اساس مدارکی که به تازگی از تلفن همراه او کشف شده، اختصاص داشت. پلیس سوئد موفق شده شماره‌هایی را که حمید نوری پیش از سفر به سوئد پاک کرده

بود، دوباره به دست بیاورد و در میان آن‌ها نام بسیاری از قضات عالی رتبه جمهوری اسلامی دیده می‌شود.^{۲۹۱}

در این جلسه دادستان‌ها بر اساس اسناد جدیدی که از موبایل حمید نوری به دست آمده است، به بازپرسی از او پرداختند. در روزهای گذشته خبر به دست آمدن و ارائه این مدارک جدید اعلام شد و دادگاه نوبت صبح جلسه را به بازپرسی دادستان‌ها از نوری بر اساس این مدارک اختصاص داد. جلسه‌ای که به همین منظور در جدول گنجانده شد. هشتاد و هشتمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران، ۲۵ آوریل در دادگاه جرایم جنگی استکهلم سوئد برگزار شد. قاضی و دادستان‌های پرونده در این جلسه از دادگاه اعلام کردند که به مرحله دفاعیه نهایی و جلسات دادرسی حمید نوری رسیده‌اند. دو دادستان این پرونده در این جلسه، گزارشی کامل از ادعاهای خود و پاسخ به دفاعیات حمید نوری در جلسات پیشین دادند. این دادستان‌ها با استناد به گزارش‌های وزارت خارجه سوئد، گزارش سازمان ملل و سازمان عفو بین‌الملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران استدلال کردند، این گزارش‌ها، ادعای دادستان‌ها مبنی بر تضمین نشدن حقوق و حقوق شهروندان ایران را تایید می‌کند. ساختار سیاسی و قضایی در ایران، از جمله مواردی بود که دادستان‌ها در این دادگاه به آن اشاره کرده و گفتند، سیستم قضایی ایران به گونه‌ای ایجاد شده تا بتواند همه را تحت کنترل داشته باشد. این دادستان‌ها با ارائه برآوردی از رفتار حمید نوری در طول جلسات دادگاه تصریح کردند، رفتار و خط و مشی متهم، همان رفتاری است که رژیم ایران آن را اجرا می‌کند. به گفته دادستان‌ها، اظهارات شاکیان و شاهدان در این دادگاه، «تصویر واضحی از ساختار و فجایعی که در مدتی کوتاه در زندان گوهردشت انجام شد را ترسیم می‌کند.»

هشتم اردیبهشت ۱۴۰۱، پس از ۸۹ جلسه دادگاه برای رسیدگی به اتهامات حمید نوری دادیار سابق قوه قضاییه و متهم به مشارکت در قتل عام زندانیان سیاسی زندان گوهردشت

۲۹۱- دستیابی پلیس سوئد به مدارک و اسناد تازه که در نتیجه کاوش تلفن همراه حمید نوری صورت گرفت. این شماره تلفن‌های جدید حکایت از ارتباطات و کنتاکت‌های حمید نوری با برخی افراد مسئول (اعضای هیئت مرگ) در پیوند با این پرونده دارد.

در تابستان ۱۳۶۷، حکم پیشنهادی از سوی هیات دادستانی اعلام شد. این جلسه دومین جلسه ارائه کیفرخواست نهایی برای متهمی است که پس از ۳۱ سال گذر زمان از وقوع یکی از بزرگ‌ترین کشتارهای تاریخ معاصر محاکمه شد. هیات دادستانی در پایان جلسه دادگاه تایید کرد جرایمی که حمید نوری به ارتکاب آن‌ها متهم شده است، بر اساس قوانین بین‌المللی و قوانین عرف (کشورها) مشمول سنگین‌ترین شکل مجازات «جنایت جنگی» می‌شود و برایش درخواست حبس ابد کردند.^{۱۹۱} بخشی از تلاش دادستان‌ها در این جلسه، اثبات حضور حمید نوری به عنوان یکی از افرادی بود که در آماده‌سازی زندانیان سیاسی برای اعدام مشارکت داشت. نوری از ابتدای برگزاری این دادگاه‌ها حضور در زندان گوهردشت را کتمان کرد. او مدعی شد که به عنوان کارمند دفتری در دادیاری زندان «اوبین» مشغول به کار بوده و تنها در بازه زمانی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ چند نوبتی برای «ماموریت» به زندان گوهردشت سر زده است. او کشتار ۱۳۶۷ را «دروغ و داستان‌پردازی منافقین و کمونیست‌ها» می‌داند و می‌گوید اگر اعدامی هم رخ داده، اقدام درستی بوده است. این گزارش مروری دارد به محاکمه فردی که بسیاری از دادخواهان از او به عنوان نماینده نظام جمهوری اسلامی یاد می‌کنند.

مروری بر این‌که حمید نوری کیست و چرا محاکمه می‌شود؟

حمید نوری ۶۰ ساله است. او از جوانی با نام مستعار «حمید عباسی» در مقام دادیار در زندان‌های ایران مشغول به کار شد. در اغلب کتاب‌هایی که زندانیان سیاسی از خاطرات دوران محکومیت خود نوشته‌اند، از او با نام حمید عباسی یا «دادیار عباسی» یاد شده است. اغلب نویسندگان این کتاب‌ها در جلسات برگزار شده برای محاکمه حمید نوری به عنوان شاهد حاضر شده و از مواجهه با او سخن گفتند. برخی از آن‌ها، از جمله «رحمان درکشیده» حتی پیش از برگزاری این دادگاه، هویت واقعی و نام او را افشا کرده بود. رحمان درکشیده در جلسه شهادت خود در دادگاه گفت: «با حمید نوری در خیابان سبلان شمالی در نظام آباد،

۲۹۲- اردیبهشت ۱۴۰۱ / آپریل ۲۰۲۲ اعلام تقاضای هیات دادستانی مبنی بر صدور حکم حبس ابد علیه حمید نوری / عباسی.

شرق تهران همسایه و هم محل بودیم. خانه آن‌ها و ما تنها سه خانه با هم فاصله داشت و رحیم برادرم با حمید نوری دوست و هم‌کلاسی بودند. خودم هم با بهمن، برادر کوچک‌تر حمید نوری دوست بودم. این زندانی سیاسی سابق همچنین گفت پیش از آن‌که دستگیر شود، از برادرش درباره این‌که حمید نوری از طریق یکی از بچه محل‌ها به نام «ماشالله» در زندان اوین شروع به کار کرده، خبرهایی شنیده بود. اشتیاق حمید نوری برای فعالیت در قوه قضاییه از چشم هیات دادستانی دور نمانده است. دادستان در جلسه صدور کیفرخواست تأکید کرد این‌که متهم بلافاصله در سال ۱۳۶۱ برای کار در دادگاه‌های انقلاب و دادستانی درخواست داده است، از علاقه‌اش برای سرکوب مخالفان نشات می‌گیرد. ایرج مصداقی، از زندانیان سیاسی دهه ۱۳۶۰ و یکی از افراد تأثیرگذار در بازداشت این مقام سابق قوه قضاییه ایران، در جلد سوم کتاب «نه زیستن، نه مرگ» که تلفیقی از خاطرات و گزارش از زندان‌های جمهوری اسلامی است، می‌نویسد: «آن شب از اعدام رهیده بودم. بیرون که آمدم، «الله ستارنژاد» را در راهرو دیدم. یک لحظه چشم‌پندش را بالا زد و در حالی که در چشمانم می‌نگریست، گفت اگر زنده ماندی، سلامم را به مسعود و مریم برسان! تقی داوودی نیز که روبه‌روی او نشسته بود، خندید و گفت مال من را هم همین‌طور! حمید عباسی سر رسید. همگی خاموش ماندیم. آن‌روز چند بار او را دیده بودم. در حالی که خودکاری در دستش بود، به میله‌های شوم‌فاژ کنار راهرو می‌کشید و به تمسخر می‌گفت عاشورای مکرر مجاهدین!»^{۲۹۳}

کیفرخواست حمید نوری شامل چه مواردی است؟

در نخستین جلسه ارائه کیفرخواست برای حمید نوری که هشتم اردیبهشت ۱۴۰۱ برگزار شد، هیات دادستانی شش محور اصلی را به عنوان رئوس مهم کیفرخواست مطرح کرد. این موارد عبارت بودند از:

«وقوع یا عدم وقوع اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت،

۲۹۳- جلد سوم کتاب؛ «نه زیستن، نه مرگ» یکی دیگر از آثار ایرج مصداقی نخستین شاکی و تشکیل دهنده پرونده علیه حمید نوری، در خصوص اعدام زندانیان و یادآوری عبارت حمید نوری مبنی بر: «عاشورای مکرر مجاهدین».

تشخیص و تایید اسامی اعدام‌شدگان، تشخیص و تایید هویت متهم، مشارکت یا عدم مشارکت متهم در اعدام‌ها و دلایل حقوقی بازداشت متهم و مجازات پیشنهادی دادستان‌ها به دادگاه علیه او.»

در تمامی این موارد، دادستان‌ها با ارجاع به اسناد و مدارک مکتوب، شهادت شهود و اظهارنظر کارشناسان پرونده توضیح داده و تایید کردند حمید نوری همان حمید عباسی است و موارد مطرح شده در کیفرخواست به تایید آن‌ها رسیده است.^{۲۹۴}

چرا دادستان، زندان گوهردشت را کارخانه کشتار خواند؟

در جلسه حساس ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱، دادستان زندان گوهردشت را در ایام اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ یک «کارخانه کشتار» توصیف کرد که همه کارکنان آن باید تمام وظایف خود را با دقت و سرعت زیاد انجام می‌دادند و هیچ‌کس حق گرفتن مرخصی، حتی در شرایط ویژه و فوق‌العاده شخصی نداشت. دادستان با اشاره به شهادت «عباس رحیمی»، یکی از جان‌به‌دربرندگان اعدام‌های ۱۳۶۷ گفت: «رحیمی با گوش خود شنیده بود که دو تن از کارکنان زندان در حال صحبت با هم بوده‌اند و یکی از آن‌ها از عدم رضایتش برای حضور در زندان و نداشتن امکان مرخصی صحبت کرده است.» دادستان‌های این پرونده بر این باورند که بنا بر اسناد مکتوب و شهادت‌های دادگاه، کارکنان زندان گوهردشت در دوران اعدام‌ها روزهای شلوغی را می‌گذراندند و مسئولیت اصلی به اجرا گذاشتن دستوری که بنیان‌گذار انقلاب ایران در قالب یک «فتوا» صادر کرده بود، بر دوش اعضای «هیات مرگ»، ناصریان (نام مستعار محمد مقیسه، قاضی دادگاه انقلاب)، «داوود لشکریان» و حمید نوری بوده است. آن‌ها همچنین در مورد این‌که محل وقوع اعدام‌ها زندان گوهردشت بوده است نیز به توافق رسیده و گفتند زندانیان زندان «قلل حصار» و اوین علی‌رغم شکنجه‌های جسمی در آن مقطع، برای اعدام به زندان گوهردشت منتقل شده بودند.^{۲۹۵}

۲۹۴- مروری دوباره بر کیفرخواست صادره علیه حمید نوری و محورهای اصلی و مهم مندرج در آن.

۲۹۵- همان منبع.

آیا مجازات حبس ابد از سوی قضات تایید می‌شود؟

در جلسه دوم ارائه کیفرخواست حمید نوری، دادستان تاکید کرد، نوری به عنوان معاون و جانشین ناصریان با نام واقعی قاضی محمد مقیسه کار کرده است و بر اساس مدارک دادگاه تریبونال ایران، کتاب ایرج مصداقی و کتاب «جعفر یعقوبی» در دوران اعدام‌ها در زندان گورهدشت بوده است. دادستان با اشاره به اظهارات محمود رویایی و «نصرالله مرندی»، دو تن از شاهدان این دادگاه گفت باور دارد نقش حمید نوری در اجرای احکام اعدام، تعیین کننده بوده است: «محمود رویایی از ناصریان و حمید نوری به عنوان افرادی نام برده است که از صبح تا شب در جریان اعدام‌ها در زندان گورهدشت به شدت فعال و مشغول بوده‌اند. نصرالله مرندی نیز در ویدیویی، از ناصریان، لشکری و حمید نوری به عنوان افراد فعال در اعدام‌ها نام برده است.» حمید نوری در دفاع از خود بارها تاکید کرده بود که حدود دو تا چهار ماه در همان دوران اعدام‌ها برای زایمان همسرش در مرخصی بوده است. دادستان با قاطعیت گفت که بر اساس تحقیقات آن‌ها، نسبت به شرایط آن دوران، امکان قبول مرخصی حمید نوری از سوی مقامات زندان کاملاً مردود است. دادستان علاوه بر شرایط زندان، به مشاهدات شهود استناد کرد و با اشاره به برخی از آن‌ها گفت: «سیامک نادری، حمید نوری را در حال بازرسی وسایل زندانیان و شاهد دیگری به نام «عبدالرضا شهاب شکوهی» متهم را در زمانی که تلویزیون را از بند خارج می‌کردند، دیده‌اند. حسین فارسی متهم را در راهروی مرگ دیده در حالی که اسامی اعدامیان را می‌خوانده است. حسین فارسی شهادت داده که در جریان ضرب و شتم توسط ناصریان، حمید نوری نیز حضور داشته است.» او با تاکید بر این‌که باور دارند حمید عباسی همان حمید نوری است، از دادگاه درخواست اشد مجازات، یعنی محکومیت به حبس ابد کرد و افزود بر آن گفت که حکم صادر شده برای حمید نوری هرچه باشد، هرگز نباید با قرار وثیقه از زندان آزاد شود.

سوئد و اتحادیه اروپا خواستار آزادی فوری احمدرضا جلالی شدند. حسین امیرعبداللهیان نیز طی گفت‌وگوی تلفنی با همتای سوئدی خود متقابلاً خواستار آزادی فوری حمید نوری شد.

در واکنش به اعلام زمان اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی، پزشک و پژوهشگر دوتابعیتی ایرانی-سوئدی زندانی در ایران، سوئد و اتحادیه اروپا، چهارشنبه ۴ می، ضمن محکومیت این اقدام جمهوری اسلامی، خواستار آزادی فوری این زندانی دوتابعیتی شدند.

از سویی وزارت خارجه آمریکا نیز وضعیت احمدرضا جلالی که تاریخ اجرای حکم اعدام او از سوی تهران در پایان اردیبهشت ماه جاری، اعلام شده است را «خطرناک» توصیف کرد. در همین راستا آن لاینده، وزیر خارجه سوئد چهارشنبه طی تماس تلفنی با حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران درباره این مسئله بحث و گفت‌وگو کرد.

اندکی پیش از پایان دادگاه حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران که به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت، در سوئد محاکمه می‌شود، دستگاه قضایی ایران در اقدامی تلافی‌جویانه و برای تحت فشار گذاشتن دولت سوئد، زمان اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی را آخر اردیبهشت ماه ۱۴۰۱/۲۰۲۲ اعلام کرد. رسانه‌های رسمی ایران که به‌طور یک‌جانبه هیچ‌گونه اشاره‌ای به بحث صورت گرفته درباره موضوع جلالی طی این گفت‌وگوها نکرده‌اند تنها به نشر اظهارات وزیر خارجه ایران اکتفا کرده‌اند که بازداشت و فرآیند دادگاهی حمید نوری را «غیرقانونی» دانسته و خواستار آزادی فوری او شده است.

به گزارش خبرگزاری «ایرنا»، حسین امیر عبداللهیان، ۴ می، در گفت‌وگویی تلفنی با وزیر خارجه سوئد، خواستار آزادی فوری حمید نوری شده است. حال به نظر می‌رسد ایران با اعلام زمان اجرای حکم احمدرضا جلالی تلاش می‌کند تا دولت سوئد را تحت فشار قرار داده و ضمن تاثیرگذاری بر روند محاکمه حمید نوری در این کشور به توافقی برای استرداد او برسد. در نود و یکمین جلسه از روند دادگاه، ۲ می، کنت لوییس، وکیل مشاور «سازمان مجاهدین خلق»، لایحه پیشنهادی خود را برای محکومیت حمید نوری به دادگاه ارائه داد. پیشتر کریستینا لیندوف کارلسون، دادستان این پرونده، از دادگاه خواسته بود تا نوری به جرم «جنایت علیه بشریت از نوع شدید» به حبس ابد محکوم شود.^{۲۹۶}

تاریخ اعلام حکم، ۱۴/۰۷/۲۰۲۲

در ۱۳ آبان ۱۳۹۸، تحریم وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۹ تن از چهره‌های برجسته جمهوری اسلامی ایران را تحریم کرد: از جمله سید ابراهیم رئیسی. در نشست سالانه مجمع عمومی

سازمان ملل متحد که روز سه‌شنبه رسماً آغاز می‌شود، رهبران جهان به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا برای اولین بار به جای گردهمایی در نیویورک، از طریق تماس ویدئویی سخنرانی می‌کنند.

این گردهمایی که به طور معمول هزاران تن از مقامات بلندپایه کشورها را به مقر سازمان ملل می‌آورد، امسال فاقد رویدادهای جانبی معمول و جلسات غیررسمی است که در آن اغلب تماس‌ها و پیشرفت‌های دیپلماتیک اتفاق می‌افتد. در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، همه کشورهای عضو در آن نماینده دارند و هر عضو سازمان ملل متحد در مجمع دارای یک حق رای است. مجمع عمومی سالیانه نشست خود را از ماه سپتامبر تا دسامبر یا ژانویه برگزار می‌کند و در موارد استثنایی به درخواست شورای امنیت یا به درخواست یک عضو که مورد موافقت اکثریت اعضا باشد، دوره‌های اجلاسیه فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود. تا کنون همه روسای جمهوری اسلامی ایران در نشست‌های سالانه سازمان شرکت کرده‌اند. ابراهیم رئیسی اما در نخستین نشست خبری‌اش به عنوان «رئیس جمهوری منتخب!» برای نخستین بار مسئولیت کشتار ۱۳۶۷ را به عهده گرفت و گفت که باید از او تقدیر شود.

۳۱ خرداد «اسد بیگ»، خبرنگار شبکه خبری الجزیره از رئیسی پرسید او به سبب مشارکتش در اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ تحت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا قرار گرفته و بر اساس شکایت سازمان عفو بین‌الملل علیه او با اتهام جنایت علیه بشریت روبه‌روست. اکنون این مسائل چه تاثیری بر تعامل او با سایر رهبران جهان می‌گذارد و او چگونه می‌خواهد به سفرهای خارجی برود؟ مترجم اعدام‌های سال ۱۳۶۷ و جنایت علیه بشریت را ترجمه نکرد. رئیسی برای نخستین بار مسئولیت کشتار را بر عهده گرفت و خواهان آن شد که برای دفاع از «امنیت مردم» مورد تشویق قرار بگیرد. او گفت: «از ابتدای مسئولیت به عنوان یک حقوق‌دان همواره مدافع حقوق مردم بودم و به حقوق بشر تعهد داشتم. ما امروز در جایگاه مدعی هستیم. تمام اقداماتی که انجام دادم مقابله با کسانی بوده که دست به اقدامات داعشی و ضد امنیت زدند. امروز کسانی که نقض حقوق بشر می‌کنند باید در دنیا پاسخگو باشند اگر یک قاضی و حقوق‌دان از مردم جامعه حمایت کرده باید تشویق شود زیرا امنیت مردم را حفظ کرده است و من افتخارم این است.»

در پی انتشار خبر کسب بالاترین آراء ریاست جمهوری از سوی ابراهیم رئیسی، «آگنس کالامار»، دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این که ابراهیم رئیسی به جای

محاکمه به خاطر جنایات علیه بشریت از جمله قتل، ناپدیدسازی قهری و شکنجه، به مقام ریاست جمهوری رسیده است نمودی فجیع از سلطه مطلق مصونیت در ایران است.»
 بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای به اصطلاح توسعه یافته‌تر، با یکدیگر قرارداد «استرداد مجرمین» دارند؛ به این معنا که دستگاه قضایی یک کشور می‌تواند تقاضای بازداشت و استرداد یک متهم را بنا به دلایلی که ارائه داده است از کشوری دیگر داشته باشد.

افزون بر این گرچه دیوان کیفری بین‌المللی از اعمال صلاحیت نسبت به متهمانی که مصون از تعقیب هستند منع شده است. اما با این حال اساسنامه در این زمینه واجد محدودیت بسیاری است و اساساً در این ارتباط هیچ مصونیتی را مقرر نمی‌نماید و؛
 ۱. بر اساس اصول و قواعد نوین حقوق بین‌الملل کیفری، از جمله ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، چنین مصونیت‌هایی را نمی‌توان در موارد نقض جدی موازین حقوق بشر به کار بست. و وجود سمت‌های مشخصی چون رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد، همچنان که وجود سمت‌های یاد شده به تنهایی دلیلی برای تخفیف مجازات موثر نخواهد بود.
 ۲. بر این اساس مصونیت‌ها به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌المللی در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند و موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال کند.

قانون نقض بین‌المللی چه مفهومی دارد که دادستان از این عنوان در کیفرخواست استفاده کرده است؟

جرائم بین‌المللی از منظر اصول بین‌الملل فارغ از این‌که در چه کشوری ارتکاب یافته و یا مجرم تابعیت کدام کشور را داراست قابل رسیدگی و تعیین مجازات است. با توجه به این‌که پس از دادگاه نورنبرگ و تصویب دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه و نیز اساسنامه رم (۱۹۹۸) از جمله قوانین و مقرراتی است که در بسیاری از کشورها، کشورهای اروپایی و به ویژه وارد

قوانین داخلی و ملی سوئد شده است.^{۲۹۷}

این پرونده به دلیل پیچیدگی هایی که دارد تا آپریل / می ۲۰۲۲ ادامه خواهد داشت و با توجه به اصل برائت باید یک میزان و تناسب و بالانس بین دلایلی که توسط دادستان در کیفرخواست آمده است و دفاعیاتی که متهم از خودش می کند و رسیدگی دادگاه وجود داشته باشد.

بدین اعتبار و بر مبنای آنچه پیشتر گفته شد، در این پرونده به حیث قضایی، اصل صلاحیت قضایی جهانی و قوانین ملی و داخلی این کشور حاکم است که بر پایه آن حمید نوری از منظر سیاسی در روند این محاکمات جمهوری اسلامی هم محاکمه می شود. با توجه به این که نام ابراهیم رئیسی در جلسه دادرسی آورده شده است قدر متیقن از این پس حضور رئیسی در مجامع بین المللی می تواند با مشکلاتی همراه باشد.

۲۹۷- ماده ۲۷ و ۲۸ اساسنامه کیفری بین المللی (۱۹۹۸) در خصوص مسئولیت کیفری مقامات بلند پایه همچون رئیس دولت، وزیران و... همچنین نظامیان و مسئولان غیرنظامی.

فصل یازدهم

اصدار حکم دادگاه بدوی

اعلام حکم صادره توسط دادگاه بدوی استکهلم علیه حمید نوری / عباسی و تعیین مجازات وی به تاریخ ۲۰۲۲/۰۷/۱۴

دادگاه تاریخی حمید نوری / عباسی، دادیار زندان گوهر دشت، به جرم داشتن در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ در کشور سوئد در ۹۲ جلسه، به مدت ۹ ماه برگزار شد. قضات این دادگاه، آقای توماس ساندر و خانم «آنا لیبینرگ» و ۴ عضو هیئت منصفه آن به اتفاق آرا، نوری را به دلیل همکاری در جنایات جنگی و قتل ۹۶ تن به حبس ابد محکوم کردند. این حکم که در واقع حکم محکومیت همه سران رژیم برای همکاری در جنایت است، موجی از اعتراضات رژیم جمهوری اسلامی را در پی داشته است.

این نخستین بار در جهان است که یک مامور جمهوری اسلامی در ایران بابت اعدام‌های زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰ و به‌ویژه تابستان ۱۳۶۷ محاکمه و جنایت‌کار شناخته می‌شود. شدیدترین نوع مجازات در قوانین سوئد حبس ابد است که یکی از دادگاه‌های آن در استکهلم، پایتخت این کشور این حکم حبس را صادر کرده است. بر اساس حکم دادگاه، حمید نوری موظف به پرداخت خسارت به هریک از افرادی است که نام آن‌ها در پرونده آورده شده است. میزان خسارت پرداختی به قربانیان مستقیم و غیرمستقیم بر اساس حکم دادگاه، ۴۰ هزار کرون سوئد، معادل تقریباً سه هزار و ۸۰۰ دلار، به عنوان خسارت پرداخت کند:

۱- به موجب حکم صادره میزان خسارت قابل پرداخت به هریک از قربانیان مستقیم و غیرمستقیم؛ مبلغ ۴۰ هزار کرون / واحد وجه رایج سوئد، معادل تقریباً ۳۸۰۰ دلار آمریکا خواهد بود که مجرم حمید نوری / عباسی موظف به پرداخت این مبلغ است.

«حسین سیداحمدی»، «سولماز علیزاده»، «فریدون نجفی آریا»، «مجید صاحب جم اتابکی»، «علی اکبر بندلی»، «لاله بازرگان»، «سید جعفر میرمحمدی برنجستانکی»، «مجید رجستانکی»، «مجید جم»، «احمدی احمدی»، «مجید نجفی آریا»، «محسن اسحاقی»، «رضا فلاحی»، «حسین فارسی»، «رمضان فتحی»، «مهدی برجسته گرمرویی»، «حسن گلزاری»، «همایون کاویانی»، «نصرالله مرندی»، «اصغر مهدی زاده»، «مهناز میمنت»، «ایرج مصداقی»، «مهری ماهری حاجی سرا»، «صدیقه حاجی محسن نجاریه»، «مسعود اشرف سمنانی»، «عصمت طالبی کلهران»، «محمد زند» و «علی ذوالفقاری».

آیین تعیین مجازات

مجازات‌های قابل اعمال

در صورت احراز مجرمیت متهم، دادگاه بدوی باید مجازات مناسب را تعیین کند. در انجام این امر به استناد اساسنامه، شعبه بدوی ادله‌ای که در جریان محاکمات بیان و ارائه شده و هم‌پایوند با مجازات هستند را در نظر می‌گیرد. عوامل مشدده و مخففه مربوط به ارتکاب خود جرم، نظیر نقش فرد مجرم در نحوه رفتار با قربانی-قربانیان بخشی از ادله وابسته به مجرمیت و یا غیر آن است.

اصل مربوط به مجازات در اساسنامه رم ماده ۷۷ است که تصریح می‌دارد: «دادگاه می‌تواند محکوم علیه را به حبس به مدت معینی که بیش از سی سال نباشد و یا حبس ابد به شرط آن‌که اهمیت جرم ارتكابی و نیز اوضاع و احوال شخص محکوم علیه آن را ایجاب نماید، محکوم کند.»

در حقیقت هنگامی که ثابت می‌شود که جرم-جرایم واقع شده است و مجرم با قاطعیت و با قصد قبلی نسبت به گروهی که قربانی-قربانیان به آن تعلق دارند را مرتکب شده است، باید کیفر شدیدی برای او در نظر گرفت. عوامل مخففه و مشدده یعنی شدت و اهمیت جرم ارتكابی و اوضاع و احوال شخص محکوم علیه را دادگاه-شعبه بدوی در تعیین مجازات مناسب آن موارد را مدنظر قرار خواهد داد.

استیناف و تجدیدنظر

احکام دادگاه‌های بدوی دیوان کیفری بین‌المللی قابل استیناف‌اند. در طی استیناف از یک حکم محکومیت یا مجازات، محکوم علیه باید در حبس باقی بماند. در صورت محکومیت فرد و درخواست استیناف نمی‌توان بیان داشت که وی در جریان استیناف به استناد اصل براءت مستحق آزادی مشروط است. از دیگر فراز دادگاه استیناف می‌تواند خودش برای تصمیم‌گیری در خصوص موضوع، مطالبه ادله نماید. البته حمید نوری ۲۰ روز فرصت درخواست تجدیدنظرخواهی از رای دادگاه اولیه دارد. وکیل مدافع او گفته است که آن‌ها به حکم دادگاه اعتراض خواهند کرد، بنابراین حکمی که در تیرماه ۱۴۰۱ صادر شده است، غیرقطعی است. به موجب قوانین سوئد دادگاه تجدیدنظر و استیناف ۳ قاضی دارد که با مطالعه مدارک دادگاه و مشاهده فیلم‌ها، برابرام و تایید رای دادگاه بدوی و یا غیر آن تصمیم خواهند گرفت. در صورت تایید حکم صادره مبنی بر حبس ابد نوری (۲۵ سال)، توسط دادگاه استیناف، حمید نوری از یک سو تمام دوره محکومیتش را در زندان سپری خواهد کرد. از سویی دیگر حکم صادره دائر بر محکومیت وی، به عنوان یک «وحدت رویه قضایی» می‌تواند برای دیگر کشورهای پذیرنده اصل صلاحیت قضایی در موارد مشابه قابل استناد و لازم الاتباع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نظر به این‌که تا کنون آمار دقیقی از تعداد کشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ در دست نیست، زیرا افرادی که در آن تابستان کشته شدند، در محاکم چند دقیقه‌ای پنهانی محکوم شده بودند و از آنجا که حکم اعدام آن‌ها به‌طور مخفیانه اجرا شد، دستیابی به آمار دقیق آن‌ها ناممکن است. اما «سازمان دیده‌بان حقوق بشر» بر اساس اسناد بر جای مانده و اعلام خانواده‌های اعدام‌شدگان، تعداد قربانیان را بین دوهزار و هشتصد تا پنج هزار تن برآورد کرده است. ماموران جمهوری اسلامی سپس اعدام‌شدگان را در گورهای دسته جمعی دفن کردند، به طوری که محل دفن افراد قابل شناسایی نباشد. ماموران پس از این اقدامات و با گذشت چند دهه از اعدام‌ها، هنوز هم خانواده‌های اعدام‌شدگان را مورد آزار و اذیت و حتی دستگیری خودسرانه و بازداشت قرار می‌دهند که این اقدام خود از موارد جنایت علیه

بشریت است. شماری از کارشناسان سازمان ملل متحد به دولت جمهوری اسلامی در ایران هشدار داده‌اند که ادامه این وضعیت می‌تواند به گشودن پرونده جرایم بزرگ بین‌المللی علیه نظام حاکم بر ایران منجر شود. همانطور که پیشتر گفته شد، جلسات دادرسی به مدت ۹ ماه از تابستان سال ۱۴۰۰/۲۰۲۱ تا بهار ۱۴۰۱/۲۰۲۲ بطول انجامید و جمعا ۹۲ جلسه برگزار کرد. پرونده نوری ۳۴ شاکی داشته و طی برگزاری جلسات محاکمه، ۲۶ شاهد عینی هم در آن شهادت دادند. دادگاه در دوره‌ای برای شنیدن شهادت شاهدان عینی، محل برگزاری خود را از سوئد به کشور آلبانی انتقال داد تا شاهدانی که امکان سفر به سوئد نداشتند، بتوانند اظهارات خود را به سمع هیات منصفه و قاضی برسانند.

قدر متیقن پرونده نوری متهمان دیگری دارد از جمله «ابراهیم رئیسی» رییس جمهور دولت اسلامی در ایران، «مصطفی پورمحمدی» وزیر کشور دولت، «محمود احمدی نژاد» و وزیر دادگستری دولت «حسن روحانی»، «حسینعلی نیری» معاون دیوان عالی کشور و رییس دادگاه عالی انتظامی قضات و «مرتضی اشراقی» از مقام‌های قضایی، که از متهمان اصلی پرونده کشتار تابستان ۱۳۶۷ هستند و هنوز زنده‌اند. از اعضای این هیات مرگ، ابراهیم رئیسی پس از رسیدن به ریاست دولت و حسینعلی نیری چند روز پیش از اعلام حکم حمید نوری، از اعدام‌ها دفاع کرده و گفته‌اند که چنین کشتاری برای حفظ نظام لازم بود. اما حتی افرادی هم چون پورمحمدی و اشراقی که به طور علنی در این زمینه اظهارنظر موافق نکرده‌اند، از دید نظام عدالت کیفری، از مهم‌ترین متهمان پرونده کشتار تابستان ۱۳۶۷ هستند. از متهمان این پرونده یا اعضای هیات مرگ در رده‌های مختلف مانند قاضی محمد مقیسه تا کنون هیچ کدام به طور علنی به کشورهایی که قابلیت دستگیری و محاکمه آن‌ها را دارند، سفر نکرده‌اند اما این امکان وجود دارد که در صورت سفر به چنین کشورهایی، روند قضایی مشابه حمید نوری درباره آن‌ها به جریان انداخته شود. به گزارش خبرگزاری فرانسه، دادستانی سوئد می‌گوید در حالی که حمید نوری متهم به انجام مستقیم هیچ‌یک از قتل‌ها نیست، اما در «صدور احکام اعدام، آوردن زندانیان به اتاق اعدام و کمک به دادستان‌ها برای جمع‌آوری اسامی زندانیان» مشارکت داشته است. حمید نوری حکم اعدام می‌داد و زندانیان را به اتاق اعدام می‌آورد.

فراتر از این، «روح‌الله خمینی» در تابستان ۱۳۶۷ گروهی را مامور کرده بود تا زندانیان سیاسی را که «محارب» تشخیص می‌داد، اعدام کند. این گروه که بعدها به «هیات مرگ»

معروف شد، به زندان محل نگهداری زندانیان سیاسی که در حال سپری کردن دوره محکومیت بودند، رفته و در محاکمات چند لحظه‌ای، اعدام‌های گسترده‌ای ترتیب داد. «حسینعلی منتظری»، قائم مقام وقت رهبری این اعدام‌ها را بزرگ‌ترین جنایت جمهوری اسلامی خوانده بود. افزون بر این موارد ایرج مصداقی، نویسنده، فعال سیاسی و از نخستین شایگان این پرونده، حمید نوری را معاون قاضی محمد مقیسه‌ای و ایفاگر «نقشی فعال» در اعدام‌های سال ۶۷ معرفی کرد. بر پایه آن چه گفته شد، اکنون بیش از آن‌که شاهد زمانه دگرگونی‌ها باشیم، ناظر دگرگونی زمانه‌ایم. گردونه کنفرانس‌های بین‌المللی که سازمان ملل متحد، طی سال‌های نود به حرکت درآورد، این امکان را فراهم ساخت که مقاصد اصلی جامعه بین‌المللی برای قرن بیست و یکم تعریف و شماری از مسائل مربوط به کل «بشریت» بازیابی و بازاندیشی شوند. این چرخه همچنین موجب شد تا گفت‌وگوهای جهانی افکار عمومی را به شرایط زندگی «مردمان» و نیز ضرورت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و لایه‌های تنگدست جامعه متوجه گردانند. به سخنی دیگر این گردونه موجب گشت تا نیازها و آرمان‌های جامعه بین‌المللی و به‌ویژه ماده ۵۳ معاهده (۱۹۶۹) وین درباره حقوق معاهدات بین‌المللی، مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸، قطعنامه‌های ارگان‌های بین‌المللی، (متشکل از دولت‌ها و سایر تابعان حقوق بین‌الملل و از جمله انسان‌ها) مشخص شوند. مقدمه اساسنامه، بند ۳: «با وقوف به این امر که جنایاتی تا این حد فجیع، صلح و امنیت و آسایش و رفاه جهان را تهدید می‌کند.» بند ۴: «با تایید این‌که این دسته از جنایات سنگین که به منافع بین‌المللی آسیب می‌رساند، نباید بدون پاسخ (بدون تنبیه) بماند.

البته مقصد اصلی چرخه کنفرانس‌های بین‌المللی ترغیب و تشویق شهروندان جوامع و به دردست‌گرفتن سرنوشتشان و نه «اجابت» نیازهای ابتدایی آنان بود و کوشید تا رسیدگی به وضعیت بشر و «مردمان» را در مرکز فعالیت‌های جامعه بین‌المللی قرار دهد.

تحول و تکامل حقوق بین‌الملل ثمره تحولی است که در وجدان حقوقی جهان که همان منبع ما در حقوق بین‌الملل باشد و همچنین نفس «حقوق» به وجود آمده است.

در حقیقت در اندیشه جهانی بنیان‌گذاران «حقوق بین‌الملل» افراد، گروه‌های اجتماعی، مردمان و به‌ویژه دولت‌ها همه و همه تماماً همراه با بشریت رشد و توسعه می‌یافتند. اما امروزه بازگرداندن مقام اصلی شخص انسانی به وی در حد «تابع حقوق داخلی و بین‌المللی» ضرورتی انکارناپذیر است.

افزون بر این حقوق بین‌الملل از زنجیر اسارت «حاکمیت صرف دولتی» رها شده و دوباره به اصل خود یعنی «حقوق ملت‌ها-ملل» بازگشته است.

اهلیت حقوقی

همچنین اهلیت حقوقی افراد برای اقامه دعوا در مراجع قضایی بین‌المللی یکی از خصوصیات مهم حقوق بین‌الملل نوین است که آشکارا اینان را از قیمومت دولت‌های خود رها می‌سازد. حق هر فرد در اقامه دعوا در دیوان اروپایی حقوق بشر و نیز حق هر فرد به شنوده شدن و حضور در دادرسی‌های دیوان امریکایی حقوق بشر، نمونه‌هایی بارز، روشن و آشکار از این حق به شمار می‌آیند. حق به اقامه دعوا در محاکم بین‌المللی در مفهوم وسیع کلمه، در واقع امر همان حق به تحقق «عدالت» در پهنه بین‌المللی است.

بدین سان اصل «بشریت» در بدنه نظام حقوقی بین‌المللی جایگاه و منزلتی ویژه یافته است. رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین صرف وجود دیوان کیفری بین‌المللی که مفهوم احساسی «بشریت» را در سیاق بشریتی که در معرض خطر جنایات بین‌المللی قرارداد، به نمایش درآورده است، شواهد گویای این مدعا قلمداد می‌شوند. دیوان افریقایی حقوق بشر و اقوام، نیز در آرا و احکام قضایی خود بارها بر اصل اساسی و بنیادی‌شان و جایگاه انسان و غیرقابل انتقال بودن حقوقی که معرف وجود انسان‌ها باشد، بطور موکد و با صراحت هرچه تمام تر آن‌ها را تصدیق کرده‌اند.

درحال حاضر دولت‌ها به رغم روزگاران گذشته در پی دفاع از «صلاحیت ملی و انحصاری» نیستند، زیرا هراسی ندارند که شخصیت بین‌المللی خود را از دست بدهند. دولت‌ها آموخته‌اند که تنها و تنها از راه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و افراد و «جامعه مدنی» است که می‌توانند در جهت تحقق «خیر مشترک» و نه حتی «منافع مشترک» گام بردارند.

بنابراین می‌توان بیان داشت که شناسایی «شخص انسانی» در مقام «تابع حقوق بین‌الملل» میراث گران‌بهای تفکر حقوقی بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم میلادی است. از دیگر فراز افراد در حال حاضر بازیگران ساده صحنه بین‌المللی نیستند، بل، تابعان

حقوق مللی جدیدند. به همین جهت در پاسخ به نیاز واقعی جامعه مشترک بین‌المللی در کل خود، مسئولیت حقوقی فعال یا منفعل «افراد» به رسمیت شناخته شده است. این نوع شخصیت برای افراد اهلیتی ربه وجود آورده است که به واسطه آن می‌توانند از «حق‌های» خود در جامعه بین‌المللی منتفع شوند و به آن‌ها استناد جویند؛ در نتیجه توانسته‌اند در مواردی [همچون پرونده حمید نوری] به مراجع قضایی بین‌المللی متوسل شوند و از این راه «دادخواهی» کنند. حق بر دادخواهی بین‌المللی نوعی حق بر استناد به موازین و مقررات حقوق بین‌الملل است.

اکنون گستره «قاعده آمره بین‌المللی» از محدوده «حقوق معاهدات» فراتر رفته و به قلمرو مسئولیت دولتی و اساساً هر عمل حقوقی رسیده است. در حقیقت قاعده آمره کنونی بر تمامی محدوده‌های حقوق بین‌الملل سایه افکنده است و آثار آن حتی در حقوق ملی و داخلی دیده می‌شود.

دادگاه‌های بین‌المللی امروزه صراحتی تکالیف مطلق را به رسمیت شناخته‌اند؛ اینک زمان آن است که جامعه بین‌المللی از آثار حقوقی نقض آن‌ها سخن به میان آرد. در بسیاری از حوزه‌های حقوق بین‌الملل، مانند «حقوق بشر»، «حراست از محیط زیست»، «خلع سلاح کشتار جمعی» و «مهار سلاح» آشکارا به این تکلیف تصریح شده است.

دادخواهی

دادخواهی از جمله حقوق اساسی شهروندان است به نحوی که می‌توان گفت مهم‌ترین معیار امنیت قضایی شهروندان، شناسایی حق دادخواهی است. در نظام حقوقی ایران هم حق دادخواهی به مثابه یکی از حق‌های بنیادین، در قانون اساسی لحاظ شده است. همچنین در ماده ۱۰ از اعلامیه جهانی حقوق بشر بر دسترسی «کامل و برابر» همه افراد به دادرسی آشکار و عادلانه توسط یک دادگاه بی‌طرف و مستقل، تأکید شده است. «دسترسی به وکلای مستقل، حضور قضات مستقل در مراجع قضایی و وجود قوانین عادلانه» از جمله شروط اصلی برای تحقق دادخواهی در یک جامعه است.

حکومت جمهوری اسلامی از یک سو قوه مقننه را ملزم به اطاعت از رهبری کرده و از دیگر فراز در قوه قضاییه هم اعتقاد به ولایت فقیه، جزو شرایط اصلی احراز صلاحیت

قضات در نظر گرفته شده است. مسئولان حکومتی در ایران با ایجاد چنین شرایطی و همچنین وضع قوانین ناعادلانه و انتصاب قضات غیر مستقل، شهروندان را عملاً از حق دادخواهی محروم کرده‌اند.

اگرچه در نظام حقوقی ایران، اصل ۳۴ قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین مبنای حق دادخواهی شناخته می‌شود. در این اصل آمده: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

همچنین به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی در ایران، «دادگستری» به عنوان مرجع رسمی «تظلمات و شکایات» یا به عبارت دیگر، «دادخواهی» در نظر گرفته شده است و این در حالی است که هیچ نهادی در ایران وجود ندارد تا بتواند عملکرد ضدبشری خامنه‌ای را تحت تعقیب قضایی قرار دهد.

بر این اساس دادگاه حمید نوری / عباسی در واقع چند وظیفه دارد: «نخست؛ گردآوری مستندات و شهادت‌نامه‌هایی است که ممکن است در آینده دسترسی به آن‌ها ممکن نباشد. دوم؛ در سال‌های اخیر، جهان و به‌ویژه غرب در مواجهه با ایران بر روی مسئله برنامه اتمی جمهوری اسلامی متمرکز شده و بحث حقوق بشر یا به این دلیل و یا به خاطر روابط اقتصادی و منافع کشورهای غربی عملاً به حاشیه رانده شده است، این دادگاه می‌تواند کمک کند که موضوع حقوق بشر بار دیگر مورد توجه افکار عمومی در جهان و همچنین دولتمردان غربی قرار گیرد.» البته به دور از هرگونه انگیزه سیاسی و موضع گرفتن گروهی و حزبی.

بدین جهت اقدام اتحادیه اروپا دسامبر ۲۰۲۰ دائر بر اعمال محدودیت علیه ناقضان حقوق بشر در ایران هم‌پیوند با «اصل صلاحیت قضایی جهانی» است و کشور سوئد در سال ۲۰۱۴ و آلمان در سال ۲۰۲۰ آن را پذیرفته‌اند و با پذیرش این اصل از مسئولیت و تعهد بر رسیدگی به پرونده مرتکبان جرایم بین‌المللی، فارغ از تابعیت مجرم یا تابعیت قربانی و صرف نظر از این‌که جنایت در کدام کشور به وقوع پیوسته برخوردارند.

جرایم مهم بین‌المللی؛ جنایت علیه بشریت، کشتار جمعی، جنایت جنگی، نسل‌کشی و تجاوز است.

در حال حاضر محاکمه یکی از جنایتکاران جمهوری اسلامی در ایران [حمید نوری /

عباسی] با اتهامات مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷، تحت عنوان جنایت علیه بشریت، شکنجه و جنایت جنگی در دادگاهی در سوئد-استکهلم در جریان است و در صورت اصدار حکم محکومیت علیه وی، حکم صادره به عنوان یک «وحدت رویه قضایی» برای دیگر کشورهای پذیرنده اصل صلاحیت قضایی در موارد مشابه لازم‌الاتباع استناد خواهد بود و بر این مبنا اتهام‌های مشابهی متوجه ابراهیم رئیسی، رئیس دولت انتصابی در ایران است، شاکیان پرونده بر این باورند که به سرانجام رسیدن پرونده حمید نوری، راه را برای اقدام حقوقی علیه او که از اعضای هیئت مشهور به هیئت مرگ بوده، هموار خواهد کرد.

منطق محوری اعمال صلاحیت جهانی «نه» بازدارندگی آن، بل، «اجرای عدالت» است. در حقیقت با توجه به موارد بیان شده پرونده حمید نوری و ابراهیم رئیسی در ارتباط با یکدیگر هستند و محاکمه حمید نوری از ۱۰ آگوست ۲۰۲۱ آغاز و پس از ۹۲ جلسه دادرسی در استکهلم و در می ۲۰۲۲ پایان یافت و حکم حبس ابد علیه او صادر گردید. این حکم می‌تواند به عنوان یک «رویه قضایی» نسبت به ابراهیم رئیسی و دیگر جنایتکاران حکومت اسلامی در دیگر کشورهای پذیرنده اصل صلاحیت و نظارت قضایی جهانی مورد استناد قرار گیرد.

در واقع دادگاه حمید نوری یک رخدادی تاریخی و حقوقی است که جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی به چالش کشیده است. بنابراین باید با صدای رسا و بلند به جامعه ایران و جامعه بین‌المللی گفت که زندگی انسان والاترین ارزش جمعی ما، احترام به زندگی انسانی جهان شمول است.

اکنون با توجه به نهادینه شدن اصل صلاحیت و نظارت قضایی جهانی رئیس دولت نظام فقهاتی، اعضای مجلس، اعضای قوه قضاییه، سپاه پاسداران، شکنجه‌گران و... فاقد هرگونه امنیت قضایی در خارج از کشور هستند. بر این پایه‌های که عضویت دیوان کیفری بین‌المللی را داشته باشند و یا کشورهایی که اصل نظارت قضایی را پذیرفته‌اند می‌توانند اقدامات حقوقی را علیه این جنایتکاران به کار گیرند.

بنابر آن چه پیشتر گفته شد و با توجه به این‌که فرایند دادگاه تاکنون بر پایه یک دادرسی حقوقی-کیفری عادلانه و با رعایت کلیه حقوق محکوم حمید نوری بر مبنای قوانین کیفری ملی سوئد و دیگر قوانین و مقررات کیفری بین‌المللی بوده و دادستان‌ها اقداماتشان به نحوی

سزاوار انجام یافته و بارها طی جلسات دادرسی به نقش حمید نوری در کشتارها پرداخته‌اند و به همین جهت روند محاکمه به درستی و به موجب آیین دادرسی کیفری سوئد انجام شده است.

فراتر از این دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم ارتكابی و اتهامات حمید نوری، یک دادگاه نمادین نیست و واجد «ضمانت اجرایی» است و حکمی که علیه حمید نوری صادر شد بوسیله یک دستگاه قضایی مستقل و صالح به رسیدگی به جرایم بین‌المللی انجام یافت. این حکم حبس ابد به موجب یک رویه قضاییه (وحدت رویه قضایی) برای دیگر کشورهای پذیرنده اصل صلاحیت قضایی در موارد مشابه همچون محاکمه ابراهیم رئیسی و دیگر جنایتکاران اسلامی در ایران قابل استناد خواهد بود. افزون بر این اهمیت دستگیری، بازداشت و محاکمه حمید نوری این پیام را برای اپوزیسیون دارد که در خارج از ایران، حاکمیت قانون است و فراتر از آن اثر قانون است که موجب عدم امنیت برای سردمداران جنایتکار اسلامی می‌شود. قضات این دادگاه، آقای توماس ساندر و خانم آنا لینیبرگ و ۴ عضو هیئت منصفه آن به اتفاق آراء، نوری را به دلیل همکاری در جنایات جنگی و قتل ۹۶ تن به حبس ابد محکوم کردند. این حکم که در واقع حکم محکومیت همه سران رژیم برای همکاری در جنایت است، موجی از اعتراضات رژیم جمهوری اسلامی را بدنبال داشت.

مراحل بازجویی و آماده‌سازی پرونده و کیفرخواست حدود ۲۲ ماه طول کشید. در طول این مدت با وجود تقاضاهای مکرر نوری، هیچ‌یک از مسئولان سفارت رژیم جمهوری اسلامی به ملاقات او نرفته و یا برای تعیین وکیل مدافع با او همکاری‌ای نکرده‌اند. وقتی که در هفته اول ماه اوت کیفرخواست حمید نوری منتشر شد، قوه قضاییه جمهوری اسلامی پنج ماه پس از آغاز دادگاه حمید نوری به این موضوع واکنش نشان داده و مدعی شد، نوری یک «کارمند ساده» قوه قضاییه بود. در گزارش کوتاه قوه قضاییه ادعاهای زیادی از جمله «بروده شدن حمید نوری، عدم دسترسی وی به وکیل مدافع و عدم ملاقات با خانواده مطرح شده» که با واقعیت هم خوانی ندارد. سفارت تنها پس از انتشار کیفرخواست متوجه اهمیت این پرونده شد و ده روز پس از شروع دادگاه، یعنی تقریباً حدود ۲۲ ماه پس از دستگیری نوری با او دیدار کردند.

در قوانین سوئد بازداشت پیش از محاکمه وجود دارد و معمولاً این دوران به منظور انجام تحقیقات درباره مظنون طولانی و محرمانه است. به دلیل اهمیت و محرمانه بودن

چنین پرونده‌هایی متهم در سلول انفرادی نگهداری می‌شود. نوری طی مدت بیش از ۲۲ ماه همواره به رادیو، تلویزیون، کتابخانه، و اتاق ورزش دسترسی داشته و پس از مدتی از آزادی‌های بیشتری برخوردار شده بود. اما هنگامی که نوری یک فایل صوتی به خارج از زندان فرستاد و در آن به دوستان خود پیام داد، قاضی جلسه تشکیل داد و به درخواست دادستان‌ها و به دلیل اهمیت این پرونده و احتمال فرار و تبانی و یا احتمال فشار بر روی شاهدان و شاکیان از سوی رژیم، با استناد به قوانین موجود در سوئد، برخی محدودیت‌ها در زندان برای نوری در نظر گرفته شد؛ از جمله سلول انفرادی، محدودیت تماس با رسانه‌ها و دنبال کردن آن‌ها، محدودیت ملاقات و یا دریافت بسته. با وجود همه این محدودیت‌ها، نوری همواره اجازه نوشتن نامه به خانواده‌اش را داشته و بارها نیز با آن‌ها ملاقات حضوری و یا تماس تلفنی داشته است.

دادگاه علنی بود. تمام جلسات دادرسی به صورت صوتی از طریق کانال یوتیوب و دیگر اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دنیا پخش می‌شد. ده‌ها خبرنگار از درون دادگاه توییت می‌زدند و خبر و برنامه تولید می‌کردند. وکلای حقوق بشری، خانواده‌های جان‌باختگان و مردم عادی هر روز در دادگاه شرکت می‌کردند. نوری دو وکیل داشت و وکلای وی اجازه داشتند شاهدان و یا متخصصان خود را به دادگاه دعوت کنند و از همه شاکیان و یا شاهدان پرسش و پاسخ نمایند. حال آن‌که مسئولان جمهوری اسلامی دولت سوئد را تهدید کرده و سفیر خود را به تهران فراخواندند. رای دادگاه اما برای ۹۶ تن صادر شده و قضات و هیات منصفه ۴۰ تن را که مطمئن نبودند در زندان گوهردشت به قتل رسیده‌اند، از پرونده حذف کردند. همچنین دادگاه به شهادت ۳ شاکی به جهت وجود تناقض در شهادتشان، از موارد لوٹ محسوب و در رای نهایی دادگاه محاسبه نگردید.

شهادت شاکیان و شاهدان پرونده نیز به صورت تصویری ضبط شده و نوری اجازه دارد به رای نهایی در دادگاه استیناف شکایت کند. در صورت تایید حکم صادره دایر بر حبس ابد نوری، توسط دادگاه استیناف، نوری باید ۲۵ سال در زندان بماند.

فرزند حمید نوری از دادگاه سوئد انتقاد کرد و آن‌ها را به جانبداری متهم کرد چرا که به نظر او دادگاه به شاکیان وقت زیادی داده و به پدرش وقت کافی نداده بود! نوری ۷ روز کامل برای دفاع از خود فرصت داشت که بیش‌تر وقتش را برای کتمان کشتار ۱۳۶۷ و دفاع از رژیم به هدر داد. نوری همچنین بارها در دادگاه تاکید کرد که باهوش و شجاع است،

رابطه خوبی با زندانیان داشته و کارش را به بهترین وجهی انجام می‌داده و زندانیان را خیلی دوست داشته!

در آخرین روز دادگاه، هنگامی که قاضی به نوری اجازه داد تا آخرین سخنان خود را بگوید و دادگاه با اظهارات وی خاتمه یابد، نوری از این فرصت برای تملق و تمجید از قاضی و تشکر از دادستان‌ها و وکلا استفاده کرد. نوری گفت که همه از جمله شاکیان و شاهدان را دوست داشته و دارد. وی سپس بطور غیرمستقیم دادگاه را تهدید کرد و گفت: «امیدوارم حکمی که به من می‌دهید مشکلی در روابط ایران و سوئد ایجاد نکند».

منابع

استاد و قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲.
- قانون مدنی اسلامی.
- قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی، مصوب ۱۳۶۸.
- کنوانسیون ژنو، مصوب ۱۹۴۹.
- کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگانگیری، مصوب ۱۹۷۹.
- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.
- استاد و مدارک ارائه شده توسط زندانیان جان‌به‌دربرده مجاهد و یا بازماندگان نشان به دادگاه که مربوط به درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق، سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷.
- سند فتوای روح‌الله خمینی در ۴ مرداد ۱۳۶۷.
- استاد دادگاه، کیفرخواست دادستان علیه حمید نوری، ترجمه به فارسی توسط سازمان دادرسی کل سوئد، بخش دادرسی بین‌المللی، واحد دولتی مبارزه علیه جرایم سازمان یافته و جرایم بین‌المللی.
- قابلیت فرجام‌خواهی از جرایم یادشده در ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).
- آرا وحدت رویه در دیوان عالی کشور.

کتاب

- حقوق جزای اختصاصی، دکتر ایرج گلدوزیان، چاپ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
- سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل، دکتر هدایت‌الله فلسفی، نشر آسیم، تهران، ۱۳۹۹.
- نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، چاپ هفتم، ۱۳۹۶.
- مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، مولف: ویلیام اشبت، مترجمین: دکتر سیدباقر میرعباسی، دکتر حمید الهویی نظری، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
- الفبای حقوق اتحادیه اروپا، مولف: دیر بورچارد، ترجمه علی احدی، جلد اول، چاپ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۹۴.
- آیین دادرسی کیفری، ادله اثبات دعوی کیفری، با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۹۷، جلد اول، دکتر محمد آشوری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ بیستم، تهران، زمستان ۱۳۹۷.
- آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی، کلیت ادله اثبات کیفری با نگاهی تطبیقی، ویراست پنجم؛ با تجدیدنظر اساسی و اضافات، دکتر محمد آشوری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۹۸.
- اثبات و دلیل اثبات، دکتر ناصر کاتوزیان، بنیاد حقوقی میزان، جلد دوم، چاپ هشتم، ۱۳۹۵.
- «نه زیستن، نه مرگ»، مجلد ۳ و ۴؛ «رقص ققنوس‌ها و آواز خاکستر»؛ «in Living the Corridor Death»، ترجمه انگلیسی کتاب «زندگی در راهرو مرگ»، بخش کشتار ۱۳۶۷؛ «عدالتخانه و ویرانگرانش»؛ «دوزخ روی زمین»، مولف: ایرج مصداقی.
- مبانی حقوق عمومی، مارتین لاگلین، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۷.
- تاریخ مختصر تئوری حقوقی غرب، جان کلی، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۸.
- در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱ و چاپ ششم ۱۴۰۰.
- فرمان قتل عام، درباره نسل‌کشی ارمنه، تانر آکچام، ترجمه آتوسا سمیعی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۹.

- ایران تریونال، چاپ اول، نشر باران، سوئد، استکهلم، ۲۰۱۶/۱۳۹۵.
- آخرین فرصت گل، مهدی اصلانی، نشر باران، سوئد، استکهلم، ۲۰۱۶.
- آفتابکاران، محمد رویایی، انتشارات امیرخیز، اشرف، ۱۳۸۶.
- یک کهکشان ستاره، خاطراتی از قتل عام زندانیان سیاسی ایران، حسین فارسی، انتشارات بنیاد رضائیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
- بیش از ۴۰ کتاب در خصوص خاطرات و شهادت‌های زندانیان سیاسی دهه ۱۳۶۰ که مورد تایید و ثبت قاضی تحقیق واقع شده‌اند.
- کتاب جعفر یعقوبی.
- بی‌کیفرمانی، اصل صلاحیت قضایی، ناقضان حقوق بشر در ایران، حمید نوری/عباسی، وجدان حقوقی جهانی، نیره انصاری.

وبسایت

- مرکز اسناد حقوق بشر ایران.

